



رشد

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

# معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای معلمان، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره ۴۱ / دی ۱۴۰۱ / شماره پستی دربی ۳۵۰ / صفحه ۴۸

ISSN: 1606-9129    www.roshdmag.ir



معلمان

ارزنده



تو پاکئی و این خاک جای تو نیست  
که جز سبز، رخت عزای تو نیست  
قیصر امین پور

مزار تو بی مرزو بی انتهاست  
به تشییع زخم تو آمد بهار

دینش  
اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجه

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجلات در دسترس عموم جامعه تربیتی کشور قرار گیرد و همه مخاطبان در مبین عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را داشته باشند.  
قیمت: ۷۵۰۰ ریال

# رشد معلم

www.roshdmag.ir

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره ۴۱ / شماره پی‌درپی ۳۵۰ / دی ۱۴۰۱

مدیر مسئول: محمد صالح مدنی  
سر دبیر: دکتر عظیم محبی  
شورای برنامه‌ریزی:  
روح‌الله رضاعلی  
اکبر شیرزادی  
اشرف فاطمی  
حجت‌الاسلام سجاد کرمی  
سید محمد طباطبایی  
لیلا میرزائی  
مدیر داخلی: الهام فراستی  
ویراستار: کبری محمودی  
مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد  
طراح گرافیک: سید حامد الحسینی  
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲  
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸  
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰  
وبگاه: www.roshdmag.ir  
رایانامه: Email: moallem@roshdmag.ir  
نشانی امور مشترکین:  
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱  
امور مشترکین:  
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸  
پیامنگار: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳  
چاپ و توزیع: شرکت افست

- ۲ رتبه بندی اثربخش □ دکتر عظیم محبی
- ۴ نور، صدا، حرکت برای آموزش □ دکتر محمدرضا سرکارآرانی
- ۶ معلم فقیر نیست! □ دکتر لیلا سلیقه‌دار
- ۹ چشم‌هایش □ مریم ملک
- ۱۰ ساحل امن و آرام نسل‌ها □ حجت‌الاسلام سجاد کرمی
- ۱۲ درس کاوی؛ نگاهی متفاوت به معلمی □ روح‌الله رضاعلی
- ۱۴ ساختمان با حساب و کتاب □ محمد تابش
- ۱۸ معلمی از جنس بصیرت □ لیلا میرزائی
- ۲۰ استعدادیاب باشیم □ دکتر مرتضی فاضل
- ۲۳ یادگاری آموزشی □ مصطفی سهرابلو
- ۲۴ کلاس- سینما □ وحید گلستان
- ۲۶ متاورس در خدمت آموزش □ حامد عباسی، حمیده عباسی
- ۲۹ آزمایشگاه، غایب □ لیلا صمدی
- ۳۲ سواد مالی □ دکتر مینا خداپناه
- ۳۴ اسماعیل امینی □ مهدی فرج‌اللهی
- ۳۶ زنگ اول: مسئله‌یابی □ امیرحسین خانی زارع
- ۳۸ جشن تولید محتوا □ شهریار ابراهیمی
- ۴۰ از کج دستی تا مکانیکی □ محبوبه امینی بازیانی
- ۴۲ از کوره در نرو □ دکتر اعظم گودرزی
- ۴۵ تلفیق آزمون و تدریس □ ترجمه احمد شریفان
- ۴۶ کیفیت بخشی حرفه‌ای □ اعظم مقیسه
- ۴۸ معرفی کتاب □



برای اشتراک مجلات رشد  
رمزبند را پویش کنید

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله‌ها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.

# رتبه‌بندی اثربخش

دکتر عظیم محبی

۲. برخورداری معلمان (مربی، مشاور، مدیر و ...) از شایستگی‌های کلیدی<sup>۴</sup>

## ■ شایستگی‌های عمومی

- باور به ارزش‌های اسلامی، ملی، انقلابی و روحیه جهادی
- ارتباط و تعامل مؤثر
- مهارت‌های تفکر و حل مسئله
- خلاقیت و تحول‌خواهی
- رعایت اخلاق اسلامی
- قانون‌گرایی و قانون‌مندی

## ■ شایستگی‌های تخصصی

- تسلط بر دانش تخصصی
- تسلط بر دانش تربیتی
- تسلط بر اسناد بالادستی
- پیشنهاد، تولید و ساخت (روش‌ها و ابزارهای آموزش)
- پژوهش‌های مرتبط با بهبود عملکرد معلم
- مدرک تحصیلی

## ■ شایستگی‌های حرفه‌ای

- کاربردی مهارت‌های یاددهی‌یادگیری
- مهارت‌های تربیتی در ساخت‌های شش‌گانه
- مشارکت در شوراها و امور مدرسه
- یادگیری مؤثر
- کسب مقام در مسابقات و ...

## ■ شایستگی‌های تجربی

- سوابق خدمتی
- ارزیابی عملکرد سالانه
- گواهی ضمن خدمت
- سابقه تدریس به همکاران
- دریافت تقدیرنامه مرتبط با آموزش و پرورش

## ۳. تحلیل

- شایستگی‌های عمومی به‌نوعی شایستگی‌های شخصیتی و الگویی هستند. این شایستگی‌ها در رفتار معلمان متجلی می‌شوند

در نگرش سنتی، معلمان محتوای کتاب‌های درسی را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهند. اما بر اساس مفاد برنامه درسی ملی، معلم با خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی زمینه کسب و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد.<sup>۱</sup> اهمیت این تغییر رویکرد، با اجرای قانون رتبه‌بندی معلمان، نقطه عطفی برای آموزش و پرورش تلقی می‌شود. لذا چند نکته در این باره می‌آوریم:

## ۱. اهمیت کسب شایستگی‌ها بر اساس ساحت‌های تعلیم و تربیت توسط دانش‌آموزان

با تحلیل اهداف مصوبه دوره‌های تحصیلی<sup>۲</sup> و با عنایت به پنج شایستگی ذکر شده در سند برنامه درسی ملی<sup>۳</sup>، می‌توان شایستگی‌های کلیدی را به‌صورت زیر آورد:

شایستگی‌های مشترک	مصادق‌ها
تفکر و خردورزی	تفکر خلاق، نقد و منطقی، پرازش اطلاعات، ارزیابی و تحلیل استدلال، داور، قضاوت، نگرش نظام‌وار، تصمیم‌گیری و ...
ایمان و اخلاق	باور و پایبندی به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، صبر، انصاف، صداقت، کرامت نفس، عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، احساس عدالت، خودکنترلی و خوشبین‌بانی، بهدشت و سلامت.
دست‌ورزی، کار و عمل	تجربه عملی در موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی شده، به‌کارگیری فناوری و ...
نگرش کارآفرینانه	روحیه ریسک‌پذیری، نوآوری، فهم و درک تغییرات، کشف و خلق فرصت‌های کسب‌وکار
ارتباط و تعلیم	گفت‌وگو، مذاکره، همیاری، همدلی، خرد جمعی، تصمیم جمعی، کار تیمی

و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان مؤثرند. همه ما به‌عنوان معلم باید تلاش کنیم همواره این شایستگی‌ها را در خود تقویت کنیم، چون رفتار و عمل ما اثر تربیتی دارد.

– شایستگی‌های تخصصی به‌نوعی همان دانش و تسلط معلم بر دانش موضوعی و تربیتی هستند. انتظار می‌رود معلمان در حوزه تدریس خود مسلط باشند؛ به‌ویژه چون معلمان در رشته‌های غیرمرتبط هم تدریس می‌کنند، تسلط بر دانش موضوعی امری طبیعی و لازم است. در کنار دانش موضوعی، داشتن دانش و بینش کافی در حوزه مبانی، اصول، اهداف و رویکردهای تعلیم و تربیت بر اساس اسناد تحولی هم لازم و ضروری است. شناخت دانش‌آموزان (ویژگی‌ها، استعدادها، نیازها، علاقه‌ها و شخصیت) در هر یک از دوره‌های تحصیلی، با توجه به تجربه زیسته دانش‌آموزان در عصر رقمی، بسیار مهم است. بدون شناخت ویژگی‌های دانش‌آموزان نمی‌توانیم رسالت خود را به‌خوبی انجام دهیم.

– شایستگی‌های حرفه‌ای، به‌ویژه کاربست مهارت‌های یاددهی‌یادگیری و مهارت‌های تربیت در ساخت‌های تربیتی، حیطة عمل معلمان در کلاس و مدرسه است؛ به‌نوعی تبلور عملی شایستگی‌های عمومی و تخصصی تلقی می‌شود.

کیفیت کسب شایستگی‌های دانش‌آموزان، باکیفیت به‌کارگیری این شایستگی‌ها از سوی معلمان و مربیان رابطه مستقیم دارد. کیفیت به‌کارگیری راهبردهای تدریس، سنجش و روش‌های تربیتی مبتنی بر رویکرد موقعیت‌محور در این بخش بروز و ظهور می‌کند.

#### ۴. چالش‌ها و راهکارها

۱. همان‌طور که بیان شد، مهم‌ترین نقش معلم در شایستگی‌های حرفه‌ای بروز و ظهور می‌کند. لذا تدوین شاخص‌های مربوط به این شایستگی‌ها می‌تواند در کیفیت فرایند تعلیم و تربیت دانش‌آموزان مؤثر باشد. شاخص‌ها باید زمینه اجرای رویکرد شکوفایی استعدادهای فطری را از طریق درک و اصلاح موقعیت، به‌صورت درهم‌تنیده و تلفیقی، فراهم آورند؛ از جمله، ایجاد فرصت:

– تلفیق مفاهیم کتاب‌های درسی با مسائل واقعی زندگی؛

– تبیین مسئله؛

– خلق روش‌های نو در حل مسئله؛

– تعامل و کار تیمی؛

– خودارزیابی و ابراز وجود؛

– ساخت و تولید با رویکرد پروژه‌محور؛

– به‌کارگیری روش‌های سنجش فرایندی؛

– راهنمایی بر اساس تفاوت‌های فردی؛

– ارائه فهم و عملکرد بر اساس سنجش‌های عملکردی؛

۲. دومین نکته اساسی به فرایند ارزیابی از عملکرد معلمان مربوط است. مبنای ارزیابی از شایستگی‌های عمومی به‌طور طبیعی خوداظهاری و خودارزیابی معلمان و مربیان است. اما مبنای ارزیابی از شاخص‌های شایستگی‌های تخصصی باید آزمون استاندارد باشد. چون هدف اصلی ارزیابی از شاخص‌های تخصصی، زمینه‌سازی برای خودیادگیری و خودنوسازی مستمر معلمان است. در چنین حالتی، معلمان به‌طور مستمر با مطالعه منابع و شرکت در دوره‌های آموزشی (به‌ویژه آموزش‌های مدرسه‌محور مانند درس پژوهی) شایستگی‌های علمی و ابعاد تعلیم و تربیتی خود را ارتقا می‌دهند و در نتیجه نظام آموزش معلمان مستقر خواهد شد. مبنای ارزیابی از شایستگی‌های حرفه‌ای بیشتر مشاهده و بررسی بالینی است. برای انجام این ارزیابی نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت‌های گروه‌های آموزشی در خصوص فرایند سنجش بالینی هستیم. این نوع ارزیابی بسیار مهم و در عین حال حساس است.

۳. سومین نکته به امتیازات پیش‌بینی شده برای شاخص‌های مربوط به کتاب، مقاله، کسب مقام در مسابقات، تقدیرنامه، گواهی ضمن خدمت و ... مربوط است. به نظر می‌رسد، همه معلمان شرایط مساوی برای کسب این امتیازها را نداشته باشند. لذا پیشنهاد می‌شود، امتیازهای این شاخص‌ها کمتر باشند تا معلمان همواره درصدد کیفیت‌بخشی به فرایند تدریس و تربیت دانش‌آموزان برآیند.

#### منابع

۱. سند برنامه درسی ملی، مصوب ۱۳۹۱.

۲. اهداف مصوبه دوره‌های تحصیلی، ۱۴۰۱.

۳. سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱.

۴. شیوه‌نامه رتبه‌بندی معلمان، ۱۴۰۱.



# نور صدا حرکت

## برای آموزش

دکتر محمد رضا سرکارآرانی

اشاره

تجربه دوران کرونا ظرفیت‌های بی‌بدیل آموزش‌های برخط و مجازی را آشکار ساخت. لذا عموم متخصصان به این باور رسیده‌اند که مدرسه نمی‌تواند از ظرفیت ارزشمند فضای مجازی چشم‌پوشی کند. اما سؤال جدی آن است که در شرایط حضوری نسبت معلم با فضای مجازی و فناوری‌های نوین چیست؟ آیا پداگوژی در خدمت فناوری‌های نوین است یا فناوری‌های نوین در خدمت پداگوژی؟

## تدریس سخنرانی نیست

اینکه «تدریس سخنرانی نیست» را می‌دانستیم، اما تاکنون در فضای شیشه‌های تدریس نکرده بودیم. حالا پیچیدگی آموزش، کیفیت یادگیری، آثار نابرابری کیفیت تدریس و شرایط رهاشدگان و ترک تحصیل کردگان بهتر درک می‌شود. در نتیجه، گفت‌وگو درباره ضرورت غربالگری برنامه‌های درسی و محتوای کتاب‌های درسی رونق گرفته است.

تشکیک در تأثیر این همه محتوای آموزشی تکلیف‌اندیش و نیاز آن‌ها به هرس، توجه مخاطبان بیشتری را به خود جلب کرده است. حالا این پرسش حرفه‌ای که کتاب درسی چه ویژگی‌هایی دارد، همه‌گیر شده است و گفت‌وگوهای اجتماعی درباره آن بیش از پیش رونق گرفته و فهم‌پذیرتر شده‌اند. بحران همه ما را هوشیارتر کرده است و فرزندانمان ما را هوشیار کرده‌اند تا ببینیم چه در گوش آن‌ها نجوا می‌کنیم و چه به یاد آن‌ها می‌سپاریم.

شرایط تازه همه ما را هوشیار کرده است تا هر کس با ما سخن می‌گوید، تعداد «باید»‌های او را بشماریم. آیا شما می‌شمارید؟ به نظرم بچه‌ها می‌شمارند! من همیشه می‌شمارم. شما نیز چنین کنید. تازه به هوش آمده‌ایم ببینیم آنچه می‌گوییم و می‌شنویم، دانش زنده است یا مرده! و از کدام عهد است؟ برای کدام سرزمین است؟ آیا این کوشش‌ها با عاملیت یادگیرنده نسبتی دارند و حق و اختیار او را به رسمیت می‌شناسند؟ و در اساس آیا به یادگیری و تربیت می‌انجامند؟

روش‌های ارزشیابی دانسته‌ها که به سرعت سرنوشتی جز فراموشی ندارند، اکنون موضوع گفت‌وگوهای مدرسه، خانواده و جامعه شده‌اند. انگشت‌های اشاره‌ای که تا دیروز تنها معلمان و مدرسه را هدف گرفته بودند، حالا مدیران ارشد، تصمیم‌گیران آموزشی، شوراهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتاب‌های درسی، کیفیت و حجم و میزان اثربخشی بخش‌نامه‌های ستاد را نشانه گرفته‌اند.

## مسئله چیست؟

به تدریج در شرایط تازه متوجه تفاوت میان «فناوری در آموزش» و «فناوری برای آموزش» با فناوری آموزشی شدیم. فناوری آموزشی

رشته‌ای تخصصی است که به فرایند طراحی آموزش و صحنه‌پردازی یادگیری در تعامل با ابزار، محتوا، افراد و هدف‌ها می‌پردازد.

طراحی در اینجا به معنی گفت‌وگوی اثربخش با همه اجزای مادی و غیرمادی موقعیت‌های یادگویی در ساحل، دریا، بازار و مسجد است. برای مثال، فرزندان روستایی ما دیرزمانی از کنار مزرعه‌های گندم یا پشته‌های قنات‌های آب عبور می‌کردند و به مدرسه می‌آمدند. حکمت و فرایند عمل قنات‌ها و سامانه حیات مزرعه‌های گندم برای آن‌ها و معلمانشان فرصت‌های اثربخش آموزش بودند و فرایند یادگیری را تسهیل و غنی می‌کردند، ولی ما از آن‌ها به‌خوبی استفاده نمی‌کردیم.

اندیشه درباره سیر تحول بار معنایی یادگویی و مطالعه در نقش فناوری «در» آموزش و «برای» آموزش و فناوری آموزشی، ما را متوجه نظریه‌های تازه شناختی و یادگیری، رویکردهای آموزشی و تربیتی اثربخش و روش‌های اندیشه، عمل و بازانديشی تدریس در مدرسه و کلاس‌های درس، به‌صورت‌های حضوری و مجازی یا از راه دور می‌کند.

حاصل این اندیشه و بازانديشی‌ها ما را توانا می‌کند تا در استفاده از ابزار و عبور از فناوری در آموزش و برای آموزش به «فناوری آموزشی» که به معنی طراحی آموزشی و صحنه‌پردازی یادگیری است، ارتقا پیدا کنیم. در این شرایط است که هم تدریس هیجان‌انگیز و هم یادگیری شوق‌انگیز می‌شود و در نتیجه کیفیت یادگیری ارتقا می‌یابد. بنابراین، آموزش سخنرانی نیست، بلکه صحنه‌پردازی یادگیری است که متناسب با نیاز و درکی از توانایی و حضور تک‌تک بچه‌ها «طراحی» می‌شود.

در این صورت متوجه می‌شویم صحنه‌پردازی یادگیری یک‌نفره و خودبده‌خودی یا در میان خودمان به‌عنوان معلم ممکن نیست، بلکه به گفت‌وگوهای سازنده با موقعیت یادگویی نیاز دارد که تک‌تک بچه‌ها در آن‌ها دیده می‌شوند، حضور دارند و روابط میان آن‌ها و حقوق و نیاز و توانایی‌شان به رسمیت شناخته می‌شود.

در مجموع، چالش‌های کرونا همه را به مطالعه فراخوانده است تا بار دیگر به یادگویی بیندیشیم و در فناوری‌ها به مثابه پرسش‌هایی هیجان‌انگیز و محرک‌های برانگیزنده نظر کنیم و نه صرفاً به راه‌حل‌ها!

# معلم

## فقیر نیست!

### منش معلمی و مناعت طبع

دکتر لیلا سلیقه‌دار

معلم و جویسگر تعلیم و تربیت



معلم چه مواردی به ذهنشان می‌رسد؟ آن‌ها علاوه بر اشاره به کلماتی مانند «عشق، یادگیری، مدرسه و دوستان» و مواردی از این دست به مسائل اقتصادی معلمان هم اشاره می‌کنند.

#### درآمد، واقعیتی انکارناپذیر

معمولاً واقعیت‌های مربوط به شرایط اقتصادی هر جامعه زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ ارزشیابی و قیمت‌گذاری حرفه‌های گوناگون می‌شود. در این شرایط، معیار درآمد تعیین‌کننده ارزش و جایگاه هر حرفه قرار می‌گیرد که در این باره نقد بسیاری وجود دارد و بدیهی است، چنین نگاهی به حرفه‌های ارزشی و فرهنگی مانند معلمی، خسارت‌هایی نیز در پی دارد.

اما این تنها عامل مؤثر در ایجاد جایگاه شغلی نیست، در فرهنگ سازمانی و منش هر حرفه، رفتارهایی، گاه نوشته در دستورالعمل‌های اجرایی و گاه نانوشته و پنهان وجود دارند که می‌توانند جایگاه یک حرفه را در جامعه رشد دهند یا متزلزل کنند. به بیان دیگر، منش معلمی و رفتارهای معلمان تا حدود زیادی می‌تواند تعیین‌کننده جایگاه شغلی معلمان در جامعه باشد.

#### تجربه معلمی

چند سالی بود در محله معروفی مشغول تدریس شده بود.

#### یاد چه می‌افتید؟!

وقتی واژه معلم را می‌شنوید، یاد چه چیزهایی می‌افتید؟ کدام کلمات در ذهن شما نقش می‌بندند و چه موضوعاتی ذهنتان را درگیر می‌کنند؟ فکر می‌کنید اگر این پرسش از افراد جامعه پرسیده شود، چه می‌گویند؟ قبل از پرداختن به موضوع نوشته، ابتدا به گزاره‌های زیر توجه کنید و موقعیت خود را ارزیابی کنید.

#### شما چگونه فردی هستید؟!

\* نام معلم مرا به یاد زندگی سرشار از عشق و احترام می‌اندازد.  
\* حس می‌کنم مهم‌ترین مسئله هر شغلی درآمد است!  
\* از نظر من همه معلمان وضعیت اقتصادی و زندگی پایینی دارند.

\* در برخی مشاغل مثل معلمی، ارزش‌ها و اثرگذاری‌هایی مهم‌تر از حقوق وجود دارند.

پاسخ شما به هر یک از گزاره‌های بالا، نشان‌دهنده بخشی از عقاید و واکنش شما به موقعیت و جایگاه معلم در جامعه است. در هر زمینه، ابتدا پاسخ و رفتار خود را بررسی کنید و سپس با نگاه نقادانه مطالب را مطالعه کنید.

#### مردم درباره معلم می‌گویند...

فکر می‌کنید مردم و افرادی که معلم نیستند، با شنیدن کلمه





### معلم فقیر نیست

با این تعبیر، معلم فقیر نیست تا زمانی که باور کند کمبود اقتصادی فاصله زیادی با فقر اندیشه دارد و این لزوماً بدان معنا نیست که واقعیت را نبیند یا مطالبه نکند. در این شرایط، منش معلمی حکم می‌کند جایگاه حرفه‌ای خود را محافظت کند و آن را به هیچ بهایی نفروشد. اگر بناست به لحاظ قانونی تغییری رخ دهد یا مطالبه‌ای انجام شود، مسیر آن از مطالبه‌گری‌های خرد و بدنامی در میان عموم نیست.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌نقل شده است: «اطلبوا الحوائج بَعْدَ النَّفْسِ»: خواسته‌های خود را با حفظ عزت‌نفس بخواهید (نهج‌السعادة، ج ۸: ۲۷۶).

### زندگی پول می‌خواهد

بدیهی است که سرمایه مالی و حقوق از جمله نکات اساسی در زندگی و مدیریت امور مربوط به آن هستند. به همین دلیل، معلمانی که تلاش می‌کنند پله‌های موفقیت را پشت سر بگذارند و در عین حال توان و دانش خود را به‌روز نگاه دارند، از حرفه خود به‌عنوان سرمایه مالی سهم بیشتری به دست می‌آورند.

### تجربه معلمی

برای هدایت دانش‌آموزان در تعیین رشته، به مجموعه‌ای

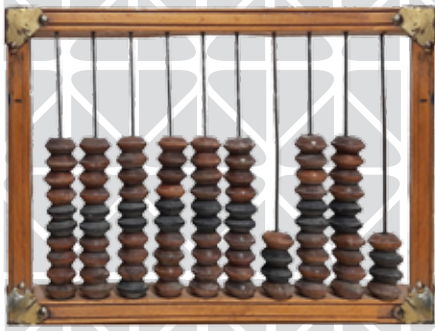
زمانی که با هم در یک مدرسه همکار بودیم، یکی از فعالیت‌های مشترکمان این بود که به خرید برویم. گاهی خریده‌های مهم خانه و خانواده و گاهی هم خرید برای مدرسه و کلاس درس بهانه‌ای می‌شدند که بازارهای خوب و فروشگاه‌های منصف را شناسایی کنیم.

یک روز تصمیم گرفتیم در محله جدید ایشان خریدی داشته باشیم. قیمت‌ها بسیار بالا بودند و امکان خرید برای ما میسر نبود. لذا به پارک محل رفتیم و کمی درباره اهمیت اقتصاد آموزش و پرورش با هم گفت‌وگو کردیم و آرزو کردیم علاوه بر ارتقای منزلت اجتماعی، مسائل معیشتی معلمان هم حل شود تا بتوانند با خیال راحت‌تری وظایف تربیتی و آموزشی خود را انجام دهند.

### فقر فرهنگی، فقر مالی

معلم اسوه و الگوی دانش‌آموزان است و بسیاری از آن‌ها زندگی‌شان را در سبک و سلوک معلمشان پیدا می‌کنند و ادامه می‌دهند. رفتار و گفتار افراد از جمله سبک زندگی آن‌هاست و بدیهی است معلم به‌عنوان اسوه، نوعی سبک زندگی را نیز زمینه‌سازی می‌کند.

در این شرایط، با وجود پذیرش وضعیت اقتصادی ناخوب، با تکیه بر اندیشه مناعت طبع و بزرگ‌منشی و نیز عزت و ارزشمندی خود و حرفه معلمی می‌توان از فقر فرهنگی و به بادادن جایگاه اصیل حرفه‌ای در حد و اندازه پیامبری دوری جست.



## مناعت طبع و جایگاه ارزشی حرفه معلم به رفتار معلم و واکنش‌های او در جامعه وابسته است

باور افراد با حرفه موردنظر همراهی داشته باشد، برخی معادلات از پیش فرض شده از میان می‌رود و می‌توانیم نتایج بهتری را انتظار داشته باشیم.

### شریک پایمال شدن عزت‌نفس معلم نشویم

مطالعات نشان می‌دهند، میان عزت‌نفس و فرسودگی شغلی معلمان رابطه وجود دارد. برای مثال، در فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه (شماره ۲۴ بهمن ۱۳۹۶) مقاله‌ای پژوهشی از **ولی محمدی** منتشر شده و نتیجه این مطالعه مؤید آن است که عزت‌نفس معلمان بر فرسودگی شغلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بین این دو رابطه معکوس وجود دارد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، معلمان با عزت‌نفس بالاتر، نسبت به تجربه فرسودگی شغلی در طول دوران تدریسشان شانس کمتری داشتند و برعکس.

با این نگاه، ضروری است معلمان در مدیریت رفتارها، هم‌سو با عزت و ارزشمندی حرفه‌ای خود، قدم بردارند و از آنچه به‌نوعی با جایگاه حرفه‌ای معلم در تضاد است، پرهیز کنند.

### تجربه معلمی

مدتی در یک مدرسه مشغول به کار بودم. با شروع دوران کرونا و کم‌شدن نیروهای همکار، مدیر مدرسه تصمیم گرفت تعدادی معلم استخدام کند. یکی از همکاران جدید، معلمی حدود بیست‌ساله و دانشجوی رشته فیزیک بود. رشته تحصیلی او هیچ ارتباطی با رشته تدریسش نداشت و از آن مهم‌تر اینکه تجربه معلمی هم در سابقه او نبود. وقتی دیدم چه اشتباهات فاحشی دارد، سعی کردم در چند مورد به او کمک کنم. کم‌کم ارتباط ما بیشتر شد تا اینجا که متوجه شدم به دلیل تازه‌کاربودنش، حقوق بسیار ناچیزی به او پیشنهاد شده و او هم به دلیل نیاز دوره دانشجویی آن را پذیرفته است. این موضوع باعث شد: اول اینکه ساعت‌ها با مدیر مدرسه بحث و گفت‌وگو داشته باشم که چرا مدیر مدرسه غیردولتی، صرف اینکه اختیاراتی دارد (که البته بعد متوجه شدم از استخدام تا نوع حقوق این معلم غیرقانونی است)، باید حاضر شود فردی را با کمترین صلاحیت و آمادگی حرفه‌ای به کلاس درس بفرستد. دوم، برای حقوق پایین معلم و به‌استثمار کشیدنش در حرفه معلمی شاکمی بودم. نتیجه اینکه مدیر مدرسه مجبور شد همکار مورد نظر را در دوره‌ای آموزشی شرکت دهد و درعین حال به حقوق او هم اضافه کند. به نظر من، همین تلاش‌های کوچک و منفعل‌نبودن در برابر اتفاقاتی از این دست، بسیار کمک می‌کنند تا از سنگر معلمی حراست کنیم.

فرهنگی دعوت شده بودم. می‌دانستم حدود هشتصد ولی و دانش‌آموز پایه نهم گرد هم جمع شده‌اند تا از زبان من بشنوند چگونه رشته مناسب تحصیل را پیدا کنند.

به این منظور، مثل همیشه مطالعات نقد و دست‌اولی انجام دادم و تجربه‌هایی را جست‌وجو کردم تا بتوانم به سؤال‌هایی که می‌دانستم در چنین جمع‌هایی مطرح می‌شوند پاسخ درست بدهم. طبق تجربه‌ام، یکی از سؤالات این است که چه رشته یا رشته‌هایی درآمد بیشتری دارند؟ این پرسش به پاسخ عمیق و درعین حال درستی نیاز دارد.

یاد یکی از درس‌گروهی (سمینار)های گذشته‌ام افتادم و چشمان پرانگیزه دختری که انتخاب قطعی‌اش معلمی بود، اما نمی‌خواست درآمد کمی داشته باشد. این یادآوری مرا به‌سوی بررسی بیشتر زندگی یک معلم کلاس اولی کشاند؛ معلمی که در جلسه گزارش از یک مدرسه دولتی شناخته بودم. او عاشق حرفه‌اش بود و چنان مجذوب و غرق آن شده بود که هر سال طرحی نو و برنامه‌ای جدید پیاده می‌کرد و از این رو آوازه‌اش بسیار پیچیده بود. بسیاری از والدین تمایل داشتند برای چند جلسه محدود هم که شده است، فرزندشان کلاس درسی با این معلم را تجربه کند.

درآمد او به‌واسطه علاقه و توان بسیار او با کار آموزش به‌سادگی رو به رشد بود. این در حالی بود که نمونه دیگر من فردی از میان صنف پزشکان زیبایی بود؛ پزشکی که چند سالی از اتمام دروسش گذشته بود و به همت پدر، مطب و تجهیزات لازم را در اختیار داشت، اما در بrix از رشد حرفه‌ای او به‌واسطه نداشتن علاقه و نیز توانایی، در حرفه خود پیشرفتی نداشت و غالب بیمارانش را نیز دوستان و اقوام تشکیل می‌دادند که بعد از یک یا دو بار مراجعه، تصمیم می‌گرفتند این کار را با فرد حاذق دیگری دنبال کنند. همین مثال‌ها کافی بودند تا نشان دهم اگر استعداد، علاقه و

# چشم‌هایش

مریم ملک

کارشناسی ارشد جغرافیا

با رمز نشانه‌گذاری کنم، تا فردا او مرا به شغف برساند. نگاهش می‌شکفت وقتی رمزها را می‌گشود و چشم‌هایش بشارتی می‌شد برای به‌دررفتن خستگی‌های شبانه من.

در روزهای آغازین فروردین، دانش‌آموزان با لباس‌هایی که بوی عطر بهار می‌دادند وارد شدند تا یادمان بیندازند هنوز رد پای بهار در وجودشان زنده است. اتفاقی رخ داد. طاهرا را هل دادند و شلوار او پاره شد. به‌خاطر پارگی شلوار عیدش که هنوز بوی نویی می‌داد، سخت گریست. پدram هم ترسید. احساساتش جریبان گرفت و وقتی فوران کرد، دیدم به پهنای صورت اشک می‌ریزد و نادم و هراسان است. با قد ۱۶۸ سانتی متری دو زانو نشست و یک‌نفس معذرت‌خواهی می‌کرد. مواجهه با این حالتش برایم بسیار دردناک بود. به او گفتم: پدram، حالا با شلوار پاره طاهرا چه کار کنیم؟ چشم‌های به دریا نشسته‌اش را به رویم چرخاند و گفت: «به خیاط بدهیم».

شاید قلم من هرگز قادر نباشد احساسم را با شنیدن همین یک جمله بیان کند، اما آن روز روزی فراموش ناشدنی برای من شد. او توانست مفهوم خیاط و پارچه و ربط آن‌ها را درک کند. دیگر تاب نیاوردم و های‌های گریه سر دادم.

دانستم در پس تمام نظریه‌های علمی که از نگاه سنگ‌گونه و احساسات یخ‌زده کودکان درخودمانده (اوتیسم) کتاب‌ها سیاه کرده بودند، درپچه‌ای به‌سوی من گشوده شد. انسان احساس را زندگی می‌کند. همان‌گونه که او فهمیده بود. آن روز برای نخستین بار دیگر دانش‌آموزانم در غم او شریک شدند و این آغاز گشوده‌شدن پنجره‌ای بود که آن‌ها چند ماه به روی هم بسته بودند. آن روز همه با هم گریستیم و همه با هم خندیدیم.

سال‌ها از آن روز گذشته است. پدram اکنون سال آخر متوسطه را می‌گذراند. می‌تواند به‌تنهایی آمدورفت کند، ارتباط بگیرد، کتاب بخواند و هنوز چشم‌هایش در من طلوع می‌کند و من به این می‌اندیشم که به شکرانه روزهایی که کنارش نفس کشیدم و راه رفته‌ام، چقدر باید به خدا لبخند بزنم؟

چشم‌هایش زودتر از خودش وارد کلاس شدند. چشم‌هایی که می‌تپیدند، اما بی‌حرف بودند. پرستارش همراهی‌اش کرده بود. آمدند و نشستند. زل زد به نقطه‌ای که از آن نور می‌چکید. چند روز اول همین‌گونه گذشت. انگار می‌آمد تا برفی را روی دهنم بتکاند، عمیق و سرد! اما ندایی در قلبم می‌گفت، در پس این برف نگاه، خورشیدها آرمیده‌اند.

روزی از پرستارش خواستم دیگر با او سر کلاس نیاید. تعجب کرد و گفت: «غیرممکن است. بچه‌های با اختلال درخودماندگی (اوتیسم) بسیار سخت ارتباط برقرار می‌کنند و ترس سراسر وجودشان را فرا می‌گیرد».

روی نظرم پافشاری کردم و تنها آمدنش را شرط ورود به کلاسم گذاشتم. به‌ناچار پذیرفتند.

روزی که تنها وارد کلاس شد، بسیار اشک ریخت. نگاهش معجونی از خشم، ترس، حیرت و یأس بود. به‌سختی با او تمرین می‌کردم و او طوطی‌وار حرف‌های مرا به خودم منعکس می‌کرد. متفاوت‌بودنش باعث می‌شد دانش‌آموزان دیگر از او فاصله بگیرند. هر روز حجمی از تنهایی را لمس می‌کرد که جانکاه بود.

گاهی دیوار می‌شد روبه‌روی من و گاهی چون آتش‌فشان می‌گریید. من صبوری می‌کردم، خسته می‌شد و از نفس می‌افتاد.

اما با نیرویی که نمی‌دانم چگونه در رگ‌هایم وارد شده بود، می‌ایستادم و برای چندمین بار مطالب درسی را توضیح می‌دادم، ولی افسوس ... بقیه همچنان نظاره‌گر بودند؛ گویی آن‌ها هم فهمیده بودند این میدان مسابقه است؛ مسابقه‌ای که بازنده یا برنده‌ای نداشت. آنچه برایم مهم بود، راز چشم‌هایش بود.

قرار شد برای آموزش بیشتر به منزلشان بروم. بعد از ساعت آموزشی، گوشه‌ای همراه مرا برداشتم و به‌راحتی رمز ورود آن را کشف کرد و وارد شد. مبهوت شدم. لطف خداوند هم به کمک من آمده بود و اولین نشانه را به من نشان می‌داد. او از راه رمز‌گذاری می‌آموخت. پس از آن، تمام فکر من این شده بود که شب‌ها وقتی سکوت به مهمانی زمین می‌آمد، بیدار بمانم و درس‌ها را رابرایش



# ساحل امن و آرام نسل‌ها

حجت‌الاسلام سجاد کرمی  
فعال در عرصهٔ تعلیم و تربیت

ساحلی امن برسازند؟ چه کسی مسئول تحقق این آرزوی بزرگ است؟ اگر دنبال کنندهٔ مطالب شماره‌های پیشین بوده باشید، پاسخ درست را می‌دانید: «هویت بخشی» به نسل‌ها، اکسیر اعظم این هدف است و کانون هویت بخشی، مدرسه است و محور آن، معلم. پیش از این، از معنای هویت و ضرورت هویت بخشی به نسل‌ها سخن گفتیم، جایگاه و نقش معلم در هویت بخشی را به‌جمال مورد بحث قرار دادیم و از چالش‌های معلمی در این مسیر حرف زدیم. اکنون نوبت آن است که بدانیم این مرهم را بر کجای زخم زندگی انسان باید گذاشت؟ به تعبیر بهتر، باید روشن شود هویت چه ابعادی دارد و هریک از آن ابعاد، در حیات فردی و اجتماعی انسان چه نقشی خواهد داشت؟

## هویت دینی

انسان با جهان بینی اش شناخته می‌شود. هیچ انسان یا جامعه‌ای نیست که بینشی مخصوص به خود نسبت به عالم هستی نداشته باشد. جهان بینی تفسیری است که انسان از دنیا و پدیده‌های

انسان در سنن کودکی و نوجوانی درگیر انبوهی از تلاطم‌هاست. زندگی او به‌مثابهٔ قایقی است که موج‌های ریزودرشت می‌توانند آن را به این سو و آن سو ببرند و با اندک غفلتی غرق کنند. اینکه چرا یک انسان نابالغ ممکن است اسیر موج‌ها شود، تا حدودی به نیاز او برای پهلوی گرفتن در ساحلی آرام و امن برمی‌گردد که البته فعلاً موضوع بحث ما نیست. اما اینکه چگونه می‌توان حیات یک نوجوان یا کودک را به کشتی استواری در امواج ناخدایی کاربرد تبدیل کرد، ضرورت و فوریتی انکارناشدنی دارد. نوجوان و جوان اگر همچنان در این تلاطم‌ها دست‌وپا بزنند یا به سمت و سوی ناصحیح بروند، کل جامعه به خطر می‌افتد؛ چراکه او بزرگ‌ترین سرمایهٔ یک ملت برای رقم‌زدن تحول و پیشرفت است و سردرگمی یا کج‌روی اش جامعه را دچار دردسرهای جدی و گاه غیرقابل جبران می‌کند. پس لازم است نسل‌های ما هر چه زودتر از این امواج رهایی یابند. سؤال اینجاست که چنین امر مهمی چگونه محقق می‌شود؟ چه چیزی قادر است انسان را در طوفان‌ها به نخلی تناور تبدیل کند و کشتی او را به

آن دارد و نسبتی است که میان اجزای عالم برقرار می‌داند. این نگرش، خواه‌ناخواه مسیر زندگی انسان را تعیین می‌کند و به او جهت می‌دهد؛ برنامه‌ای برای زندگی. به‌عنوان مثال، کسی که جهان‌بینی توحیدی دارد و تمام عالم را بنده خدا و در برابر عظمت او ناچیز می‌پندارد، هرگز ترسی از کسی به دل راه نمی‌دهد و کسی جز خدا را شایسته آن نمی‌بیند که در مقابلش زانو بزند. چنین دیدگاهی انسان را به‌سوی برقراری اهداف و ارزش‌هایی متعالی چون آزادی، عدالت و رفع فاصله طبقاتی سوق می‌دهد.

اثر ایجاد و تقویت هویت دینی در نسل‌ها، پیوند دادن آن‌ها با فطرت و سرشت طبیعی خودشان و عالم هستی مبنی بر حرکت تکاملی است. در نتیجه تقویت هویت دینی، دامن عقل انسان از هواها و هوس‌ها نیز بی‌راسسته می‌شود. بدین ترتیب استعدادها و ظرفیت‌های او بیشتر شکوفا می‌شوند. معنابخشی به زندگی، ایجاد جامعه اخلاق محور و عاری از ردایل، تأمین نیاز اساسی انسان به معنویت، کاهش خلأهای روحی و آسیب‌های روانی، داشتن انگیزه بی‌پایان برای حرکت تحولی و پیشرفت‌گرایی و رفع مشکلات متعدد احاد جامعه در قالب دستورات دینی از ثمرات فراگیری و تثبیت هویت دینی در میان مردم جامعه هستند.

معلم اگر در صدد تقویت هویت دینی در میان دانش‌آموزان است، باید بکوشد ابتدا این هویت در خودش به نحو احسن متجلی باشد. شاگردان آیین تمام‌نمای معلم خود هستند و خارج از متون درسی، شخصیت، هویت، اخلاق و سلوک معلم بر دانش‌آموزان تأثیر گذار است.

آنچه در مرحله بعد باید مدنظر واقع شود، ایجاد گرایش به دین، معنویت و اخلاق است. این راه میانبر برای هویت‌بخشی به کودکان و نوجوانان است. توجه کنیم اطلاعات دینی لزوماً هویت‌بخش نیستند، بلکه باید در آن‌ها گرایش و شوق زیادی نسبت به دین ایجاد شود تا بتوانند موتور محرکه آن‌ها برای تحقق هویت دینی باشند. فرار گرفتن در فضاهای معنوی، همکاری و تعاون در رقم‌زدن رویدادها و مراسم دینی، دریافت درست مفاهیم عالی و جذاب دین، به‌خصوص ارزش‌های فطری، از اهم مواردی هستند که به تقویت گرایش افراد کمک می‌کنند.

از سوی دیگر، دین فقط یک مقوله اخروی نیست و رسالت مهم آن آباد کردن دنیای انسان‌هاست. از رهگذر آباد کردن دنیاست که دین سعادت اخروی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. این نکته‌ای است که در تربیت دینی نسل‌ها و تقویت هویت دینی در آن‌ها باید لحاظ شود. باید بکشیم به دانش‌آموز بقبولانیم که با دین، زندگی بهتر می‌شود. دانش‌آموز باید با مصداق‌های متعدد روبه‌رو شود تا کارآمدی دین را دریابد و به‌علاوه، ناکارآمدی‌های موجود را نه در نسبت با دین، بلکه از منظر فاصله گرفتن از ارزش‌های دینی تحلیل و تفسیر کند. در نتیجه چنین نگرشی، فرد به جای اینکه عامل ناکارآمدی‌ها را دین بداند و از دین‌داری فاصله بگیرد، با مشاهده هر کژکارکردی، از موضع مطالبه‌گر وارد می‌شود و عمل به دین را از دیگران مطالبه می‌کند.

مرحله بالاتر در هویت‌بخشی دینی، تبدیل انسان دین‌دار منفعل به کنشگر فعال اجتماعی است. هویت دینی آنجا متکامل می‌شود که فرد دین‌دار بپذیرد یک «مسلمان مسئول» است. مسلمان بودن

و مسئول بودن لازمه یکدیگرند. بی‌تفاوتی در قاموس انسان دین‌دار جایی ندارد. او در قبال فقر، بی‌عدالتی، اسارت انسان‌ها در هواها و هوس‌ها، جهل احاد جامعه و عقب‌ماندگی‌ها وظیفه دارد. وظیفه او هم البته غرزدن و فقط فریادزدن نیست، او باید برای برطرف کردن خلأهای جامعه، متناسب بااستعداد خود، به میدان بیاید. انسان مسلمانی که جهان‌بینی توحیدی‌اش او را به میدان می‌آورد تا تحولات را رقم بزند، تجلی‌گاه اوج هویت دینی است. اینجا همان مرتبه شهید حاج قاسم سلیمانی‌هاست.

## هویت ملی

هویت ملی به تعبیری تمام داشته‌های یک فرد را شامل می‌شود. به تعبیر دیگر، «هویت ملی مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود» (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۲۲۸). این بعد از هویت شامل ابعاد و عناصری چون فرهنگ، زبان، جامعه، سیاست، دین و جغرافیاست. دانش، دانشمندان، مفاخر و اندوخته علمی از عناصر هویت ملی یک ملت هستند. رسم‌الخط، زبان، ادبیات، شعر، موسیقی و هنر از مؤلفه‌های هویت ملی هستند. تاریخ و حوادث آن با تمام فراز و نشیب‌هایش بخشی از هویت ملی هر جامعه را حکایت می‌کنند. آداب‌ورسوم، پوشش، قومیت، سبک زندگی و روابط، بخش دیگری از مؤلفه‌های هویت ملی را نمایندگی می‌کنند. معماری، مظاهر تمدنی و محصولات مادی نیز عناصری دیگر از هویت ملی هستند. این مؤلفه‌ها همگی بیانگر گستردگی هویت ملی و البته اهمیت آن‌اند. اصالت انسان‌ها و احساس اعتمادبه‌نفس در آن‌ها، در گروی تقویت هویت ملی است. اگر هویت ملی در افراد جامعه متزلزل شود، تبار فکری، فرهنگی و تاریخی آن‌ها متزلزل می‌شود و به افرادی بی‌افتخار، بی‌دست‌آورد و بدون پیشینه بدل می‌شوند.

همان‌گونه که خودتحقیری در برابر دیگران، هویت ملی را متزلزل می‌کند، تشخص و احساس بزرگی کردن نیز هویت ملی را در افراد تقویت می‌کند. معلمان باید بکوشند با وجود برخی نقاط منفی، احساس اعتمادبه‌نفس را در دانش‌آموزان تقویت کنند و از بروز حس تحقیر در مقابل بیگانگان در دانش‌آموزان جلوگیری کنند. یکی از مؤلفه‌هایی که به ملت‌ها اعتمادبه‌نفس و هویت می‌بخشد، قهرمانان آن‌ها هستند. ملت بی‌قهرمان، اعتمادبه‌نفس پایین‌تری دارد و ملتی که قهرمان دارد و قهرمان‌های خود را می‌شناسد، به‌مراتب بر پیشینه افتخارآمیز خود تکیه بیشتری خواهد داشت و از این رهگذر احساس اعتمادبه‌نفس و قدرت می‌کند. بکشیم بدون خودتحقیری، نقاط درخشان و افتخارآمیز خود را به دانش‌آموزان بنمایانیم و از این منظر در وجود آن‌ها هویت اسلامی و ایرانی را تقویت کنیم. همه عرصه‌ها و ابعاد هویت، واجد نقاط درخشانی هستند که گاهی یکی از آن‌ها می‌تواند سرنوشت یک ملت را عوض کند.

## منبع

حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه». فصلنامه مطالعات ملی. ش ۵.

# درس کاوی

## نگاهی متفاوت به معلمی

روح‌الله رضاعلی

کارشناس بازنشسته سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

شهریورماه سال جاری آموزش و پرورش استان فارس میزبان اولین نشست تخصصی با عنوان درس کاوی<sup>۱</sup> بود که به همت شورای عالی آموزش و پرورش و حضور آقای دکتر محمدرضا سرکارآرانی برگزار شد. زمینه حضور مجازی معلمان در سراسر کشور فراهم شده بود که با استقبال بی‌نظیر آنان مواجه شد؛ نشستی که با حضور چهره‌های سرشناس در آموزش و پرورش، بهانه‌ای شد تا با توجه به مباحث مطرح‌شده، نگاهی اجمالی به درس کاوی و موضوع آن داشته باشیم.

در سال‌های اخیر، مفاهیمی مانند اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی وارد ادبیات آموزشی شده‌اند که می‌توان آن‌ها را به معنای پژوهش مشارکتی معلمان، یادگیری سازمانی و مدیریت آموزشی مؤثر دانست. این رویکرد تغییرات امیدوارکننده‌ای در معلمان و مدیران آموزشی به وجود آورده و در برخی تحولات به پیشرفت آنان و ارتقای کیفیت تدریس منجر شده است.

از طرف دیگر، درس‌پژوهی از روش و راهنمایی عملی برای بهبود تدریس در مدرسه و تربیت حرفه‌ای معلمان پا را فراتر گذاشته و به شیوه جدیدی برای پژوهش در مراحل تدریس و آموزش رسیده است که با عنوان‌هایی مانند «واکاوی بالینی

تدریس» و «تحلیل درس» از آن‌ها یاد می‌شود. درس کاوی نیز در جریان چنین رویکردی ظهور یافته است و می‌توان آن را مشاهده دقیق و برنامه‌ریزی شده فرایند تدریس و یادگیری تعبیر کرد.

مفهوم درس پژوهی و مطالعه درس یا پژوهش مشارکتی معلمان در کلاس درس، در روند تحول خویش از الگویی عملی برای بهسازی آموزش در مدرسه و پرورش حرفه‌ای معلمان در کلاس درس فراتر رفته و به شکل تازه‌ای از روش علمی پژوهش در آموزش رسیده است که با عنوان تجزیه و تحلیل درس بر اساس شواهد عینی شناخته می‌شود. این روش تازه پژوهش در آموزش، بر شواهد عینی مبتنی است و تلاش می‌کند تصویری تا حد امکان مطابق با واقع از فرایند آموزش و یادگیری ارائه دهد (سرکارآرانی، ۱۳۹۸).

افزایش توانایی تدریس معلمان همواره و در همه دوره‌ها موضوع بسیار مهمی بوده است؛ اگرچه کسب این توانایی خارج از تجربه معلمی دشوار است (اشتهاوس، ۱۹۷۵). اینکه معلمان، تحت تأثیر همایش‌های آموزشی و آثار منتشر شده، اطلاعات (یا دیدگاهشان درباره درس‌ها) یا رویکردهای آموزشی و پرورشی خود درباره آموزش و یادگیری را تغییر دهند، غالباً به تغییر واقعی در تدریس آن‌ها منجر نخواهد شد (هیبرت و موریس، ۲۰۱۲). به بیان دقیق‌تر، معلمان در حال تغییر، ضرورتاً کیفیت تدریس خود را افزایش نمی‌دهند. بهبود کلاس‌ها صرفاً با شناخت نظریه‌ها یا آموختن شیوه‌ها و به دست آوردن ابزارهای جدید دشوار است. کلید حل این مسئله به کارگیری رویکردهایی است که نظریه نوینی را با روش‌های گوناگون درهم می‌آمیزند و با وارد کردن مؤلفه‌های شناخته شده فرهنگی، به این رویکردها امکان می‌دهند به‌طور مؤثر عمل کنند.

درس کاوی به معلمان کمک می‌کند از یکدیگر یاد بگیرند و راه‌های توجه به دانش آموزان و شوق یادگیری آن‌ها را پیدا کنند. شناخت دانش آموزان و یادگیری معلمان از یکدیگر، به هم پایه‌بودن با دانش آموز کمک می‌کند. این باعث می‌شود دانش آموزان در شرایط یادگیری بهتری قرار بگیرند و یادگیری فقط با تشویق، تنبیه و ابزارهای انگیزشی بیرونی معلم و رفع تکلیف پیش نرود. دانش آموز خودش مسئله خود را پیدا کند و جهان خود را بسازد و با شوق و ذوق به یادگیری مستمر ادامه دهد (گزیده‌ای از سخنرانی سرکارآرانی، همایش شهریور ۱۴۰۱، شیراز).

موضوع درس کاوی و درس پژوهی از یافته‌های اخیر نظام آموزشی جهان است که برای بهسازی آموزشی به کار گرفته می‌شود. در این نگاه جدید، همه اتفاقات پیرامون موضوع تدریس و معلمی و واکاوی، هر یک از اتفاقات دقیق و جزئی است که در فرایند یک تدریس رخ می‌دهد و گروهی از معلمان در یک تدریس عادی انجام می‌دهند. درس کاوی را گروهی از معلمان در یک نقطه اجرا می‌کنند، تمام اتفاقات جریان این تدریس با جزئیات

ثبت و ضبط می‌شوند و سپس گروهی که آن را طراحی یا گروهی که آن را ثبت و ضبط کرده‌اند، یا خود معلم، آن را به‌طور ریز و جزئی بررسی می‌کند. از این طریق، دانش مربوط به یادگیری رشد می‌کند. تحقیقات متعدد در دنیا نشان داده‌اند، این شیوه ارتقا و بالندگی شغل معلمی، مؤثرترین راه برای وضعیت آموزش است. در اینجا معلمان بر اساس آموزه‌های خود و آنچه با آن سروکار دارند، می‌آموزند. هر صحنه از درس پژوهی و درس کاوی صحنه‌ای است که مداوم با آن درگیرند (گزیده‌ای از سخنرانی امانی، همایش شهریور ۱۴۰۱، شیراز).

درس کاوی مشاهده دقیق و جزئی و برنامه‌ریزی شده فرایند آموزش و یادگیری است که در ۵۰ دقیقه، وقتی هر کلاس یا جلسه درس شکل می‌گیرد، دست کم سه ویژگی دارد:

۱. بر شواهد عینی مبتنی نیست. این شواهد فراتر از مشاهده مشارکت‌کنندگان هستند و با بررسی هر آنچه در درس پیش می‌آید، از جمله پیاده کردن کلمه به کلمه آنچه در فرایند تدریس اتفاق می‌افتد، به دست می‌آید.

۲. تجزیه و تحلیل درس بر اساس این شواهد و با توجه به هدف‌های مشخص بهسازی تدریس و غنی‌سازی یادگیری دانش‌آموزان انجام می‌شود.

۳. پیش از «معلم» به «معلمی» و نتیجه آن، یعنی یادگیری دانش‌آموزان، توجه دارد. به عبارت دیگر، درس کاوی دانش عملی تجزیه و تحلیل عمیق‌تر و دقیق‌تر فرایند پیچیده تدریس و آن چیزی است که به‌مثابه یک فعالیت آموزشی و فرهنگی در ۵۰ دقیقه زمان درس می‌گذرد. محورهای تجزیه و تحلیل البته زیادند؛ مانند آنچه معلم قصد دارد تدریس کند یا آنچه دانش‌آموزان یاد می‌گیرند؛ سازمان‌دهی محتوا؛ مدیریت زمان گفت‌وگو و شنود دانش‌آموزان در فرایند تدریس؛ پرسش‌ها و تکالیف یادگیری که معلم ارائه می‌دهد یا دانش‌آموزان مطرح می‌کنند؛ ساختار تدریس.

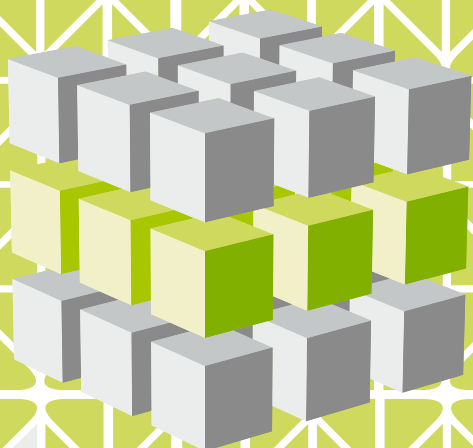
**به عبارت دیگر، درس کاوی به استخراج اطلاعات نهان یا الگوها و روابط مشخص در حجم زیادی از داده‌های یک موقعیت تدریس گفته می‌شود.**

#### پی‌نوشت

۱. این نشست با حضور استادان دانشگاه و فرهنگیانی از سراسر کشور به صورت حضوری و غیرحضوری از طریق بخش زنده در شبکه شاد، آپارات و اسکای روم در تاریخ ۱۴۰۱/۱۶/۱ برگزار شد.

#### منابع

۱. سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۹۸). ایده‌های تازه برای پژوهش در فرایند آموزش و یادگیری. ترجمه افسانه حجتی طباطبائی. مؤسسه مرات. تهران.  
2. <https://www.pana.ir/news/13032082>



### یادآوری: نظریه هوش‌های چندگانه

مبتنی بر نظریه هوش‌های چندگانه<sup>۱</sup> هوارد ارل گاردنر<sup>۲</sup>، انسان در چارچوب انواع هوش‌ها از جمله: زبانی یا کلامی، منطقی ریاضی، موسیقایی، بدنی حرکتی، بصری فضایی، میان فردی، درون فردی و طبیعت‌گرایانه از ظرفیت‌های متنوعی برخوردار است. به اعتقاد او، اساس نظریه هوش‌های چندگانه (MI)، محترم‌شمردن تفاوت‌های افراد، تنوع فراوان روش‌های یادگیری، شیوه‌های ارزیابی این روش‌ها و اثرات به‌جامانده از این تفاوت‌هاست. همچنین، یادگیری با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، از پایداری و عمق بیشتری برخوردار خواهد بود.

### هوش منطقی ریاضی<sup>۳</sup>

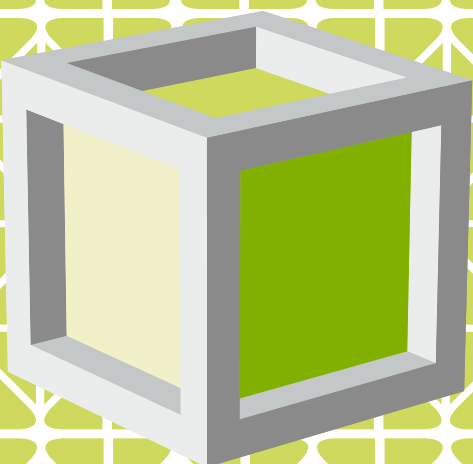
هوش منطقی ریاضی هوشی است که استعداد انسان را در جهت به‌کارگیری درست اعداد و ارقام، و همچنین بیان استدلال‌های

# ساختمان با حساب و کتاب

توجه به هوش منطقی ریاضی در طراحی محیط

محمد تابش

کارشناسی ارشد مهندسی معماری







وجود دارد. این دانش آموز به طبقه بندی یا دسته بندی و به طور کلی به الگوهای منطقی علاقه مند است. همچنین، چینش برنامه های زندگی در یک جدول مشخص و از پیش تعیین شده، از جمله انجام منظم کارها و همچنین برنامه ریزی درسی برای او اهمیت دارد. به این موضوعات در مثال ها و نمونه ها بیشتر پرداخته می شود.



شکل ۱. دانش آموزانی که به ریاضیات و علوم علاقه نشان می دهند، از هوش منطقی ریاضی بیشتری برخوردارند

### بلاخره ریاضی یا علوم تجربی؟

همه این ها به این معنا نیستند که چنین دانش آموزانی مسیر رشد خود را فقط در درس های ریاضی و رشته های تحصیلی مرتبط با این درس پیدا می کنند، زیرا بسیاری از آن ها به انجام آزمایش های علمی در حوزه های علوم تجربی مانند فیزیک، نجوم، شیمی، زمین شناسی و زیست شناسی هم علاقه زیادی نشان می دهند. به طور کلی، دانش آموزانی که در هوش منطقی ریاضی مهارت بالایی دارند، تفکر آن ها مبتنی بر انواع استدلال، اعم از استدلال استنتاجی و استقرایی است و به تجربه کردن، پرسشگری و محاسبات علاقه دارند. آن ها از حضور در درس گروهی های علمی، آزمایشگاه ها و هر یک از فضاهایی که در آن ها به شاخه یا گرایشی از علوم تجربی یا ریاضیات پرداخته می شود لذت می برند. شاید این عجیب نباشد که بگوییم، دانش آموزی که مستعد آن است تا مهندسی شایسته شود، توانایی این را هم دارد که پزشکی حاذق گردد. فقط باید به این سخن بیفزاییم که معیارهای دیگری هم وجود دارند که علاقه ها و گرایش های افراد را از هم جدا می کنند. باز هم عجیب نیست که یک مهندس مکانیک به حیطه مکانیک جامدات بسیار علاقه مند باشد، اما مکانیک سیالات تنفر داشته باشد.

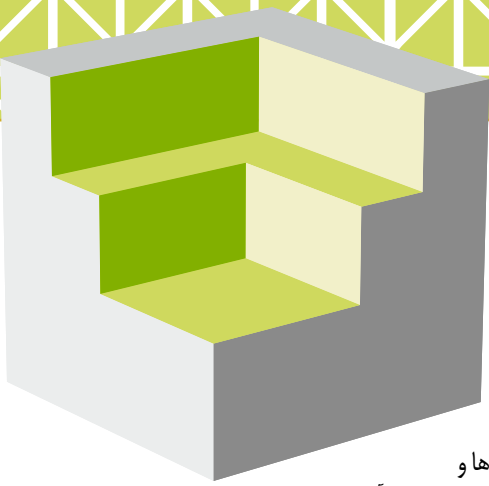
منطقی و صحیح توسعه می بخشد. وقتی دانش آموز شما به خوبی رابطه ای منطقی بین گزاره ها و قضایا برقرار می کند و توانایی خوبی در ریاضیات و کلیه علمی که ساختار آن ها با استدلال های عقلانی و منطقی عجین است، از خود نشان می دهد، از سطح بالایی در هوش منطقی ریاضی برخوردار است. ذهن چنین دانش آموزانی معمولاً، مسائل پیرامون خود را به خوبی طبقه بندی می کند و محاسبات ریاضی برای آن ها ساده تر است. همچنین در کشف قاعده های قابل تعمیم در علوم تجربی توانمندترند. در کتاب «هوش های چندگانه در کلاس درس»، نوشته توماس آرمسترانگ<sup>۴</sup> به ابعاد این هوش پرداخته شده است. برخی از آن ها در این جدول قابل مشاهده اند.

برخی ویژگی های هوش منطقی ریاضی از نظر توماس آرمسترانگ

هوش	مؤلفه اصلی	افراد برجسته	ساختار توسعه	روش پرورش
منطقی ریاضی	شناسایی و استعداد منطقی و ریاضی ضوابط، توانایی بیان استدلال منطقی	دانسمنان و ریاضی دانان	اوج آن در دوره نوجوانی و جوانی است و افت آن پس از چهل سالگی	کشفیات علمی، فرضیه های ریاضی و سامانه های شمارش و طبقه بندی و ...

### معیارهایی در هوش منطقی ریاضی

در شماره های اول تا سوم مجله اشاره شد، دانش آموزان مدرسه شما از همه هوش ها برخوردارند، اما برخی از آن ها در بعضی از این هوش ها، نسبت به دیگران یا حتی نسبت به خودشان، در مقایسه با گذشته خود، توانایی بیشتری نشان می دهند. در هوش منطقی ریاضی نشانه هایی وجود دارند که به کمک آن ها می توانید تا حدودی با توانمندی های دانش آموزان کلاس خود آشنا شوید. اگر می بینید یک دانش آموز به موضوعات علمی علاقه بیشتری نشان می دهد و یا از بازی با عددها، سوالات و معماهای ریاضی لذت می برد، یا اینکه به بازی های فکری مانند شطرنج علاقه نشان می دهد، نشانه های خوبی از توانمندی بالا از این نوع هوش در او



دانش آموز، با چنین روشی، داده‌ها و اطلاعات پراکنده و مجزا را در چنین ساختاری سازمان‌دهی می‌کند. در این فرایند، تجزیه و تحلیل داده‌ها و

به‌طور کلی اندیشیدن و حتی به‌خاطر آوردن اطلاعات ساده‌تر می‌شود. هر چه هوش منطقی ریاضی یک فرد قوی‌تر باشد، توانمندی او در اینجا مشهودتر است. وقتی مبلمان یک محیط یا ابزار یک کارگاه و یا آزمایشگاه در مدرسه، پس از انجام یک فعالیت، به هم می‌ریزند، فعال کردن دانش آموزان در چیدن این مبلمان یا ابزار در سر جای خود، تمرین مناسبی در این راستاست. به‌خصوص اگر مبلمان یا ابزار موردنظر قابلیت دسته‌بندی بالایی داشته باشند.

جدول مندلیف برای بیشتر ما آشناست و در مدرسه، معمولاً به شکل یک تابلوی چاپ‌شده ثابت آن را دیده‌ایم. اگر به عناصر این جدول اجازه جابه‌جایی و به‌هم‌ریخته‌شدن بدهید و دانش آموزان را به سازمان‌دهی آن تشویق کنید، ساختار و ضوابط حاکم بر جدول برای آن‌ها بهتر درک می‌شود. یکی دیگر از مثال‌های مرتبط با این موضوع، آماده کردن زمینه تفکیک زباله از مبدأ در محیط مدرسه است. بسیاری از ابعاد مهم این موضوع چندبعدی برای ما روشن است. این بار می‌بینیم که از بعد هوش منطقی ریاضی با رویکرد طبقه‌بندی یا رده‌بندی نیز می‌شود به آن نگاه کرد.



شکل ۳. تفکیک زباله از مبدأ هم به‌نوعی از نظر طبقه‌بندی یا رده‌بندی به هوش منطقی ریاضی مربوط می‌شود

این رشته سر دراز دارد که باز هم در نمونه‌های بعدی رد و نشانی از آن یافت می‌شود.

### تقویم برنامه‌های مدرسه

ممکن است این سؤال ایجاد شود که تقویم برنامه‌های مدرسه که در برخی مدرسه‌ها به تقویم اجرایی شناخته می‌شود، با هوش منطقی ریاضی چه ارتباطی دارد؟ باید گفت، ذهن منطقی به برنامه‌ریزی کارهای خود علاقه‌مند است. دوست دارد کارها را در جعبه‌های زمانی، مانند هفته، روز یا ساعت بچیند و پیشاپیش آن‌ها را ببیند و در مسیر فعالیت خود به‌طور دائم آن‌ها را ارزیابی کند. دانش آموزانی که از هوش منطقی ریاضی بالاتری برخوردارند،

همه این‌ها را گفتیم که بدانیم داشتن هوش سرشار ریاضی منطقی الزاماً به معنای کشف علاقه به رشته‌های ریاضی و تجربی نیست، بلکه نشانه وجود بخشی از توانایی‌های لازم برای ادامه تحصیل در هر یک از این رشته‌های تحصیلی است.



شکل ۲. هوش منطقی ریاضی تنها به درس ریاضیات مربوط نیست

### محیط کالبدی مدرسه و هوش منطقی ریاضی

این خیلی روشن است که فضاهای مدرسه می‌توانند ظرفیت‌های زیادی برای رشد استعدادها و توانمندی‌های دانش‌آموزان داشته باشند. اما این موضوع نیازمند مقدمه بسیار مهمی است که توجه به آن، تقریباً زمینه به فعلیت درآمدن همه این استعدادها را در خود دارد. فقط کافی است معلمان خلاق، به‌خصوص معلمان انواع درس‌های ریاضیات و علوم، باور داشته باشند که فضاهای مدرسه هم می‌توانند به‌مانند معلم ریاضی و علوم در حد و اندازه خود معلمی کنند و در جهت رشد هوش ریاضی منطقی به دانش‌آموزان مدرسه کمک کنند؛ فضاهایی که زیبایی آن‌ها در تودرتو بودن و پرسش‌آفرینی آن‌هاست، فضاهایی که انواع معماها را در لایه‌های پنهان خود دارند. این فضاها فرصت‌هایی هستند برای تجربه کردن و کشف قواعد علمی با مشاهده انواع حالات یا نمونه‌های مرتبط با یک موضوع در یک زمان یا در طول زمان حضور دانش‌آموزان در محیط که می‌توانند افراد توانمند در هوش منطقی ریاضی را، به‌خصوص کودکانی را که چنین ظرفیت‌هایی دارند، به خود جذب کنند تا با کشف منطق حاکم بر رویدادهای گوناگون کالبدی، به توسعه این توانایی خود موفق شوند. در شماره بعد باز هم به میانی این موضوع بر خواهیم گشت و به شکلی دقیق‌تر پیرامون آن خواهیم پرداخت.

با عبور از این مقدمه مهم می‌توان گفت، نگاه به محیط مدرسه به‌عنوان ابزار تدریس ریاضیات، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، منطق و فلسفه و هر درس دیگری که با قدرت استدلال در انسان یا همان هوش منطقی ریاضی سروکار دارد، نگاهی است که به کمک آن می‌توان ایده‌های گوناگونی را خلق کرد. در اینجا با طرح چند مثال ساده و ایده‌های مرتبط با این هوش، بحث را ادامه می‌دهیم.

### چی‌مال‌چی‌ه؟

طبقه‌بندی یا رده‌بندی فرایندی ذهنی است که اطلاعات به کمک آن، بر پایه ساختاری منطقی و عقلانی دسته‌بندی می‌شوند. ذهن

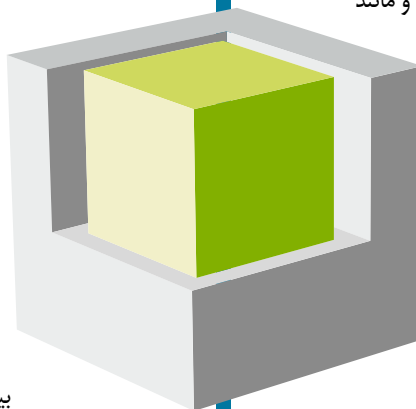
شمارش کرد. چه بسا روابطی ریاضی بین آن‌ها برقرار کرد. یکی از مثال‌های معروف در این باره که در نمونه‌های گوناگون، توجه به آن دیده می‌شود، پله‌های بخش‌های گوناگون در یک مدرسه است. پیشانی پله‌ها فرصت‌هایی هستند که با رنگ، حروف یا اعداد، هویتی مضاعف می‌یابند و در بازی‌های ریاضی گونه‌ای سهم پیدا می‌کنند. کمد‌های دانش‌آموزی، صندلی‌ها و حتی سنگ‌های روی دیوارها و هر عنصری از عناصر ساختمانی که در آن‌ها تکرار و چینش در کنار هم یا دسته‌بندی دیده می‌شود، از این دست فرصت‌ها به شمار می‌روند.



شکل ۵. پله‌ها، فرصت‌هایی برای توجه به هوش منطقی ریاضی در طراحی محیط مدرسه

### چه بود و چه خواهد شد؟

تمرکز نمونه‌ها در این شماره بیشتر بر توجه به طبقه‌بندی و الگوهای منطقی در طراحی محیط بود. در شماره بعد ابتدا به بخشی دیگر از مبانی نظری مرتبط با هوش منطقی ریاضی اشاره می‌شود و پس از آن به نمونه‌هایی دیگر در حوزه طراحی محیط با تکیه بر این هوش پرداخته می‌شود؛ نمونه‌هایی که بیشتر در درس‌های ریاضیات و علوم جلوه می‌کنند.



معمولاً دوست دارند ذهن ساختاریافته خود را به مجموعه کارها و زمان‌های پیش رو سرایت دهند؛ مثل سامان‌دهی برنامه‌های زمان‌بندی در کارها که خود نوعی از رده‌بندی و طبقه‌بندی به حساب می‌آیند و در آن‌ها دسته‌های متعدد کاری مرتبط با دانش‌آموزان به واحدهای مختلف زمانی نسبت داده می‌شوند. چیدن کارها در ظرف‌های زمانی برای ذهن مستعد در این رابطه بسیار لذت‌بخش و البته امیدآفرین است. این موضوع از آن دسته مطالبی است که پرداختن به آن مجال بسیار گسترده‌ای طلب می‌کند، اما در اینجا اشاره کوتاه فوق و توجه‌دادن به ایجاد تابلوهای هنرمندانه با محتوای تقویم اجرایی در مدرسه با چنین رویکردی، کفایت می‌کند.

### چرتکه دیواری

گاهی یک مثال را باید در شخصیت یک موضوع مستقل دید و با تمرکز بیشتری به آن پرداخت. کار با چرتکه از جمله همین مثال‌هاست. به کار بستن چرتکه در موضوع هوش ریاضی منطقی یکی از ایده‌های ارزشمند به حساب می‌آید. وقتی بچه‌ها با یک چرتکه کار می‌کنند، دو اتفاق اساسی با هم رخ می‌دهد. از یک سو به مفاهیم و اعمال ریاضی پرداخته می‌شود و از سوی دیگر ذهن در بنیادی‌ترین شکل ممکن، مشغول دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌شود. مفاهیم یکان، دهگان، صدگان و مانند

این‌ها، رده‌بندی اعداد در دسته‌هایی هستند که با چرتکه به راحتی و به شکلی مجسم به عینیت درمی‌آیند. البته اینجا حضور توأمان هوش منطقی ریاضی و هوش مکانی که در آینده به آن پرداخته می‌شود، قابل درک است. ایده معمارانه مرتبط با آن می‌تواند به شکل‌های گوناگون دیواری آن قابل تصور باشد. حتی گاهی نیاز به یک دیوار متخلخل می‌تواند با ساخت یک چرتکه در نقش همان دیوار رفع شود.



شکل ۴. چرتکه جداکننده فضاها، و جلوه‌هایی از توجه به هوش منطقی ریاضی در طراحی محیط

پی‌نوشت‌ها

1. Multiple Intelligences
2. Howard Earl Gardner
3. Logical-Mathematical Intelligence
4. Thomas Armstrong

### پله‌ها را بشمار!

برخی از اجزای ساختمان با آهنگی مشخص در کنار هم نشسته‌اند، به طوری که می‌توان آن‌ها را در کنار هم دسته‌بندی یا

# معلمی

## از جنس بصیرت

لیلا میرزائی

روز میلاد حضرت عیسی مسیح(ع)؛ روز بزرگداشت رودکی	۴ دی:
روز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)؛ روز ملی ایمنی در برابر زلزله	۵ دی:
سالروز شهادت آیت‌الله غفاری؛ سالروز تشکیل نهضت سوادآموزی به فرمان امام خمینی(ره)	۷ دی:
روز بصیرت و میثاق امت با ولایت؛ آغاز سال جدید میلادی	۹ دی:
روز جهانی مقاومت؛ سالروز شهادت سردار سلیمانی به دست مزدوران استکبار جهانی	۱۳ دی:
سالروز وفات ام‌البنین(س) و روز تکریم مادران و همسران شهدا	۱۶ دی:
روز بزرگداشت خواجهی کرمانی	۱۷ دی:
قیام خونین مردم قم	۱۹ دی:
شهادت میرزاتقی‌خان امیرکبیر	۲۰ دی:
تشکیل شورای انقلاب به فرمان امام خمینی(ره)	۲۲ دی:
ولادت حضرت فاطمه(س)؛ تولد امام خمینی(ره)	۲۳ دی:
فرار شاه	۲۶ دی:
شهادت نواب صفوی	۲۷ دی:
روز غزه	۲۹ دی:

### فاطمه(س)، شخصیتی جاودان

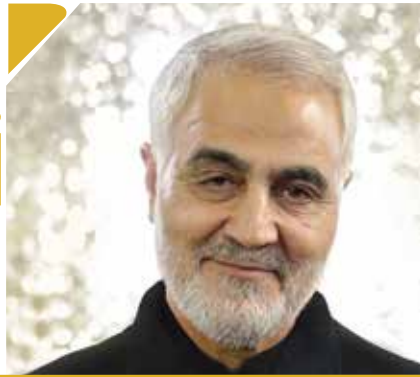
در علوم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و حقوق تعریف‌های متعددی از شخصیت ارائه شده‌اند. اما اگر وجوه اشتراک اغلب این علوم را کنار یکدیگر قرار دهیم، می‌توان گفت: «شخصیت بر الگوهای به‌نسبت ثابت در ویژگی‌ها، صفات و رفتار هر فرد گفته می‌شود که او را نسبت به افراد دیگر متمایز می‌کند و به فردیت فرد معنا می‌بخشد.»

مقصود از این مقدمه آن بود که تأمل کنیم آنچه فاطمه(س) را فاطمه(س) کرده، شخصیت جاودان اوست. تنها معرفت به ابعاد نورانی شخصیت ایشان برای تعالی فرد و جامعه کافی نیست، بلکه وظیفه ما الگوپذیری از شخصیت و سبک زندگی حضرت صدیقه

کبری(س) است؛ بزرگ بانویی که با آمدنش کهنتری مقام زن رخت برپست و هویت بر جنسیت غلبه یافت.

گرایش به الگو و پیروی از مد نیاز بشری است که به‌طور فطری در جهت کمال‌گرایی و تکامل‌طلبی درون انسان نهاده شده است و علم امروز آن را «هماندسازی» می‌نامد. از این‌رو، در قرآن و مکتب اسلام به معرفی الگوها و اسوه‌هایی پرداخته شده است که در تمام اعصار و برای همه نسل‌ها قابل اتکا و پیروی در عمل هستند. کافی است تنها نگاهی به گوشه‌هایی از رفتارهای محبت‌آمیز حضرت زهرا(س) نسبت به نبی مکرم اسلام(ص) بیندازیم و آن‌گاه بدانیم چرا پیامبر(ص) او را ام‌البیها خوانده است.

سوره کوثر را بارها و بارها با تدبیر بخوانیم؛ سوره‌ای که در شأن و



### و اما ما مربیان تعلیم و تربیت:

– صرف نظر از وظایفی که آیین‌نامه‌ها و مقررات برایمان تعیین کرده‌اند، وظایف مهم‌تری نیز برعهده داریم؛ از جمله گسترش شخصیت، آموزش فرهنگی، توسعه ارزش‌های دینی، اخلاقی و مدنی. وظیفه ماست که کودک و نوجوان را هم فردی شایسته بار آوریم تا دارای صفات خوب انسانی باشد و هم او را عضو مؤثر جامعه کند تا برای دیگران فردی مفید باشد.

– در معرفی و شناخت انسان به مربیان، انسان‌شناسی دینی را برگزینیم، چه در این نوع انسان‌شناسی است که تربیت ابعاد مختلف وجود انسان موردتوجه قرار می‌گیرد. ابعاد زیستی و جسمانی، تاریخی و فرهنگی، دنیایی و آخرتی، فعلی و آرمانی و مادی و معنوی. از جانب دیگر، انسان‌شناسی دینی به رابطه ساخت‌های مختلف وجود انسان با یکدیگر نیز می‌پردازد و از این مهم غافل نیست.

– در بعد فردی به دانش‌آموزانمان بازنگری نقادانه خود همراه با تقوا و محاسبه نفس را بیاموزیم. اینکه اگر تقوای الهی مدار زندگی هر یک از ما باشد، جز خدا کسی بر انسان حاکم نمی‌شود.

– یادمان باشد، جمیع عوامل مدرسه در تربیت مربیان سهم و مسئولیت دارند. معلم در درس ریاضی، علاوه بر محاسبه اعداد و هندسه، محاسبه نفس را آموزش دهد. معلم علوم، علاوه بر ترکیب و مخلوط و محلول، وزن و ترازوی اعمال را یادآور باشد. معلم فیزیک و شیمی از زیبایی‌های آفرینش، دانش‌آموزان را با راز آفرینش آشنا کند. معلمان مطالعات اجتماعی و ادبیات از خود بیگانه نشدن را یاد دهند. معلم دینی، علاوه بر درس آزادگی، انسان‌ها را در ساختاری مرتبط با هم معرفی کنند و مدیر مدرسه الگوهایی از انسانیت، شرف، اخلاص و آزادمردی را در برنامه‌های مدرسه بگنجانند، که معرفی انسان‌های اسوه، خود یکی از شیوه‌های مطلوب تربیتی است.

سخن پایانی اینکه، اگر خود نیز این‌گونه شدیم، رویکرد تربیت دینی را در عمل به مربیان آموخته‌ایم.

فضیلت حضرت زهرا(س) نازل شده است. در نقش همسری این بانوی گرانمایه بیندیشیم که هرگز از همسر خود خواسته‌ای تمنا نکرد که از قدرت علی(ع) خارج باشد. در گذران زندگی چنان ساده و راحت زندگی کرد که زندگی را برای خود و همسرش لذت‌بخش می‌کرد. در فرزندپروری فرزندان تربیت کرد که در نجات بشریت نقش داشته و دارند. در بعد سیاسی حضرت زهرا(س) در بطن مسائل سیاسی جامعه و بحران‌ها رشد کرد و تربیت یافت. ایشان ضمن به چالش کشیدن باورهای غلط جامعه در جهت بازیابی هویت انسانی جامعه، در مسیرهایی بس سخت و دشوار گام نهاد. او قوی‌ترین رکن سیاسی جامعه برای تشخیص و شناخت حق از باطل و مصداق رفتار سیاسی سالم است. فاطمه(س) تربیت فرهنگی زنان مهاجر و انصار را بر عهده داشت و نطفه‌های آگاهی و شعور را در ایشان بارور کرد.

جامعه با گرامیداشت مقام زن، کرامت انسانیت را ارج می‌نهد، نه فقط کرامت انسان را؛ بزرگ‌بانویی که میلادش فرخنده و وفاتش انسان‌ساز و جامعه‌ساز است.

### سردار دل‌ها، مردی از جنس الماس، با بصیرتی از جنس معرفت

الماس از بقیه جواهر شفاف‌تر است، اما سخت‌تر نیز هست و تو از جنس الماسی. آزادگی و جوانمردی از نام قاسم سلیمانی جان می‌گیرد. او که حلقه دل‌دادگی‌اش به اهل بیت(ع) احیاگر دل‌هاست. حاج قاسم مالی نداشت، اما خانه‌ای در کرمان داشت که آن را به فاطمیه تبدیل کرد که وجودش با اهل بیت(ع) و به‌ویژه بی‌بی دو عالم فاطمه(س) بود.

بارها و بارها از زبان بزرگان می‌شنویم که عزت و بزرگی سردار در ارادت ایشان به حضرت زهرا(س) ریشه دارد. امروز مردم ما با بصیرت در میان‌گرد و غباری که فتنه‌گران به پا کرده بودند، با تاسی از حاج قاسم‌ها، نه تنها راه را گم نکردند، بلکه دست میثاق با رهبر را محکم‌تر فشردند.

حاج قاسم روح شاد که شهادتت به دست استکبار جهانی هم بیدارکننده جان‌ها و جهانی است.

**دکتر مرتضی فاضل**  
دکترای مشاوره  
و مدرس استعداد و خلاقیت

# استعداد ادیاب باشیم

معلم یکی از مهم‌ترین عناصر پرورش و هدایت استعداد و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان است. اما متأسفانه نقش او در شناسایی و پرورش استعداد دانش‌آموزان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حتی در بخش هدایت تحصیلی دانش‌آموزان نقش معلم به شکل کم‌رنگ و منفعل دیده می‌شود. شاید یکی از دلایل مشکلات آموزش و پرورش در هدایت تحصیلی نامتوازنی که در سال‌های اخیر روی داده است، بی‌توجهی به نقش معلمان در شناسایی و پرورش استعداد و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان باشد! در اینجا تعدادی از نقش‌های معلمان در شناسایی و پرورش استعداد و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ادامه نیز پیشنهادهایی برای به‌کارگیری توانمندی معلمان در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان ارائه می‌شوند.

## الگو بودن و انگیزه‌بخشی

معلم الگویی علمی و قابل توجه در دید دانش‌آموزان است؛ اگرچه دانش‌آموزان الگوهای زیادی را در زندگی خود دارند. گاهی پدر، مادر، خواهر و برادر یا یک دوست، یا افراد ورزشکار، هنرمند و مشهور می‌توانند الگوی یک دانش‌آموز باشند، اما در زمینه رشته تخصصی و در زمینه‌های تربیتی، معلمان از تأثیرگذارترین و متحول‌کننده‌ترین اسوه‌ها هستند. معلمان منبع تجربه‌اند. آن‌ها قبلاً جایی بوده‌اند که دانش‌آموزانشان هستند و آنچه را می‌خواهند از سر بگذرانند، تجربه کرده‌اند و در موقعیتی هستند که نه تنها موضوعات درسی، بلکه درس‌هایی در مورد زندگی ارائه می‌دهند. پذیرش شخصیت معلم به‌عنوان فردی علمی، توانمند و علاقه‌مند به یادگیری دانش‌آموزان، موجب می‌شود بسیاری از دانش‌آموزان به معلم خویش علاقه‌مند شوند و عشق بورزند و رفتار و گفتار او را به‌عنوان فردی قابل اعتماد بپذیرند.

معلمان علاوه بر اسوه‌بودن، منبع انگیزش و محرک دانش‌آموزان در راستای پرورش و شکوفایی استعدادهای آنان هستند. در طول سال



تحصیلی، معلمان با کنکاش و بررسی رفتار دانش آموزان و ارتباط نزدیک و چهره به چهره با آنان و تشویق و ارائه بازخورد مناسب، بیشترین ارتباط و تعامل را با دانش آموزان دارند. همچنین، در زمینه‌های آموزش، استعداد و تعلیم و تربیت نقاط قوت و ضعف دانش آموزان را به خوبی می‌شناسند و می‌توانند به راحتی اسوه و منبع انگیزه دانش آموزان در یادگیری و پرورش استعدادها باشند.

## تسهیلگری

نگاه سنتی به نقش معلم به عنوان انتقال دهنده اطلاعات باعث شده است معلم در زمینه شناسایی و پرورش استعداد برای خود رسالتی در نظر نگیرد. در نظام‌های آموزشی، نگاه نوین به معلم به عنوان تسهیلگر آموزش، وظایف و کارکردهای جدیدی برای او ایجاد می‌کند و کمک می‌کند به جای انتقال اطلاعات، پرورش استعداد و به جای محوریت معلم دانش آموزمحوری مورد توجه قرار گیرد. تسهیلگری مجموعه روش‌ها و مهارت‌هایی است که به آسان‌تر کردن امور کمک می‌کنند و تسهیلگر کسی است که کارها را ساده‌تر می‌کند. معلم تسهیلگر با افزایش تعامل و مشارکت دانش آموزان و طراحی مسیر مؤثر، فرایند یاددهی یادگیری را آسان می‌کند. معلم تسهیلگر منابع، اطلاعات و پشتیبانی لازم را فراهم می‌کند تا دانش آموزان خودشان تلاش کنند و از طریق فعالیت‌های تدریس یاد بگیرند. معلم در نقش تسهیلگر بستری فراهم می‌کند تا دانش آموزان خودشان به تدریج استعدادهای خود را بشناسند و با تلاش و کوشش و پشتیبانی معلم این استعدادها را پرورش دهند و هدایت شوند.

## مشارکت‌کنندگی و راهنمایی والدین

والدین اگرچه بیشترین ارتباط را با فرزندان دارند، اما در زمینه شناسایی استعداد دانش آموزان تبحر خاصی ندارند. البته آنان

به عنوان مشاهده‌گر اطلاعات خوبی از فرزندان خود دارند و می‌توانند این اطلاعات را با معلم و مشاور مبادله کنند و راهنمایی‌های لازم را در زمینه شناسایی و پرورش استعدادهای دانش آموزان دریافت کنند. تجربه نشان داده است، به هر میزان ارتباط والدین با معلم و مسئولان مدرسه بیشتر باشد، یادگیری و پرورش استعداد دانش آموزان رشد بیشتری داشته است. هماهنگی والدین با معلم و مدرسه حتی بر انگیزه تحصیلی دانش آموزان تأثیر مستقیم دارد. یکی از آسیب‌های تحصیلی و اجتماعی امروزه، ناهماهنگی والدین و مدرسه است که موجب شده است مسیر زندگی تحصیلی شغلی دانش آموزان در راستای ارزش‌های کاذب جامعه باشد و پرورش استعداد و علاقه شخصی دانش آموزان کمتر مورد توجه قرار گیرد. لازم به ذکر است، مشاوران نیز در زمینه پرورش استعداد نقش مشارکت‌کننده و راهنمای والدین را بر عهده دارند. اما معلمان، به دلیل ارتباط نزدیک با دانش آموزان و تخصص در رشته تحصیلی خود، نقش ویژه‌ای دارند که کمتر به این موضوع توجه شده است.

## مشارکت‌کنندگی و ارائه‌دهندگی اطلاعات به مشاور و مسئولان مدرسه

معلمان برای شناسایی و هدایت استعدادهای دانش آموزان، علاوه بر مشارکت با والدین، لازم است با مشاور یا مسئولان مدرسه مشارکت فعال داشته باشند و اطلاعات مناسب را در این زمینه ردوبدل کنند. در حال حاضر، بین معلم و مشاور ارتباطی یکطرفه، آن هم از طریق برهه امتیازدهی معلم، وجود دارد. مشاور ارتباط متقابلی با معلم ندارد و از هر گونه ارائه اطلاعات در زمینه نتایج آزمون‌های مشاوره‌ای و بررسی‌های مشاوره‌ای به معلم خودداری می‌کند. در صورتی که لازم است معلمان نیز اطلاعات مناسبی در مورد علاقه‌ها، استعداد و شخصیت دانش آموزان دریافت کنند تا بتوانند به شکل جامع‌تری استعداد دانش آموزان را ارزیابی کنند و پرورش دهند.



## ارزیابی

در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان مهم‌ترین عامل نمرات درسی نوبت دوم هستند. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند، بقیه عوامل و ارزیابی‌های هدایت تحصیلی در انتخاب رشته و مسیر زندگی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بسیار اندکی دارند. معلمان با برگزاری ارزشیابی‌های گوناگون در کلاس درس (تکوینی، مستمر، تدریجی، تکمیلی و پایانی)، توانمندی و استعداد دانش‌آموزان را در زمینه موضوعات و رشته تخصصی خود ارزیابی می‌کنند. بخشی از این ارزیابی‌ها به شکل توصیفی و کیفی است. توجه به نقش معلم به‌عنوان ارزیاب و نظرات کیفی و توصیفی او می‌تواند در هدایت تحصیلی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. البته این ارزیابی‌ها با ارزیابی‌های تخصصی شناسایی استعداد تا حدودی متفاوت هستند، اما می‌توانند اطلاعات خوب و ارزنده‌ای برای شناسایی و پرورش استعداد فراهم کنند. در صورتی که معلمان آموزش‌های مناسب دریافت کنند، می‌توانند از طریق همین اطلاعات استعدادهای دانش‌آموزان را شناسایی کنند. همچنین، معلمان می‌توانند قابلیت‌های روان‌شناختی و عاطفی مرتبط با استعداد نظیر علاقه، کنجکاوی، تحمل ابهام و سرسختی روان‌شناختی را در کلاس درس و در خلال برنامه تدریس، فعالیت‌های مرتبط با تدریس و انجام تکالیف ارزیابی کنند. این بخش از استعداد حتی از طریق آزمون‌های معتبر روان‌شناختی هوش و استعداد کمتر ارزشیابی می‌شود.

## تقویت‌کنندگی و پرورش‌دهندگی استعداد

حتی اگر بهترین ابزار و آزمون برای شناسایی استعداد فراهم شود و استعدادهای دانش‌آموزان شناسایی شوند، بهترین مکان اجرایی برای پرورش استعداد، مدرسه است و معلم به‌عنوان مسئول و تسهیلگر آموزش، بهترین پرورش‌دهنده و هدایت‌کننده استعداد است. او با توجه به اصل تفاوت‌های فردی در کلاس درس، برای دانش‌آموزان با استعدادهای گوناگون، شیوه‌های آموزش، فعالیت‌های تدریس، ارزشیابی و تکالیف متنوعی را در نظر می‌گیرد و بستری فراهم می‌کند که هر دانش‌آموز با توجه به علاقه، انگیزه و توانمندی خویش در مسیر یادگیری حرکت کند. البته لازم به ذکر است، برخی از دانش‌آموزان استعداد و توانمندی‌های خاص خود را به خوبی شناخته‌اند، اما متأسفانه بستری برای پرورش چنین استعدادهایی وجود ندارد و غالباً دانش‌آموزان و معلمان مجبورند تنها از طریق مسیر غیرقابل انعطاف آزمون سراسری و شیوه‌های پرخوانی و پرآموزی آزمون (تست‌زنی) استعدادهای خود را پرورش دهند.

## پیشنهادهایی برای بهبود نقش معلم در پرورش استعداد و هدایت تحصیلی

۱. هدایت تحصیلی دانش‌آموزان از پایه هفتم آغاز شود تا امکان تبادل اطلاعات بین مشاور و معلمان در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان فراهم شود.

۲. چکیده نتایج ارزیابی‌های مشاوره‌ای (نتایج آزمون‌های استعداد و رغبت، نظرات والدین، نظر دانش‌آموز و بررسی‌های مشاور) در اختیار معلمان درس‌های تخصصی رشته‌های گوناگون قرار گیرد تا آنان این نتایج را در پرورش و هدایت استعدادهای در نظر بگیرند.
۳. برگه نظرسنجی معلمان مشابه فهرست بازبینی (چک‌لیست) طرح شهاب، به‌صورت چندسؤالی طراحی شود تا معلمان بتوانند به شکل دقیق‌تری نظرات خویش را در مورد دانش‌آموزان ابراز کنند.
۴. سهم امتیاز نظر معلمان در برگه‌های هدایت تحصیلی افزایش یابد. امتیاز ۱۰ نمره برای سهم معلمان نسبت به سایر نظرات اندک است. بهتر است این میزان به دو یا سه برابر افزایش یابد.
۵. استانداردسازی سؤالات ارزشیابی معلمان مورد توجه قرار گیرد و آموزش‌های لازم در زمینه همسان‌سازی و استانداردسازی سؤالات ارزشیابی معلمان فراهم شود تا امکان استفاده بیشتری از این آزمون‌ها در هدایت تحصیلی فراهم شود.
۶. جلسات تخصصی دبیران رشته‌های تحصیلی به‌منظور ابراز نظر در انتخاب رشته دانش‌آموزان برای کلیه دانش‌آموزان برگزار شود.
۷. از نتایج آزمون‌های استعدادسنجی طرح شهاب در دوره ابتدایی برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شود.
۸. آزمون استعدادسنجی طرح شهاب برای دوره‌های متوسطه طراحی شود و در اختیار معلمان مربوطه قرار گیرد و از نتایج آن در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شود.
۹. پرورش و هدایت استعداد به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های تدریس معلمان مورد توجه قرار گیرد و کتاب‌های درسی برای چنین فعالیت‌هایی بازنویسی شوند.
۱۰. فرهنگ‌سراها، پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، فعالیت‌های فوق‌برنامه، جشنواره‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی در راستای استعدادهای گوناگون طراحی شوند و موفقیت دانش‌آموزان در چنین مراکزی در ارزشیابی آنان محاسبه شود.
۱۱. ارتباط تخصصی و عضویت معلمان در فرهنگ‌سراها، پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، فعالیت‌های فوق‌برنامه، جشنواره‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی مرتبط با تدریس خود فراهم شود تا راه‌های ارتباطی معلمان برای پرورش و هدایت استعدادهای حفظ شوند.
۱۲. ساعت‌های پژوهشی و پرورش استعداد فراتر از ساعت‌های تدریس برای درس‌های تخصصی رشته‌های گوناگون در اوقات فراغت دانش‌آموزان (مثلاً در نوبت دوم یا روزهای پنج‌شنبه) در نظر گرفته شوند تا معلمان بتوانند پاسخگو و راهنمای پژوهش‌ها، سؤال‌ها و اشکال‌های دانش‌آموزان باشند.
۱۳. نتایج ارزشیابی نوبت اول در هدایت تحصیلی مورد توجه قرار گیرد و همانند نمرات نوبت دوم در هدایت تحصیلی محاسبه شود تا ارزشیابی مستمر و تدریجی معلمان برای دانش‌آموزان اهمیت بیشتری داشته باشد.
۱۴. در مدرسه‌های هم‌جوار کانون‌های پرورش استعداد تشکیل شوند و برای دانش‌آموزان معرفی شده توسط معلمان کلاس‌های ویژه برگزار شوند.



# یادگیری آموزشی

مصطفی سهرابلو

دبیر علوم تجربی متوسطه اول پیرتاج،  
شهرستان بیجار، کردستان

## تجربه آموزشی

اشاره

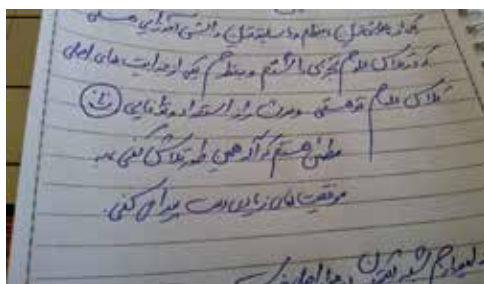
در فرهنگ پیچیده و گسترده مدرسه، برخی عادت‌ها و رسم‌های نانوشته و غیررسمی وجود دارند که به‌ویژه بین دانش‌آموزان جاری هستند و البته با وجود رسمی‌نبودن، بسیار تأثیرگذار و برای بچه‌ها جذاب و مهم هستند. نکته مهم، ظرفیت‌های متنوع نهفته در این نوع رفتارهاست که می‌تواند برای مقاصد آموزشی-تربیتی مدرسه و معلمان و دانش‌آموزان استفاده شوند. از جمله این رسم‌های مدرسه‌ای، درخواست دانش‌آموزان از معلمانشان برای نوشتن یادگاری در پایان سال تحصیلی است.

این اتفاق از دو نظر برایم جالب و قابل توجه بود. اول اینکه آن نوشته یادگاری این قدر برای او اهمیت داشت که بعد از سال‌ها هنوز هم آن را نگه داشته بود و دوم اینکه سعی کرده بود آن اخلاقی را بهتر کند و البته نسبت به آن سال بهتر هم شده بود.

نتیجه

صحبت این دانش‌آموز باعث شد امسال در نوشتن یادگاری برای بچه‌ها، موضوعی را مدنظر قرار بدهم. پس سعی کردم شناخت کلی خود از بچه‌ها را در طول یک سال در قالب نقاط مثبت و منفی در نوشته یادگاری آن‌ها لحاظ کنم. به این صورت که تعدادی از مهم‌ترین مشخصه‌های مثبت و توانمندی هر کدام از بچه‌ها را همراه با فقط یک نقطه‌ضعف یا ایرادی که به اصلاح و تلاش نیاز دارد بنویسم.

این کار، با توجه به تجربه مرتبط قبلی، مزیت‌هایی دارد، از جمله: هم شناختی کلی از خودشان توسط معلم ارائه می‌دهد که به شناخت بهتر خود و شخصیتشان کمک می‌شود و هم با ذکر نقاط قوتشان، انگیزه‌های رشد و بهتر شدن و ناامید نشدن به‌صورت واقعی برایشان ایجاد می‌شود. برای مثال، یک توانمندی برای دانش‌آموز پایه نهم، توانایی خلاصه کردن مطالب تدریس شده برای دانش‌آموزان در هر جلسه و توانایی مدیریت گروه‌های کلاسی بود. ذکر یک نقطه‌ضعف، البته به‌صورت صمیمی و غیررسمی، می‌تواند حداقل یک یادآوری در ذهن او باشد تا برای رفع یا کاهش آن تلاش کند (تصویر ۲).



(تصویر ۲)

نوشتن یادگاری برای دانش‌آموزان لذتبخش است. علاقه بچه‌ها، به‌ویژه پایه‌های هفتمی و نهمی برای این کار جالب است. پایه‌هفتمی‌ها تازه به دوره بالاتر آمده‌اند و نهمی‌ها هم قرار است این دوره را ترک کنند. بنابراین، هر کدام با دفترچه‌های کوچک و بزرگ خاطراتشان مشتاقانه به سراغ معلم می‌روند.

امروز سر کلاس علوم که رفتم، بعد از احوال‌پرسی از بچه‌ها، یکی از دانش‌آموزان دفتر خاطراتش را روی میز گذاشت و خواست برایش یادگاری بنویسم. نوشته‌های معلم دیگر را هم نشانم داد. دفتر پر بود از دست‌خط‌های زیبا و متن‌های جالب، همراه با شعرهایی عالی و آرزوی موفقیت کردن‌های همکاران زحمتکش برای بچه‌ها. بقیه بچه‌ها هم دفترهایشان را روی میز گذاشتند. در این حین یکی دیگر از دانش‌آموزان هم دفترش را آورد، صفحه‌ای را باز کرد و گفت: «آقا اینو بخونید.»

نگاهی به متن و البته امضای پایینش کردم. دیدم نوشته خودم است؛ البته سه سال پیش که در روستایی دیگر تدریس داشتیم و او آنجا بود. بعد گفت: «آقا، به نظرتان اخلاقم از آن موقع تا الان خوب شده یا نه؟!»

متوجه منظورش نشدم و پرسیدم کدام اخلاق؟ اول صبحی منظورت چیه؟ تا این را گفتم، با دست، خط دوم نوشته خودم در دفترش را نشان داد که این جمله بود: «... باشه، باشه، آرام‌تر، کمی مهربان‌تر صحبت کن و...»

تازه یادم افتاد آن سال دانش‌آموزم کمی عجول بود. اخلاق تندی داشت و موقع صحبت کردن با حالت عصبانی و صدای بلند با من و بچه‌ها صحبت می‌کرد و من تشویقش می‌کردم کمی حوصله کند و با ملایمت حرف‌هایش را بیان کند. به همین خاطر هم آن سال در دفتر یادگاری‌اش، با حالت مزاح و شوخی، این مطلب را برایش نوشتم تا یادش نرود. امروز که آن نوشته را نشانم داد، گفت: «راستی از آن موقع سعی می‌کنم خودم را کنترل کنم و با صدای مناسب و بدون نگرانی صحبت کنم. نظر شما چیست؟» (تصویر ۱).



(تصویر ۱)

# کلاس - سینما

## وحید گلستان

### اشاره

فیلم آموزشی، با وجود قدمت آن، به دلیل بینارشته‌ای بودنش در میان سینما و علوم تربیتی، هنوز نتوانسته است بیان هنری خود را به‌عنوان یک اثر هنری و نیز طراحی آموزشی خود را همچون سایر اجزای یادگیری به کمال برساند. با وجود این، در دهه گذشته، مبتنی بر اسناد بالادستی و در جریان تازه آموزش جهان نیز بحث بسته آموزشی و پس از آن بسته یادگیری، مورد توجه و گفت‌وگو غالب محسوب می‌شود. لذا با این سؤال مواجه می‌شویم که نسبت فیلم آموزشی با بسته آموزشی و بسته یادگیری چیست؟

## تفاوت بسته آموزشی و بسته یادگیری

البته این خود بحث مفصلی است و از چند منظر باید مورد توجه قرار گیرد، اما در اینجا فقط به یک ویژگی می‌پردازیم.

آنچه امروز درباره بسته آموزشی نسبت به آن فهم عمومی وجود دارد، مجموعه‌ای از چند رسانه برای آموزش یک مفهوم است. این تعریف بسیار کوتاه بخش مهمی از مراد ما را در برمی‌گیرد، اما بسته یادگیری همین است؛ به‌اضافه نقش‌های تازه‌تر ساختن رایانه‌ای که برای دانش آموز در نظر دارد. لذا در بسته آموزشی، گویی مفاهیم و روش بر نگاهی شناخت‌گرا یا رفتارگرا مبتنی است و هدف بسیار تدقیق شده آموزشی را در نظر داریم و اجزای بسته آموزشی یکدیگر را کامل یا تکرار می‌کنند. اما در بسته یادگیری، در طول مشارکت بین یادگیرنده و بسته یادگیری، خلق معنا و امر یادگیری به وجود می‌آید. پس روایت ارائه به‌ضرورت دیگر خطی نیست و نیز مفاهیم اجزا کامل‌کننده یکدیگر نیستند، بلکه می‌توانند در مسیر تعمیق یادگیری یک مفهوم باشند یا فرصت یادگیری تازه‌ای در همین حیطه. لذا بسته یادگیری نقش پیچیده‌تری را برای اجزا در نظر می‌گیرد و نیز سهم بیشتری را برای مخاطب.

در سینما، مشارکت امری حیاتی برای خلق معنا و مبتنی بر جذابیت اصلی فیلم است، اما محدودیت فیلم‌ها در تعامل باعث شده است شیوه‌های داستان‌گویی خلاقه «جهان‌های موازی» یا «چندداستانی» برای حل این نیاز در بیان مدنظر قرار گیرد. در فیلم آموزشی انواع تعامل می‌تواند مدنظر قرار گیرد و به دلیل اهمیت تعامل در یادگیری، در طراحی فیلم‌های آموزشی برای بسته‌های یادگیری، به این مهم توجه ویژه می‌شود و از مفاهیم در حال توسعه است. اما اینجا فرض ما بر این است که فیلم بدون طراحی آموزشی دقیق طراحی شده و اکنون در اختیار کلاس و معلم است و معلم می‌خواهد خود طراحی آموزشی را کامل و با کلاس و مخاطب خود متناسب کند.

## روش پیشنهادی اول: فرارسانه

ترانس مدیا یا فرارسانه یک نگاه به نسبت جدید است که در علوم ارتباطات مدنظر قرار گرفته و در پی آن است که در کنار

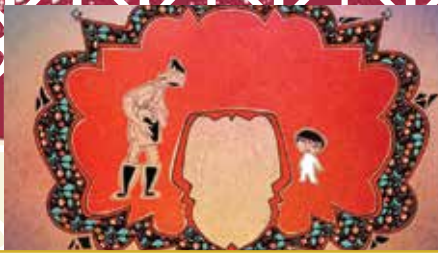
و اطراف یک رسانه اصلی، رسانه‌های مکمل یا جایگزین یا توسعه‌دهنده قرار دهد تا فرصت ارتباطی را غنی، ثابت و اثربخش کند. لذا فیلم خود را در میان قرار دهد و حول آن سایر رسانه‌های دیگر را که به‌طور نسبی کمک‌کننده‌اند، یادداشت و تهیه کنید. از فعالیت‌های متنوع غافل نشویم. فعالیت‌های کاوشگرانه، تیمی و گروهی، بازی و ... می‌توانند مدنظر قرار گیرند تا فیلم کلاس خود را در مسیر «ترانس مدیا» یا فرارسانه قرار دهد و به این شیوه با یک جزء در اختیار بسته یادگیری طراحی کرده‌اید.

## روش پیشنهادی دوم: شکست روایت فیلم

احتمالاً همکاران فیلم‌ساز من این پیشنهاد را دوست ندارند، چون روایت حق فیلم‌ساز است و از جمله فرصت‌های هنرمندی در بیان. اما از آنجا که فیلم آموزشی در زمره هنرهای کاربردی قلمداد می‌شود، این پیشنهاد بر اهداف یادگیری مبتنی است.

در این شیوه، به‌جای نمایش یکبارگی فیلم، آن را به دو یا چند بخش تقسیم کنید. قبل و بعد از هر بخش از نمایش فیلم، گفت‌وگو و فعالیت‌ها یا رسانه‌هایی را در نظر بگیرید که بتوانند فرصت یادگیری کلاس را تسهیل و تعمیق کنند یا توسعه دهند. یک نکته جنبی اینکه، از آنجا که روایت در فیلم توسط فیلم‌ساز و همکارانش با دقت بالا طراحی شده است، به‌سادگی نمی‌توان نمایش آن را متوقف کرد؛ طوری که از ارزش‌های عاطفی و غوطه‌وری فیلم کم نشود. لذا آشنایی با ساختارها و روایت در فیلم برای موفقیتتان در این شیوه بسیار یاری‌رسان است. البته در دنیای درام، هرگونه فاصله‌گذاری می‌تواند مقدمه کاستن از احساس و افزودن بر اندیشه محسوب شود.

در خصوص این دو روش در شماره‌های بعد بیشتر توضیح خواهیم داد. در ادامه، یک نمونه طراحی آموزشی برای یک فیلم پویانمایی خواهیم داشت. این فیلم شاخص‌های ارزشمند ورود به کلاس را دارد، اما طراحی ندارد و آموزشی است. لذا در اینجا ما برای فیلم یک طراحی آموزشی انضمامی انجام داده‌ایم.



**عنوان فیلم:** فر فره

**مدت زمان فیلم:** ۷ دقیقه و ۳۲ ثانیه

**زمان پیشنهادی اجرای فعالیت:** ۳۵ تا ۵۰ دقیقه

**گروه مخاطب:** دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و متوسطه (توجه بفرمایید که غالباً فیلم‌ها را می‌توان برای یک دوره یا پایه تحصیلی محدود طراحی آموزشی کرد و این فیلم به دلیل موضوع استثنا قلمداد می‌شود.)

بخشی از فیلم فر فره را  
اینجا ببینید



### فعالیت انتخابی در کلاس

در صورت امکان، شعر عمو زنجیرباف را در میان کلاس با زنجیر کردن دستانشان و صدای برخی مشاغل ذکر شده در فیلم اجرا کنند یا در جای خود بخوانند. به صورت نمایش خلاق، حرکات و صدای لحاف‌دوز، آب حوضی، نمکی و حاجی فیروز را اجرا کنند. دانش‌آموزان به گروه‌های کوچک تقسیم شوند. هر گروه یکی از مشاغل یادشده در فیلم را نقاشی کند. نقاشی‌ها را روی دیوار کلاس به نمایش بگذارید.

### ب) با مخاطبان دوره دوم ابتدایی

از بزرگ‌ترهای خود، قبل از جلسه و روز نمایش بپرسند، نمکی، آب حوضی، چینی‌بندزنی و لحاف‌دوزی چه کار می‌کردند و چرا این شغل‌ها دیگر چندان وجود ندارند؟ این سؤالات پس از نمایش فیلم با بچه‌ها مطرح و بحث شوند: \* امروزه به جای این شغل‌ها چه شغل‌های جدیدی به وجود آمده‌اند؟

\* چه شغل‌هایی ممکن است در آینده وجود نداشته باشند؟  
\* چه شغل‌های جدیدی ممکن است در آینده به وجود آیند؟  
\* آن‌ها به منظور آمادگی برای مشاغل آینده، چه چیزهایی باید یاد بگیرند؟  
توصیه: در تمامی گفت‌وگوهای کلاسی، در ابتدا میز و نیمکت‌ها به شکل U چیده شود تا دانش‌آموزان بتوانند هنگام گفت‌وگو همدیگر را ببینند.

### ج) با مخاطبان دوره‌های متوسطه اول و متوسطه دوم

پس از نمایش فیلم، سؤال‌های زیر را مطرح کنید و از دانش‌آموزان بخواهید درباره آن‌ها گفت‌وگو کنند:  
\* افرادی که سر راه پسرپچه قرار گرفتند، شغلشان چه بود؟ آن‌ها چه رفتاری با پسرپچه داشتند؟  
\* چرا پسرپچه صدایش را به نمکی داد؟  
\* نمکی، آب حوضی، چینی‌بندزنی و لحاف‌دوزی چه کار می‌کردند و چرا دیگر این شغل‌ها چندان وجود ندارند؟  
\* امروزه به جای این شغل‌ها چه شغل‌های جدیدی به وجود آمده‌اند؟  
\* چه شغل‌هایی ممکن است در آینده وجود نداشته باشند؟  
\* چه شغل‌های جدیدی ممکن است در آینده به وجود آیند؟  
\* آن‌ها به منظور آمادگی برای مشاغل آینده، باید چه چیزهایی یاد بگیرند؟

## فرایند اجرای فعالیت آموزشی

### مرحله اول: قبل از نمایش فیلم

قبل از نمایش فیلم در کلاس درباره برخی مشاغلی که قبلاً وجود داشتند و الان در جاهای کمی از کشور دیده می‌شوند یا از بین رفته‌اند، صحبت کنید؛ مشاغلی مانند آب حوضی، لحاف‌دوزی، چینی‌بندزنی و نمکی، تا دانش‌آموزان پیش‌نیاز تماشای فیلم را داشته باشند.

### مرحله دوم: پس از نمایش فیلم

### الف) با مخاطبان پیش‌دبستانی و پایه‌های اول و دوم ابتدایی

پس از نمایش فیلم، سؤال‌های زیر را مطرح کنید و از دانش‌آموزان بخواهید درباره سؤالات زیر گفت‌وگو کنند:  
\* آیا تا به حال فر فره‌بازی کرده‌اید؟ در صورت پاسخ مثبت، آیا این بازی را دوست داشتید؟  
\* اگر خاطره‌ای از فر فره‌بازی دارید، برای دوستانتان تعریف کنید.  
\* وقتی فر فره پسرپچه در آب افتاد، چه کسی آن را از حوض بیرون آورد؟  
\* افرادی که سر راه پسرپچه قرار گرفتند، شغلشان چه بود؟ آن‌ها چه رفتاری با پسرپچه داشتند؟  
\* چرا پسرپچه صدایش را به نمکی داد؟



# متاورس در خدمت آموزش

حامد عباسی

دکترای تکنولوژی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی

حمیده عباسی

دبیر و کارشناس ارشد فیزیک

در مقاله‌های قبلی برخی از فناوری‌های نوین دیجیتال را معرفی و اشاره کردیم، هر محیط یادگیری هوشمند در واقع محیط فیزیکی غنی‌شده‌ای با فناوری‌های نوین دیجیتال است و می‌تواند در آموزش و یادگیری تحول ایجاد کند. در میان فناوری‌های نوین دیجیتال، متاورس به لحاظ داشتن پتانسیل بالا، در بهبود فرایند آموزش و یادگیری بسیار قابل استفاده است. به همین منظور، در ادامه، فناوری متاورس را با تأکید بر کاربرد آموزشی آن در این شماره و شماره بعد بررسی می‌کنیم.

## دو سناریوی آموزشی را در نظر بگیرید:

۱. معلم تاریخ پایه دهم رشته ادبیات و علوم انسانی قصد دارد درس ۳ را با عنوان «باستان‌شناسی؛ در جست‌وجوی میراث فرهنگی» تدریس کند. این معلم برای درک بهتر و عمیق‌تر مفاهیم باستان‌شناسی و آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با میراث فرهنگی، می‌خواهد تمام دانش‌آموزان از آثار باستانی منطقه دریای مدیترانه، مصر، یونان، شهر پمپئی ایتالیا، آرامگاه

توتنخامون فرعون مصر، غار لاسکوی فرانسه، تپه‌های باستانی جیرفت و موزه ایران باستان بازدید کنند و با کارشناسان میراث فرهنگی هر بخش به گفت‌وگو بنشینند و سؤال‌های خود را به‌طور واضح و رودررو به شکل تعاملی مطرح کنند و در حین بازدیدها و گفت‌وگوها، با معلم و هم‌کلاسی‌های خود نیز در یادگیری مشارکت و تعامل داشته باشند.

۲. معلم پایه ششم ابتدایی قصد دارد در درس ۱۲ با عنوان «جنگل برای کیست؟» دانش‌آموزان را با زیست‌بوم جنگل آشنا کند. وی در نظر دارد دانش‌آموزان برای یادگیری عمیق‌تر، در جنگل قدم بزنند، درختان و گیاهان را لمس کنند، با جنگلیانان به گفت‌وگو بنشینند، کشفیات هم‌کلاسی‌های خود را ببینند، زندگی حشرات را مشاهده کنند، در کنار رودخانه قدم بزنند و رفتار کروکودیل‌ها را در نظر بگیرند، با طبیعت جنگل آشنا شوند، حیوانات وحشی جنگل مثل شیر و ببر را از نزدیک مشاهده و حتی لمس کنند و صدای آن‌ها را بشنوند. با محیط‌بانان محیط‌زیست گفت‌وگو و تعامل داشته باشند. با همدیگر به صورت گروهی ویژگی‌های برگ درختان یا حیوانات را مقایسه کنند و در تمام طول این بازدید با معلم خود در تعامل باشند و از راهنمایی‌های او بهره‌مند شوند تا یادگیری بهتری صورت گیرد.

در ظاهر چنین چیزی نشدنی خواهد بود، چراکه امکان بازدید از این همه مکان تاریخی و طبیعی وجود ندارد. زمان این اجازه را نمی‌دهد. نشستن در پای صحبت کارشناسان متعدد در نقاط گوناگون جهان وجود ندارد، هزینه‌های زیادی نیاز است، خطرات مسافرت، خطر حمله حیوانات جنگل و ده‌ها مشکل دیگر در ظاهر این نوع رویکردهای آموزشی را غیرممکن می‌کنند. پس چاره و راه‌حل مسئله چیست؟ چگونه می‌توان یادگیری شهودی داشت و به آن عمق بخشید؟ چگونه می‌توان آموزش و یادگیری مانایی داشت؟ پاسخ این است که اگر نمی‌توانیم دانش‌آموز را به جهان پیرامون خود ببریم، جهان پیرامون را پیش دانش‌آموز بیاوریم. اما چگونه؟ جواب این سؤال در فناوری نوینی به نام متاورس نهفته است. متاورس آینه‌ای از جهان واقعی را به صورت مجازی نمایان می‌کند که افراد در نقش معلم، دانش‌آموز یا کارشناس، به صورت مجازی در آن محیط مجازی نقش‌آفرینی می‌کنند و ناممکن‌ها ممکن می‌شوند.

اصطلاح متاورس<sup>۱</sup> را برای اولین بار توسط **نیل استفنسون** در رمان علمی‌تخیلی خود به نام «سقوط برف» در سال ۱۹۹۲ مطرح کرد. در این رمان، متاورس به‌عنوان یک جهان ساخت رایانه به موازات دنیای واقعی شناخته می‌شود که کاربران می‌توانند با گذاشتن عینک مخصوص (کلاه اکولوس<sup>۲</sup>) به‌عنوان چهرک (آواتار)<sup>۳</sup> (کاربر مجازی سه‌بعدی) وارد آن شوند. پس از آن تاریخ فعالیت‌های محدود در زمینه متاورس صورت گرفت، اما اوج آن‌ها در سال ۲۰۲۱ بود که مفهوم متاورس را به‌عنوان فضاهای مجازی سه‌بعدی پایدار توصیف و رایج کرد. واژه متاورس از دو کلمه Meta به معنی فرا و Universe به معنی جهان و در مجموع به معنای فراجهان است که البته اصطلاح فراجهان برای متاورس هنوز قطعی ندارد. به همین خاطر در این مقاله از کلمه متاورس استفاده می‌شود.

در حال حاضر هیچ تعریف واحدی از کلمه متاورس وجود ندارد. مفهوم متاورس چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای از توسعه دنیای مجازی در آینده ارائه می‌دهد. با این حال، توسعه کنونی متاورس در مرحله نوپایی است که به پیشرفت مداوم در فناوری زیربنایی نیاز دارد. ستون‌های فناوری زیربنایی شامل فناوری سخت‌افزار رایانه (تعامل کاربر، واقعیت توسعه‌یافته، رباتیک و اینترنت اشیا، محاسبات ابری، شبکه و زیرساخت‌های سخت‌افزاری) و فناوری نرم‌افزار (دید رایانه، هوش مصنوعی و زنجیره بلوکی یا بلاک‌چین‌ها) است. ارکان زیست‌بوم شامل چهرک (آواتار)ها، تولید محتوا، مقبولیت اجتماعی، امنیت و حریم خصوصی، اعتماد و مسئولیت است (Wang, Wang, Shi, Xu, Chen, & Wu, 2022).

متاورس یک جهان دیجیتال است که از طریق محیط مجازی قابل دسترسی است و از طریق ادغام واقعیت فیزیکی و دیجیتال ایجاد می‌شود. از نگاه آموزشی، متاورس تجربه‌های غوطه‌وری پیشرفته در فضای مجازی را همراه با تجربه یادگیری تعاملی برای دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی ارائه می‌دهد که می‌توانند تجربه‌های خود را نیز به اشتراک بگذارند. متاورس را می‌توان به‌عنوان شبکه‌ای متقابل و مقیاس‌پذیر از جهان‌های مجازی سه‌بعدی ارائه‌شده در زمان واقعی توصیف کرد که می‌تواند به‌طور هم‌زمان توسط تعداد نامحدودی از افراد، با حس حضور شخصی، قابل دسترس باشد. یعنی دانش‌آموز به‌طور واقعی احساس کند که در محیط واقعی حضور دارد. دانش‌آموزان و معلمان و کلیه کاربران در محیط مجازی به‌صورت چهرک هستند. چهرک تصویری است که کاربران در اینترنت و به‌خصوص در تالار گفت‌وگو برای خود به‌کار می‌برند. چهرک‌ها در واقع خود دیگری از ما در فضای مجازی هستند و عملکرد یا تصمیمات چهرک با عملکرد یا تصمیمات خود ما یکسان است. چهرک، موضوع متاورس، معنایی مشابه «دوقلوی دیجیتال» و «من دیجیتال» دنیای مجازی دارد. هر دوقلوی دیجیتال یک مدل مجازی برای پیش‌بینی رفتار است. دوقلوهایی دیجیتال برای ایجاد عواملی شبیه‌شده واقعی در دنیای مجازی و پیش‌بینی نتایج از طریق شبیه‌سازی موقعیت‌هایی که ممکن است در زندگی واقعی رخ دهند، استفاده می‌شوند. یادگیرندگان و معلمان از کلاس‌های سه‌بعدی و چهرک‌ها برای حل مسائل به‌صورت مجازی استفاده می‌کنند و نوعی تجربه غوطه‌وری پیشرفته ایجاد می‌شود که فرصت‌های یادگیری را ارائه و انگیزه یادگیرندگان را افزایش می‌دهد (Almarzouqi, Aburayya & Salloum, 2022).

هر متاورس می‌تواند به‌طور کامل یا تا حدی مجازی باشد. برای مثال، می‌تواند یک دنیای کاملاً مجازی مانند یک سامانه واقعیت مجازی یا یک دنیای نیمه‌مجازی مانند واقعیت افزوده در زمینه‌های دنیای واقعی باشد. برخی افراد ممکن است متاورس را فقط یک اصطلاح جدید برای واقعیت مجازی و واقعیت افزوده بدانند، در حالی که متاورس بسیار فراتر از این‌هاست. هر سامانه واقعیت مجازی و واقعیت افزوده می‌تواند بخشی از متاورس برای ارائه محتوای مجازی باشد. از سوی دیگر، متاورس می‌تواند حاوی عناصر واقعیت مجازی و واقعیت افزوده به همراه سایر عناصر

## در واقع، متاورس به فراگیرندگان امکان می‌دهد فرصت‌های بیشتری برای تجربه، کاوش، آموزش و یادگیری در دنیای جدید و همچنین کار و تعامل داشته باشند

در واقع، متاورس به فراگیرندگان امکان می‌دهد فرصت‌های بیشتری برای تجربه، کاوش، آموزش و یادگیری در دنیای جدید و همچنین کار و تعامل داشته باشند. دلایل متعددی برای به کارگیری متاورس به منظور اهداف آموزشی به شرح زیر ذکر شده‌اند:

1. قراردادن یادگیرندگان در یک محیط تمرین شناختی یا مهارتی که ممکن است در دنیای واقعی خطرناک یا نایمن باشد.
2. قراردادن فراگیرندگان در موقعیت‌هایی برای تجربه و یادگیری آنچه فرصت تجربه در دنیای واقعی برای آن وجود ندارد.
3. توانمندسازی دانش‌آموزان برای درک یا یادگیری چیزی که به مشارکت و تمرین طولانی‌مدت نیاز دارد.
4. تشویق دانش‌آموزان به تلاش برای ایجاد یا کشف چیزی که به دلیل برخی دلایل مانند هزینه یا کمبود مواد واقعی، توانایی انجام آن را در دنیای واقعی ندارند.
5. توانمندسازی دانش‌آموزان برای داشتن افکار و تلاش‌های جایگزین در مورد شغل یا زندگی خود در آینده.
6. توانمندسازی فراگیرندگان برای یادگیری تعامل، به‌ویژه با افرادی که در دنیای واقعی فرصت کار با آن‌ها را نداشته باشند.
7. تقویت تفکر بالقوه به همراه درگیر کردن دانش‌آموزان در وظایف پیچیده، متنوع و معتبر (Hwang & Chien, 2022).

متاورس به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد بدون نیاز به حضور فیزیکی در کلاس، در یک کلاس مجازی رودررو تعامل داشته باشند. با استفاده از چهرک مجازی در متاورس، امکان تعامل با محیط مجازی وجود دارد. به عبارت دیگر، متاورس امکان زندگی دوم را فراهم می‌کند (Lee, Woo & Yu, 2022). لذا همان‌گونه که می‌گوییم مدرسه خانه دوم ماست، می‌توانیم بگوییم متاورس زندگی دوم ماست. ادامه مطلب را در شماره بعد مطالعه فرمایید.

### پی‌نوشت‌ها

1. Metaverse
2. Oculus
3. Avatar

مورد نیاز از جمله هوش مصنوعی باشد. متاورس ارائه دنیای معتبری است که فراگیرندگان را قادر می‌سازد تا با معلمان، هم‌تایان و مربیان هوشمند کار کنند و یاد بگیرند. بزرگ‌ترین تفاوت بین متاورس و کاربرد فعلی واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در آموزش در زمان تجربه و گنجاندن فناوری هوش مصنوعی نهفته است. در متاورس، دانش‌آموزان تمایل دارند زندگی جدایی از دنیای واقعی داشته باشند و این زندگی برای مدتی ادامه داشته باشد. در حالی که واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در آموزش در کاربردهای فعلی تمایل دارند دانش‌آموزان را در تجربه موقعیت‌های خاص درگیر کنند. متاورس با هدف ارائه یک زندگی مشابه زندگی واقعی غیرقابل توقف و غیرقابل شروع دوباره است. در متاورس آموزشی، هوش مصنوعی در ایجاد و ارائه سه نقش معلم، مربی و دانش‌آموز بسیار اهمیت دارد؛ به‌ویژه در رویکرد سازنده‌گرایی که تعاملات هم‌تایان در یادگیری مهم و سازنده‌اند.

متاورس بر پایه سه ویژگی اصلی استوار است: حضور، تعامل پذیری و استانداردسازی. حضور به این معناست که همه کاربران متاورس احساس کنند در دنیایی مجازی و مشترک حاضرند و می‌توانند با سایر افراد در تعامل باشند. این احساس موجب افزایش کیفیت تعاملات برخط خواهد شد. تعامل‌پذیری یعنی کاربران در دنیای متاورس باید قادر باشند تعاملاتی متعدد بین دیگر کاربران و اشیاء داشته باشند. استانداردسازی به همگام‌سازی زیرساخت‌های متاورس با سایر بسترها اشاره دارد. در واقع، با کمک استانداردسازی است که امکان تعامل‌پذیری در متاورس عملیاتی می‌شود. از ویژگی‌های دیگر متاورس، هم‌زمانی تعاملات و ارتباطات، سرعت بالا یا آنی، پایداری یا امکان دسترسی همیشگی و حذف هزینه‌های دنیای فیزیکی است.

### منابع

1. Almarzouqi, A., Aburayya, A., & Salloum, S. A. (2022). Prediction of User's Intention to Use Metaverse System in Medical Education: A Hybrid SEM-ML Learning Approach. IEEE Access, 10, 43421-43434.
2. Hwang, G. J., & Chien, S. Y. (2022). Definition, roles, and potential research issues of the metaverse in education: An artificial intelligence perspective. Computers and Education: Artificial Intelligence, 100082.
3. Lee, H., Woo, D., & Yu, S. (2022). Virtual Reality Metaverse System Supplementing Remote Education Methods: Based on Aircraft Maintenance Simulation. Applied Sciences, 12(5), 2667.
4. Wang, J., Wang, T., Shi, Y., Xu, D., Chen, Y., & Wu, J. (2022). Metaverse, SED Model, and New Theory of Value. Complexity, 2022.

# آزمایشگاه، غایب!

گفت‌وگو با مجید راسخ، دبیر و سرگروه فیزیک استان گیلان

لیلا صمدی

اشاره

**مجید راسخ**، دبیر و سرگروه فیزیک استان گیلان، دوره متوسطه خود را در شهرستان رودسر گذراند. در سال ۱۳۷۲ وارد دوره کارشناسی رشته دبیری فیزیک در دانشگاه گیلان شد. پس از کسب مدرک کارشناسی، از مهر سال ۱۳۷۶، به‌عنوان دبیر فیزیک، تدریس خود را در شهرستان شفت آغاز کرد. راسخ مدرک کارشناسی ارشد رشته فیزیک اتمی مولکولی را در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال کسب کرد. وی از سال ۱۳۸۱ تاکنون در شهرستان رشت تدریس می‌کند. مجید راسخ که ۲۸ سال سابقه تدریس دارد، تجربه‌های ارزشمندی در جایگاه‌هایی چون سرگروهی فیزیک شهرستان شفت، سرگروهی فیزیک استان گیلان (از سال ۱۳۸۴ تاکنون)، مدرس دوره‌های ضمن خدمت معلمان، مدرس دانشگاه فرهنگیان و جهاد دانشگاهی و مشاوره پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان دارد. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه گفت‌وگوی ما با مجید راسخ درباره تجربه‌های معلمی اوست.



## سبک تدریستان را توصیف بفرمایید. چه موفقیت‌هایی در تدریس داشته‌اید؟

مطابق روش‌های نوین آموزشی که بر نقش معلم به‌عنوان هدایتگر تأکید داشتند، سعی کردم لقمه آماده دست دانش‌آموز ندهم. اگر نانی در اختیار دانش‌آموز می‌گذارم، سعی می‌کنم خودشان یاد بگیرند چطور آن را بپزند و ساندویچ درست کنند تا غذای روحشان تأمین شود. تلاش می‌کنم دانش‌آموز خودش با کشف و نتیجه‌گیری و با کاوشگری به پاسخ‌ها و الگوها دست پیدا کند. در پانزدهمین جشنواره الگوهای برتر تدریس در سال ۱۳۹۷ نیز به همین ترتیب الگوی تدریس «E5» را در درس علوم و آزمایشگاه اجرا کردم و مقام اول جشنواره را در سطح کشوری به دست آوردم.

در تدریس، سعی می‌کنم بخشی از سؤالاتی را که دانش‌آموزان مطرح می‌کنند به‌صورت مستقیم پاسخ ندهم تا دانش‌آموزان بحث و مجادله علمی داشته باشند و نتیجه‌گیری کنند. متناسب با مباحث علمی کتاب درسی، با طراحی سؤالاتی که در هیچ کتاب کمک‌آموزشی نباشد، دانش‌آموز را به چالش می‌کشم که بسیار در آن‌ها ایجاد انگیزه و توجه‌شان را جلب می‌کند. متناسب با شرایط و امکانات مدرسه، از وسایل آزمایشگاهی در حین تدریس بهره می‌گیرم.

## میزان توجه به ساحت‌های شش‌گانه تعلیم‌وتربیت را در برنامه درسی فیزیک چطور می‌بینید؟ برنامه‌های شما در کلاس در راستای کدام ساحت‌ها قرار دارند؟

در برنامه درسی فیزیک به ساحت‌های شش‌گانه تربیت به‌طور کامل توجه نشده است. همچنین، آن قدر ساعت درس‌های تخصصی را کم کرده‌اند که ما فرصت پرداختن به ساحت‌ها را نداریم. در هر صفحه از کتاب درسی فیزیک تصویرهایی داریم که هر کدام هدف‌های آموزشی ویژه‌ای را دنبال می‌کند و مستلزم اختصاص زمان زیادی برای تدریس است. ساحتی که بیشتر می‌توانم به آن بپردازم، ساحت تربیت علمی و فناورانه است.

## چقدر گروه‌های آموزشی را در کیفیت بخشی به آموزش و کار معلمان مؤثر می‌دانید؟ در این خصوص چه فعالیت‌هایی در گروه آموزشی‌تان داشته‌اید؟

گروه‌های آموزشی اساسی‌ترین نقطه‌ای است که در کیفیت بخشی

به آموزش باید به آن توجه شود. گروه‌های آموزشی در خط مقدم قرار دارند؛ نظام اداری در یک طرف آن و نظام آموزشی در طرف دیگر آن قرار دارد. ما در گروه آموزشی روش‌های نوین آموزشی را که خیلی پرکاربرد هستند، برای کیفیت‌بخشی به تدریس معلمان معرفی می‌کنیم. با همه‌گیری کرونا در اسفندماه ۹۸، با پیگیری‌های زیادی که در گروه آموزشی انجام دادیم، در روز ۱۰ اسفندماه آموزش‌های برخی را شروع کردیم. در این راستا با کمک مدیر کل وقت آموزش و پرورش استان گیلان، «ال‌ام‌اس» را به شکل آزمایشی در چندین مدرسه فعال کردیم.

## برای تبادل تجربه با گروه‌های آموزشی سایر استان‌ها هم ارتباط دارید؟

بله. ما از طریق دبیرخانه‌های فیزیکی با سرگروه‌های سایر استان‌ها در گروه‌های برنامه شاد تبادل تجربه زیادی داریم. همکاران شاید ۲۰ برابر بیشتر از دوره‌های ضمن خدمتی که در قالب نظام اداری برگزار می‌شود، در ارتباطات فضای مجازی آموزش می‌بینند و نیازهای آموزشی‌شان را برطرف می‌کنند.

## با توجه به بازدیدهایتان از کلاس‌های معلمان فیزیک، بفرمایید با چه مسائلی چالش‌برانگیزی مواجه بوده‌اید؟

در بازدیدهای زیادی مشاهده کردم که به بخش آزمایشگاه و امکانات آزمایشگاهی بی‌توجهی شده و این بخش خیلی مغفول واقع شده است. بعد از تغییرات نظام آموزشی، بسیاری از مدرسه‌ها رشته‌های تجربی و ریاضی را از دست دادند و مدرسه‌هایی هم به خاطر موقعیتشان رشته‌های تجربی و ریاضی را به دست آوردند. اما مسئله اینجاست که متأسفانه هنوز وسایل آزمایشگاهی آن دسته از مدرسه‌هایی که دیگر رشته‌های آزمایشگاهی ندارند، فقط به خاطر امضای اداری، در آنجا بی‌استفاده مانده‌اند؛ وسایلی که می‌توانند به سایر مدرسه‌هایی که ظرفیت و امکان استفاده از وسایل آزمایشگاهی را دارند انتقال یابند. همچنین، در بسیاری از بازدیدها می‌دیدیم هنوز وسایل آزمایشگاهی مدرسه دست‌نخورده در کمدها مانده‌اند و اصلاً باز نشده‌اند که استفاده شوند. در دوران دانشجویی، در کتاب «مدیریت ژاپنی» خواندم، از دلایل موفقیت ژاپنی‌ها این است که هر مهره را به‌خوبی سرجایش قرار می‌دهند و می‌پیچانند و آن را خوب انتخاب می‌کنند. ما باید وسایل را سرجای مناسبشان قرار دهیم و برای استفاده در اختیار دانش‌آموزان بگذاریم.





دانش آموز عمل می‌کنم.

### به نظر تان بهتر است با چه روشی از معلمها قدر دانی کنیم؟

متأسفانه قدر دانی‌های ما ناپختگی دارند. پشتش علم نخواهید است. نمی‌توانیم منکر این شویم که بخشی از قدر دانی‌ها باید مالی باشند. اما در کنار آن پیشنهاد می‌کنم با انجام خودارزیابی استاندارد از معلمان، مناسب‌ترین روش برای قدر دانی از آنان انتخاب شود. با انجام خودارزیابی مشخص شود این فرد چه نوع تشویقی را می‌پذیرد.

### برای انتخاب روش مناسب آموزش در دوران پسا کرونا چه پیشنهادی دارید؟

ما چند تجربه تلخ داریم. یکی اینکه وقتی به ما گچ و تخته می‌دادند، با همین ابزارها درس می‌دادیم و خودمان را از دستگاه رایانه و کارایی آن و فناوری‌های جدید بی‌نیاز می‌دانستیم. با آمدن کرونا به این سمت رفتیم که با ابزار و روش‌های جدید کار کنیم. همکاران محتوای زیادی تولید کردند و توانستند در این زمینه رشد کنند. اما تجربه تلخ دیگر این است که دوباره به معلم می‌گویند نباید آموزش مجازی داشته باشی. فقط باید در کلاس حضوری حاضر باشی. یعنی تلاش می‌کنند معلم را دوباره در همان قالب قبلی بگذارند. در حالی که باید بتوانیم آموزش‌های مجازی و حضوری را در کنار هم حفظ کنیم تا هم از علم جدید غافل نمانیم و هم روش‌های حضوری قبلی را که بهره‌های خوبی دارند، دور نریزیم و از آن‌ها استفاده کنیم.

دنیا تغییر کرده و قفل‌ها عوض شده‌اند. دیگر کلیدهای قبلی به قفل‌های جدید نمی‌خورند تا آن‌ها را باز کنند. لازم است دست‌اندرکاران برنامه‌ریز در آموزش و پرورش دریافت روش‌های جدید آموزشی را به‌عنوان گامی مثبت ببینند و امکان استفاده از فرصت‌های روز فناوری‌های آموزشی را برای همکاران فراهم کنند.

### در آخر بفرمایید چه صحبتی با معلمان مخاطب مجله دارید؟

همکاران درس‌های تخصصی و علوم پایه سعی کنند حتماً درس‌های علوم تربیتی را یاد بگیرند. به روحیات دانش آموز هم توجه داشته باشند. رابطه‌های طولی و عرضی محتوای کتاب‌های درسی را بررسی کنند و با توجه به آن‌ها برای تدریس خود برنامه‌ریزی کنند. معلمان تا جایی که امکان دارد، مطالعه کنند، مطالعه کنند و مطالعه کنند. مطالعه می‌تواند معلم را خیلی خوب سر کلاس نگه دارد.

### اگر به گذشته برگردید، باز هم معلمی را انتخاب می‌کنید؟

در سال‌هایی که معلم بودم، فرصت‌های زیادی در زندگی‌ام پیش آمد که می‌توانست مسیرم را عوض کند تا دیگر در ادامه معلم نباشم. اما من از معلمی راضی بودم و شاید بهترین اتفاق برای من، معلمی بود. اما اگر به گذشته برگردم، سعی می‌کنم در کنار شغل معلمی علم اقتصاد را هم یاد بگیرم تا تغییری در اندیشه و رفتارم نداشته باشم. فکر می‌کنم بزرگ‌ترین ضعف من در معلمی، نداشتن اندیشه اقتصادی بود. در دنیایی که امروز در آن زندگی می‌کنیم، استفاده از فرصت‌های مالی است که ما را جلو می‌برد، نه زیادی پول.

### چگونه از فناوری‌های جدید برای غنی‌سازی تدریستان بهره‌می‌برید؟

متأسفانه نرم‌افزاری که بتواند همه مفاهیم فیزیک را پوشش بدهد نداریم. من با ترکیب چند نرم‌افزار، برای مفاهیم درسی محتوا تولید می‌کنم. در دوره ضمن خدمت معلمان نیز قبل از اینکه همکاران کارهای آزمایشگاهی‌شان را انجام دهند، نتیجه آنچه را قرار بود از این آزمایش به دست آید، با فناوری‌های جدید به آن‌ها نمایش می‌دادم. همکاران قبل از اینکه آزمایش کنند، آرمان (ایده) در ذهنشان شکل می‌گرفت و بعد از آزمایش، به کمک نرم‌افزار خروجی می‌گرفتند و خطاها مشخص می‌شدند. همچنین، از وبگاه‌های خارجی مفید در ضمن تدریس در کلاس درس استفاده می‌کنم. وقتی در همان زمان که هنوز کرونا نیامده بودم، از روش‌های نوین آموزشی در کلاس استفاده می‌کردم، با مشکلات زیادی روبه‌رو بودم. مدیر و بعضی از اولیا اعتراض می‌کردند چرا از رایانه استفاده می‌شود و از جزوه کمتر؟ در صورتی که من جزوه هم در کنارش می‌دادم. در همین باره مقاله‌ای با عنوان «آموزش مفهومی در بستر فناوری؛ از رویا تا واقعیت» نوشتم که در سال ۱۳۹۲ در رشد آموزش فیزیک چاپ شد. این مقاله برمی‌گشت به کاری که من در تدریس انجام داده بودم. تدریس با روش‌های نوین آموزشی، از جمله روش‌های مشارکتی و روش‌های مبتنی بر کار تیمی سخت است و با فرهنگ جامعه ما هم‌خوانی ندارد. این مسئله را باید حل کرد.

### دانش‌آموزان و اولیا شما را چگونه توصیف می‌کنند؟

مرا به‌عنوان معلمی سخت‌گیر می‌شناسند، چرا که در اصولی که بچه‌ها باید یاد بگیرند، انعطاف نشان نمی‌دهم و به مصلحت



# سواد مالی

مینا خدایناه

دکترای برنامه‌ریزی درسی

## ۲. بازی بازکردن حساب بانکی

در کلاس درس، فرایند بازکردن حساب بانکی را به صورت بازی و نمایش آموزش دهید. از دانش‌آموزان بخواهید با والدین خود به بانک بروند و از نزدیک با فرایند بازکردن حساب بانکی آشنا شوند. در صورت امکان یک حساب بانکی هم باز کنند.

## ۳. فعالیت کیف پول یا قلک

برای انجام این فعالیت باید به هر دانش‌آموز کیف پول یا قلکی اختصاص داده شود. در گام بعد، اول باید مشخص کنید دانش‌آموزان در ازای چه کارهایی، چه مقدار پول یا ژتون دریافت می‌کنند. در پایان کلاس یا پایان هفته به آن‌ها پول یا بهامهر (ژتون)‌هایی به‌عنوان پول پرداخت کنیم. پرداخت پول یا بهامهرها باید با قابلیت معاوضه یا خرید کالا یا خدمات همراه باشد؛ به این صورت که در ازای جمع‌آوری مقدار مشخصی از آن‌ها در طول هفته یا ماه، دانش‌آموزان بتوانند آن‌ها را با کالاها یا خدمات مشخص در کلاس معاوضه کنند. از این طریق می‌توانیم به دانش‌آموزان بیاموزیم که میزان درآمد رابطه مستقیمی با میزان تلاششان دارد. این نظام پاداش برای رفتار خوب، افزون بر کمک به مدیریت کلاس درس و تشویق دانش‌آموزان، به آن‌ها کمک می‌کند اهداف مالی کوتاه‌مدت خود را تعیین کنند و در عین حال یاد بگیرند چگونه پس‌انداز کنند و برای چیزهایی که ارزش دارند خرج کنند. می‌توانید از پول بازی استفاده کنید و در کلاس درس

تلفیق برنامه آموزش سواد مالی با سایر مباحث و فعالیت‌های آموزشی مدرسه این مزیت را دارد که برای دانش‌آموزان امکان یادگیری تجربی مباحث مالی را فراهم می‌کند و از بار سایر اجزای اجباری برنامه درسی می‌کاهد. در رویکرد تلفیقی، به جای اینکه مباحث آموزشی جایگزین مطالب دیگر شوند، کامل‌کننده دوره‌های دیگر می‌شوند و برای دانش‌آموزان جوان راهی برای تمرین مهارت‌های مالی و مفاهیم اقتصادی کاربردی را فراهم می‌کنند. ارائه تجربه‌های تلفیقی برای دانش‌آموزان از پایه‌های ابتدایی تا متوسطه ممکن است نویدبخش راهبردی انعطاف‌پذیر باشد که می‌تواند در توسعه و تمرین توانایی‌های مالی، همچنان به دانش‌آموزان کمک کند. دانش‌آموزی که طی چندین سال ترکیبی از یادگیری تجربی و کلاسی را تجربه می‌کند، ممکن است در بزرگسالی دانش مالی قوی‌تر و همچنین توانایی مالی بیشتری داشته باشد (بتی، کالینز، اروک و اودرز-وایت، ۲۰۲۰). برای تلفیق مباحث مالی در کلاس علوم اجتماعی دوره ابتدایی روش‌ها و فعالیت‌هایی به‌عنوان نمونه پیشنهاد می‌شوند:

## ۱. فعالیت بانکی پایه

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند مؤسسات مالی و بانکی قرار است پول ما را ایمن نگه دارند و به ما کمک کنند پس‌انداز کنیم. هدف، هزینه و مزایای قراردادن پول در بانک را برای دانش‌آموزان خود توضیح دهید. بسته به سن دانش‌آموزان، این کار را با توجه به اعداد و تراکنش‌هایی که دانش‌آموزان محاسبه می‌کنند، تا حد لازم چالش برانگیز کنید.



قفسه‌ای از کالاها با قیمت مشخص فراهم کنید.

#### ۴. تصمیمات بودجه‌بندی

از دانش‌آموزان بخواهید فهرستی از خواسته‌ها را با استفاده از روش بارش مغزی برشمارند و سپس مثال‌هایی از کالاها، خدمات یا فعالیت‌هایی را که می‌توانند برای برآوردن این خواسته‌ها تهیه کنند یا انجام دهند شناسایی کنند. بودجه‌ای برای مجموعه مقادیری از درآمد ناشی از پول توجیبی طراحی کنند که شامل مخارج (خرید کالا و خدمات) و پس‌اندازها باشد.

#### ۵. بازی بازار مواد غذایی

برای ایجاد فروشگاه کلاس درس خود، از هر دانش‌آموز بخواهید یک قلم از اقلام خواربار فروشی را به کلاس بیاورد. قفسه‌های مختلفی را با توجه به نوع کالا و قیمت برچسب‌گذاری کنید. از دانش‌آموزان بخواهید همه موارد را مرتب کنند و در مورد بودجه و فروش صحبت کنند تا دانش بهتری از پس‌انداز به دست آورند.

#### ۶. محاسبه پول در دنیای واقعی

دانش‌آموزان خود را با این تکلیف به خانه بفرستید که با والدین خود به خرید بروند و آنچه را خریده‌اند و قیمت کل را در پایان ثبت کنند. سپس از آن‌ها بخواهید در کلاس شرکت کنند و در مورد قیمت‌ها و محصولات بحث آزاد داشته باشند.

#### ۷. بررسی قیمت‌ها و خرید مقایسه‌ای

مفهوم اصلی درسی که باید بر آن تأکید کرد این است که قبل از خرید چیزی، مقایسه قیمت انجام دهند. این کار می‌تواند به این معنا باشد که فروشگاه‌های دیگر را به‌شخصه بررسی کنند یا محصول را به صورت برخط جست‌وجو کنند و ببینند آیا آن‌ها می‌توانند آنچه را می‌خواهند با قیمت ارزان‌تری پیدا کنند؟ بنابراین، از دانش‌آموزان خود بخواهید آگهی‌های خرید و وبگاه‌ها را بررسی کنند و قیمت کالاها را مقایسه کنند. این کار را می‌توانند با مراجعه به مغازه‌ها و فروشگاه‌ها به‌صورت تجربی انجام دهند تا یاد بگیرند پس از کسب اطلاعات کافی و تحلیل آن‌ها تصمیم بگیرند و درک کنند خرید در اولین دید و اولین مغازه با اصل تصمیم‌گیری آگاهانه در تضاد است.

#### ۸. مهارت پس‌انداز کردن

تفاوت بین پس‌انداز و خرج کردن را توضیح دهند و مثال‌هایی از هر کدام ارائه دهند. مزیت‌های پس‌انداز را شرح دهند. یک هدف پس‌انداز را انتخاب کنند و گام‌هایی را که برای رسیدن به آن هدف طی می‌شود شناسایی کنند.

#### ۹. قرض‌دادن پول

در مورد قرض‌دادن و وام‌گرفتن توضیح دهید. از دانش‌آموزان بپرسید قبلاً چیزی قرض داده یا قرض گرفته‌اند؟ چه چیزی قرض گرفته‌اند یا قرض داده‌اند؟ در مورد این موضوع بحث کنید که چه چیزی کسی را به وام‌گیرنده‌ای خوب یا بد تبدیل می‌کند.

#### ۱۰. تمرین فعالیت با دستگاه‌های خودپرداز

این روزها اکثر مردم از دستگاه‌های خودپرداز برای برداشت پول نقد استفاده می‌کنند. بنابراین، بهتر است نحوه استفاده از آن را به دانش‌آموزان بیاموزید. دستگاه‌های خودپرداز اسباب‌بازی طراحی کنید که می‌توانید با آن‌ها تمرین کنید دانش‌آموزان بدانند هنگام کار با دستگاه‌های خودپرداز واقعی چه کاری باید انجام دهند.

#### ۱۱. پوستر کلاس برنامه‌ریزی شغلی

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند معمولاً شغل ما چیزی است که به منابع مالی ما کمک و امکان کسب پول را برای ما فراهم می‌کند. بنابراین، دانش‌آموزان خود را تشویق کنید در مورد شغل مورد علاقه خود فکر کنند، فهرستی از انواع شغل‌ها تشکیل دهند و مهارت‌های مرتبط با هر شغل را شرح دهند. به آن‌ها یک جزوه با سؤالات راهنما بدهید تا چارچوبی برای تصورات شغلی آینده برایشان فراهم شود.

#### ۱۲. درک خواسته و نیاز

در مورد تفاوت خواسته و نیاز برای دانش‌آموزان توضیح دهید و در کلاس بحث کنید. برای اینکه دانش‌آموزان تفاوت خواسته و نیاز را بهتر درک کنند، نمونه‌ای از جدول زیر را در کلاس به بحث بگذارید:

جدول مقایسه‌ای خواسته و نیاز	
خواسته	نیاز
خوردن غذای فوری (فست‌فود)	آب سالم
نوشیدن نوشابه همراه غذا	هوای سالم
تماشای چند فیلم جدید در هفته	غذای کافی
داشتن اسباب‌بازی ویژه	تحصیل

#### منابع

۱. آقازاده، محرم (۱۳۹۴). سواد مالی برای کودکان. مرآت، تهران.
۲. پیغامی، عادل؛ مرادی باصیری، امین؛ طغیانی، مهدی (۱۳۹۵). سواد مالی، الگویی برای مالی شخصی و خانوادگی. دانشگاه امام صادق (ع). تهران.
3. Batty, M., Collins, J. M., O'Rourke, C., & Odders-White, E. (2020). Experiential financial education: A field study of my classroom economy in elementary schools. *Economics of Education Review*, 102014.

مهدی فرج‌اللهی

## اسماعیل امینی



عبارت‌اند از:

«خندمین تر افسانه»، «لبخند سعدی»، «لبخند غیر مجاز»، «جلسه شعر»، «نشر اکاذیب»، «دکتر بازی»، «دل‌فک و شاعر دربار»، «عمو زورگیر»، «لبخند بر لب شعر»، «بوستان بی‌درخت»، «بیر در کوزه»، «خنده باکلاس»، «جلسه طنز»، «بوستان بی‌درخت»، «به زبان فارسی»، «وزن شعر بیاموزیم» و «قافیه بیاموزیم».

## درباره طنز و ادبیات

امینی معتقد است که طنز از هر نظر جدی است، هم از نظر اهداف و هم از نظر روش‌ها و شگردهای طنز نویسی. طنز نگران سرنوشت انسان است. ادبیات از زندگی و انسان سخن می‌گوید. سیاست نیز بخشی از زندگی انسان است. بنابراین، در آثار ادبی نیز اندیشه‌ها و رخدادها سیاسی بازتاب دارند. اهل سیاست می‌کوشند ادبیات را خادم سیاست کنند و اهل ادبیات می‌کوشند که سیاست را خادم انسان کنند.

## معلمی باسواد و صبور

اسماعیل امینی یکی از بهترین استادان و معلمانی است که می‌شناسم. شاعران، نویسندگان و طنزپردازان بسیاری در محضر ایشان آموخته‌اند. تسلط، بیان روان و دقیق، مهربانی و دلسوزی از جمله ویژگی‌هایی هستند که هر کسی را همچون من شیفته استاد امینی می‌کند. برای ایشان آرزوی سلامتی و موفقیت‌های روزافزون دارم.

## شاعری و طنز نویسی از دوران مدرسه

اسماعیل امینی ۱۸ دی ۱۳۴۲ در تهران به دنیا آمده است. اصالتاً اهل خلخال است. سرایش شعر را از نوجوانی و دوران مدرسه آغاز کرده است و به دو زبان فارسی و ترکی شعر می‌سراید. امینی با مطالعه کتاب‌ها و مجله‌ها با دنیای طنز آشنا شد. اواسط دهه پنجاه که دوازده ساله بود، نشریه‌ای دست‌نویس برای بچه‌های فامیل تهیه می‌کرد که بیشتر مطالب آن طنز بودند. در دوره متوسطه، بر خلاف میل باطنی، رشته برق را انتخاب کرد، اما به دلیل علاقه زیادی که به ادبیات داشت، در همان دوران برای نشریات طنز مطلب و شعر طنز می‌فرستاد.

## آثار و فعالیت‌ها

اسماعیل امینی در دوره دکتری از رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شده و مدرک درجه یک هنری را در رشته شعر از شورای عالی ارزشیابی هنرمندان دریافت کرده است. در دانشگاه به تدریس مشغول است و داوری و کارشناسی جشنواره‌های معتبر ادبی و فرهنگی را در سابقه خود دارد. سال‌های سال است که برای مطبوعات شعر، داستان و مقاله می‌نویسد که هفته‌نامه، ماهنامه و سالنامه گل آقا از آن جمله است. در نوشته‌هایش هم اثر طنز وجود دارد و هم غیر طنز. به آموزش و پژوهش توجه ویژه‌ای دارد و آثار ارجمندی در این زمینه نوشته است. از دکتر امینی آثار متعددی منتشر شده‌اند که برخی از آن‌ها



# زندگی عارف

آیدا پارس‌پور

عارف قزوینی در سال ۱۲۵۹ در قزوین به دنیا آمد. در جوانی زبان‌های فارسی و عربی را به‌طور کامل یاد گرفت و به ادبیات و شعر علاقه زیادی نشان داد. او در زمینه موسیقی شاگرد **میرزا صادق خرازی** بود. مدتی نیز به دلیل اصرارهای پدرش، **ملا هادی وکیل**، پیش یکی از واعظان قزوین نوحه‌خوانی می‌کرد. سپس به تهران مهاجرت کرد و به دلیل نبوغ فوق‌العاده‌ای که در زمینه شعر و موسیقی داشت، به‌سرعت وارد دربار قاجار شد و با شاهزادگان قاجار آشنایی پیدا کرد.

زمانی که زمزمه‌های اولیه مشروطه در ایران شروع شد، عارف قزوینی تنها ۲۳ سال داشت. او با غزل‌هایی که سروده بود، به موفقیت انقلاب مشروطه کمک زیادی کرد. عارف در آن زمان زبان مشترک فریادهای آزادی‌خواهی مردم ایران و روشن‌فکران ترقی‌خواه بود. درخشان‌ترین آثار عارف قزوینی مربوط به دوران مشروطه‌اند. تصنیف مشهور «از خون جوانان وطن لاله دمیده» را به‌دنبال فتح تهران توسط مشروطه‌خواهان ساخت. این تصنیف از آن زمان تا به امروز ماندگار شده است.

عارف قزوینی از اولین افرادی است که دو عنصر شعر و موسیقی را با مضمون‌های اجتماعی ترکیب کرد. با این کار در ارائه افکار و نگرش خود در مسائل سیاسی در قالب‌های هنری می‌کوشید. آنچه تصنیف‌های عارف قزوینی را متمایز می‌کند آن است که شاعر، خواننده و آهنگساز تصنیف‌ها خودش بوده و عناصر میهن‌دوستی به‌وضوح در آن‌ها دیده می‌شوند.

عارف قزوینی در دوم بهمن ۱۳۱۲ رخ در نقاب خاک کشید و در جوار آرامگاه **ابوعلی سینا** به خاک سپرده شد. مقبره این شاعر نامی در حیاط جلویی آرامگاه قرار گرفته است.

کلیات دیوان عارف قزوینی شامل غزل‌ها و تصنیف‌های اوست که انتشارات متعددی آن را به چاپ رسانده‌اند.

## غزل

به غیر عشق نشان از جهان نخواهد ماند  
بماند عشق ولیکن جهان نخواهد ماند  
خزان عمر من آمد بهار عمر تو شد  
بهار عمر تو هم ای جوان نخواهد ماند  
به زیر سایه دیوار نیستی است  
سرم رهین منت هفت آسمان نخواهد ماند  
بدان که مملکت داریوش و کشور جم  
به دست فتنه بیگانگان نخواهد ماند  
به رنجبر ببر از من پیام کز اشرف  
دگر به دوش تو بار گران نخواهد ماند  
به کار باش، مده وقت را ز کف من بعد  
مجال و وقت به عاجز کشان نخواهد ماند  
گدای کوی خرابات را بشارت ده  
هم عن قریب شه کامران نخواهد ماند  
بماند از پس سی قرن عدل مزدک لیک  
به غیر ظلم ز نوشیروان نخواهد ماند  
بگو به عارف بی‌خانمان خانه‌به‌دوش  
که جز خدا و تو کس لامکان نخواهد ماند

# زنگ اول: مسئله‌یابی

امیرحسین خانی زارع  
دبیر نگارش و ادبیات فارسی

همه چیز از روز اول حضورم در کلاس ادبیات مدرسه منجی آغاز شد؛ اولین تجربه معلمی ادبیات در دوره اول متوسطه. از بچه‌ها پرسیدم: «بین شما کسی هست که از ادبیات فارسی بدش بیاید؟»

همه ما در دوران تحصیل به‌دلایلی از برخی درس‌ها خوشمان نمی‌آید. گاهی داشتن معلمی با اخلاقیات خاص یا روش تدریسی نامطلوب یا تجربه‌ای ناخوشایند در میان دوستان یا خانواده در فرایند یادگیری، تا مدت‌ها احساس ما به آن درس را تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد.

دانش‌آموزانم ابتدا با تردید به پرسش‌م نگاه کردند. شاید فکر می‌کردند جواب‌دادن به سؤال‌م، در طول سال برایشان تبعاتی داشته باشد. بنابراین، خودم اولین چراغ را روشن کردم: همه شما از اینکه باید زندگی‌نامه شعرا و نویسندگان معرفی شده در آخر کتاب را حفظ کنید، خوشتان می‌آید؟ کم‌کم دست‌ها بالا آمدند. برخی‌ها سال قبل، برای ندانستن زندگی سعدی و حافظ، بارها جریمه شده بودند و معلم گفته بود ده بار باید از روی معرفی آن‌ها در انتهای کتاب بنویسند. بعضی می‌گفتند چرا ما در زبان فارسی سه نوع حرف برای یک‌صدا داریم که حالا باید همه را در املا حفظ کنیم؟! و درست



یا غلط، معتقد بودند از این نظر زبان انگلیسی خیلی بهتر است! کم‌کم بحث شعر حفظی هم پیش کشیده شد. دانش‌آموزان می‌گفتند خیلی از شعرهای سال‌های گذشته را الان به خاطر ندارند و فرایند حفظ کردن شعر و ارائه آن به معلم را بیهوده می‌دانستند. این اولین مواجهه من با واقعیت شاگردانم بود. می‌توانستم با اعمال قدرت و گفتن «همین که هست» کارم را شروع کنم و به‌زور نمره و ترس از گزارش نمرات به والدین، آن‌ها را در طول سال به‌دنبال خودم بکشم؛ اما این فقط پاک کردن صورت مسئله بود.

## ک درک معلم از جایگاهش، اولین قدم در حل مسئله

هر طراحی آموزشی اگر به موضوع انتخابگری دانش‌آموز بی‌توجه باشد، در عمل از مسیر اصلی خودش خارج شده است، چرا که فرایند خودانگیزشی انسان‌ها و «شوق» فراگرفتن، به قدرت انتخاب، ولو محدود، ارتباط بسیار دارد. اینکه با اعمال اهرم‌های قدرت، بچه‌ها را به سمت کارهایی که خودت دوست داری بکشی، شاید آسان‌ترین راه ممکن است که ما غالباً به‌سمتش می‌رویم. اگر معلمی را شغل انبیا می‌دانیم، پس کار اصلی معلم این است که به زبان و خواست مخاطب خودش با آن‌ها سخن بگوید؛ نه اینکه بدون هیچ انعطافی، روش همیشگی یا طراحی شده‌اش را پیش بگیرد و انتظار داشته باشد دانش‌آموزان آن‌طور رفتار کنند که من دلم می‌خواهد. در ته دلش هم بگوید من از خود این بچه بهتر می‌دانم چه چیزی برایش بهتر است و او عقلش نمی‌رسد. یا اگر نتیجه این کار را نظم می‌دانید، باید بگویم، شما در این حالت مثل عملکرد یک پادگان، در بهترین حالت بین اجزای کلاس هماهنگی ایجاد کرده‌اید، نه نظم. آنچه در ارتش و نیروهای مسلح هم می‌بینیم، هماهنگی است. نظم عاملی درونی و وابسته به انتخاب است. زمانی می‌توانیم به فرمان‌های نظامی نظم بگوییم که بدون حضور فرمانده یا تنبیه ارشد پادگان، باز هم رعایت شوند. آیا ما شهروندی را که از ترس پلیس و جریمه‌اش قانون را رعایت می‌کند، فردی منضبط می‌دانیم؟

## ک ادبیات درس حکمت‌ها و زیبایی‌هاست، نه نمایش قدرت حافظه

با توجه به سن مخاطبانم، در اولین قدم سعی کردم «حس» آن‌ها به ادبیات را ترمیم کنم. ما چیزی را یاد می‌گیریم و وارد دریاچه‌های بینش و نگرشمان می‌شود که با آن ارتباط حسی برقرار کرده باشیم. سعی کردم با رجوع به خاطرات خوش خودم در دوران تحصیل و معلمان موفقم، تا حد ممکن تدریس را به مطلوب بچه‌ها نزدیک کنم و از طرف دیگر، با هدف یادگیری ادبیات که هویت‌سازی و زیبایی‌شناسی و درک عمیق‌تر مفاهیم زندگی بشر است، زاویه پیدا نکنم. خیلی وقت‌ها هدف‌های آموزشی ما با فلسفه آن علم یا دانش هماهنگی ندارند. ادبیات علم مواجهه با مفاهیمی است که انسان با شهود و درک عمیق خودش از هستی به آن رسیده است. پس در شروع یادگیری باید به سمت هم‌درکی، هم‌حسی و هم‌نفسی با دنیای ادبیات رفت، نه شکل‌گیری آن که

یافتن تشبیه و ایهام و مراعات نظیر است. ادبیات برای رفع تشنگی ما در بیان مفاهیم ناب خلق شده است، نه اینکه صرفاً ابزاری برای نمایش قدرت حافظه دانش‌آموز باشد.

## ک طراحی از من، حل مسئله با دانش‌آموزان

به بچه‌ها گفتم، در پایان نیمسال، با رأی‌گیری خودتان، سه تن از شاعران و نویسندگان محبوب کتاب را انتخاب می‌کنیم. من زندگی‌نامه یکی از ایشان را از شما می‌پرسم. احساس می‌کردم با این روش بچه‌ها حداقل با زندگی کسی آشنا می‌شوند که قبلاً با او رابطه حسی برقرار کرده‌اند و به آن بی‌تفاوت نیستند.

برای امتحان گرفتن نظر آن‌ها را جویا می‌شدم و با مشورت درباره زمان و نحوه امتحان تصمیم می‌گرفتم. من بدون اجبار بچه‌ها را به دریای اشعار حافظ سوق می‌دادم و ترسشان را از شعرهای او می‌ریختم. به نظرم این فعالیت، نسبت به معنی کردن و تکلیف‌دادن از روی ابیات حافظ، شناخت بسیار قوی‌تری از او را فراهم می‌کرد.

یک بار بچه‌ها را به حیاط بردم تا با هم زو (کبیدی) بازی کنیم. پسرهای نوجوان عاشق این‌گونه زورآزمایی‌ها هستند. به آن‌ها گفتم، برای این بازی لازم نیست نفس در سینه حبس کنید. باید شعر بخوانید. اما اگر من من کنید یا خواندن شعر را قطع کنید یا غلط بخوانید، انگار نفستان تمام شده است. اسمش را گذاشتیم زوخوانی! کار بسیار سخت‌تر از شعر حفظی شده بود؛ به‌خصوص اینکه بعد از چندبار تکرار در سال تحصیلی، به بچه‌ها گفتم اجازه ندارید شعر تکراری بخوانید. حالا به لطف بازی‌وارشدن فرایند شعر حفظی، بچه‌ها خودشان دنبال حفظ کردن شعرهای بلند بودند تا بتوانند زمان بیشتری را در زمین حریف جولان بدهند و رقیبشان را شکست دهند.

خیلی وقت‌ها شعرهای کتاب را با آواز می‌خواندیم. می‌خواندیم و می‌خندیدیم. با حکایت‌های گلستان سعدی «ایمایش» (پانتومیم) بازی می‌کردیم. لغت‌های املائی را به‌صورت درست و اشتباه روی تخته‌ای یونولیتی با ابعاد ۱ متر در ۱ متر چسبانده بودیم و بچه‌ها در زمان تفریح باید با نشانگر خود، کلمات صحیح را هدف می‌گرفتند و امتیاز کسب می‌کردند. در واقع دنبال روش‌هایی بودم که کلاس ادبیات و فرایند یادگیری و مرور را لذت‌بخش و شیرین کنند.

این فعالیت‌ها و بیش از ۴۰ بازی طراحی‌شده برای آموزش ادبیات، به برپایی یک اردوی یک و نیم‌روزه با موضوع ادبیات منجر شد؛ اردویی که بنا به نظر برخی شاگردانم، یکی از عجیب‌ترین اردوهای زندگی‌شان بود. بچه‌ها حتی برای حضور در اردو هم اختیار محدود داشتند؛ به آن‌ها گفتم می‌توانید در اردو شرکت نکنید؛ آن‌وقت من هم مجبورم محتوای اردو را در آخر هفته به‌صورت امتحان کتبی از شما بپرسم. با اینکه موفقیت در فعالیت‌های اردو، همانند بازی زو که قبل از این شرح دادم، سخت‌تر از روند مرسوم کلاسی بود و بچه‌ها باید زحمت بیشتری می‌کشیدند، این پیشنهاد باعث شد همه به اردو بیایند! و البته میزان علاقه بچه‌ها به روش‌های مرسوم ارزیابی ادبیات هم عیان شد.





# جشن تولید محتوا

شهریار ابراهیمی

## اهداف جشنواره

۱. توسعه و تعمیق فرهنگ تولید محتوای الکترونیکی درسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایندهای یاددهی یادگیری.
۲. تولید و تأمین محتوای الکترونیکی چندرسانه‌ای و رمزینۀ پاسخ سریع، متناسب با نیاز دانش آموزان و معلمان و بارگذاری آثار واجد شرایط در کتاب‌های درسی.
۳. توانمندسازی مدرسه برای ایفای نقش اصلی و محوری در نیل به وضع مطلوب در تولید و بهره‌برداری از مواد و رسانه‌های یادگیری الکترونیکی.

## برگزیدگان جشنواره

در بخش معلمان، منیره تاجداری از استان سیستان و بلوچستان، علی اکبر تاجیک از استان گلستان، علی کارگری اراضی از استان اصفهان، علیرضا زرگری از استان فارس، هاجر هاشمی از استان اصفهان، نوید حاتمی از استان آذربایجان شرقی، یونس وصالی از استان همدان، مریم احمدپور از استان گیلان، غنچه پرویز از استان آذربایجان غربی، فرنوش گودرزی از استان لرستان، حسین بیات از استان قم و فاطمه قاسمی از استان فارس.

در بخش دانش آموزی، مریم ظفری از استان کهگیلویه و بویراحمد، شیمیا معصومی از استان اصفهان، تسنیم کاظمیان از استان اصفهان، فاطمه امیری نژاد از استان فارس، علیرضا محمدی از شهرستان‌های استان تهران، طاهره ملت از استان خراسان رضوی، مونا آتش پور از استان فارس، فاطمه دولتی از شهر تهران و آرتا بیات پور از استان فارس.

در بخش هنرجویان، لعیما مقیمی از استان خراسان رضوی و

## اشاره

یکی از جهت‌گیری‌های اسناد تحولی آموزش و پرورش، بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی است. بر همین مبنا، جشنواره ملی تولید محتوای الکترونیکی رشد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای علمی، آموزشی و تربیتی کشور، با هدف ایجاد بستر و زمینه نقش‌آفرینی همه طرفیت‌های کشور، به‌ویژه سرمایه‌های ارزشمند معلمان و دانش‌آموزان، و با مشارکت و حمایت معاونت‌های آموزشی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش طراحی شده است.

دهمین دوره این جشنواره روز چهارشنبه یکم تیرماه ۱۴۰۱ در مجتمع فرهنگی اردوگاهی شهید باهنر تهران برگزار شد. شایان ذکر است، در این دوره بیش از ۱۱۳۷۲ اثر تولیدی در موضوعات و قالب‌های متنوع به دبیرخانه جشنواره رسیده‌اند.





## ● نکات کلیدی سخنرانی‌های جشنواره

**دکتر اصغر باقرزاده**، معاون پرورشی و فرهنگی وزیر آموزش و پرورش، ضمن ابراز خرسندی از حضور والدین، معلمان و دانش‌آموزان در مراسم اختتامیه گفت: «اگر تربیت را شامل آموزش و پرورش بدانیم، هر اقدامی که در حوزه تربیت انجام شود، باید شامل حال دو حوزه آموزش و پرورش باشد. قالب‌های مرسوم در شاخه‌های گوناگون رشته‌ها می‌توانند به بسته‌های جدید محتوایی تبدیل شوند. ما می‌توانیم برای جشنواره‌های بعدی تولید محتوای الکترونیکی، موضوعات را به سازمان پژوهش اعلام کنیم و کار را به صورت اشتراکی انجام بدهیم.

برای شناساندن موضوع غدیر به کودکان و نوجوانان، گروهی از من خواستند اردوگاهی در اختیارشان قرار بدهم. آن اردوگاه به ماشین زمان تبدیل شد. وقتی بچه‌ها به اردوگاه وارد می‌شوند، در بخش پذیرش، لباس‌ها و وسایل دوره زندگی امیرالمؤمنین علی (ع) را می‌پوشند و نقشی تحویل می‌گیرند و با کمک مربیان فیلم‌نامه‌ای را بازی می‌کنند. این ایده می‌تواند با استفاده از روش‌های فناورانه تقویت شود.

**محمد مهدی کاظمی**، معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش، تولید منابع آموزشی را مهم برشمرد. او گفت: «ضمن اینکه در دنیای کنونی، به دلیل پیشرفت در فناوری و در زیست‌بوم جدید رسانه و عصر فناوری، موضوع واقعیت مجازی و واقعیت افزوده، متاورس و فناوری‌های جدید، به خصوص در عرصه تولید محتوا، مطرح هستند، توجه به موضوع تولید محتوای آموزشی ضرورت دارد. طبیعی است سازمان پژوهش به تنهایی نمی‌تواند انجام این کار را بر عهده بگیرد و باید از بخش‌های گوناگون کمک بگیرد. تأکید دارم، در این عرصه باید از ظرفیت مردم برای اشاعه بیشتر موضوع استفاده کنیم. این جشنواره هم مصداقی از این موضوع است که بخش‌های متعدد، مؤسسات غیردولتی، دانش‌آموزان و معلمان را به کار گرفته است. از نگاه یک معلم که سر کلاس درس حضور دارد، این محتوا ارزشمند است. آن‌ها اهمیت و ضرورت این موضوع را بیشتر درک می‌کنند. یکی از بحث‌های دیگری که در تولید محتوای الکترونیکی مهم است، توجه به اصل عدالت آموزشی است. تولید محتوای الکترونیکی می‌تواند بستری برای توسعه بیشتر عدالت آموزشی فراهم کند.»

زهراسادات میرلوحی از استان اصفهان، در بخش مؤسسات و شرکت‌ها، محمدحسین برقی و امیرحسین مؤذن از شهر تهران، در بخش دانش‌جو معلمان، دنیا رستگار از شهر تهران، شهره مرادی از استان زنجان و زهرا کرمی از شهر تهران، در بخش هنرآموزان، ادریس ارمغانی از شهر تهران، گلناز خواهان از استان فارس، آذر یوسفی مرند از شهر تهران.

## ● نکات کلیدی سخنرانی‌های جشنواره

**محمد صالح مذنبی**، مدیر کل دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، جشنواره‌های رشد را ظرفیتی برای بروز و ظهور خلاقیت‌های معلمان، مربیان، هنرآموزان، دانش‌جو معلمان و دانش‌آموزان، مجموعه مؤسسات و نهادهای دولتی و بخش خصوصی، به‌ویژه ظرفیت‌های مردمی، به‌منظور نقش‌آفرینی در میدان تعلیم و تربیت کشور و فرصتی برای هم‌افزایی همه فعالان عرصه تعلیم و تربیت برای شناسایی و آشنایی با یکدیگر برشمرد. او ضرورت حمایت و پشتیبانی از تولیدکنندگان آثار را برای فراهم کردن بهترین محصولات برای نسل امروز یادآور شد.

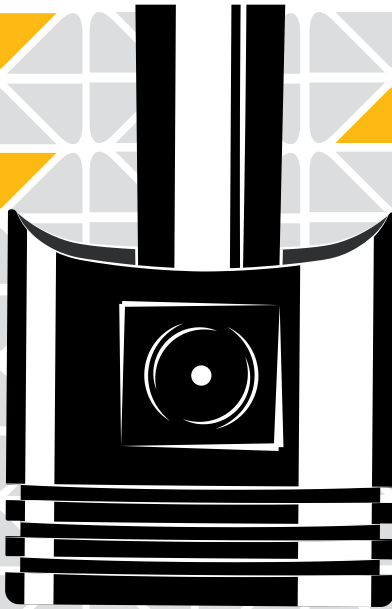
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر **علی لطیفی**، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ضمن تقدیر و تشکر از همه شرکت‌کنندگان در دهمین جشنواره تولید محتوای الکترونیکی گفت: «طی بازدیدیم از برخی مدرسه‌ها، معلمان به من گفتند خودمان باور نداشتیم بتوانیم چنین محتوایی تولید کنیم. یکی از اتفاقات خوبی که در این جریان افتاد، بالا رفتن حس اعتماد به نفس بود که می‌توانیم در فضای تولید محتوا وارد شویم. امیدوارم این شرایط ادامه پیدا کند.

با فرصت‌های تولید محتوایی که در اختیار معلمان، مربیان و دانش‌آموزان قرار گرفت، با مجموعه بی‌ظنری از فرصت‌های آموزشی چندسویه مواجه شدیم که باید قدر آن‌ها را بدانیم. نکته دوم اینکه نباید به این جشنواره صرفاً به‌مثابه یک رویداد نگاه کنیم. کار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای ادامه این مسیر از همین روز اختتامیه جشنواره دهم شروع می‌شود. مشارکت در سطح ستاد به‌طور جدی پیگیری و مسیر همکاری مشارکت‌کنندگان با مجموعه آموزش و پرورش تقویت و طراحی خواهد شد.



# از کج دستی تا مکانیکی

محبوبه امینی بازیانی  
فوق‌لیسانس علوم سیاسی،  
آموزش و پرورش ناحیه ۲ کرمانشاه



تلخ‌ترین و شیرین‌ترین خاطره من برمی‌گردد به سال ۱۳۹۳ که در یک دبستان پسرانه در پایه چهارم با تعداد ۳۸ دانش‌آموز تدریس داشتم. مدرسه طبری در یک منطقه واقع شده بود که وضعیت مالی اکثر خانواده‌هایش متوسط و ضعیف بود. به‌ندرت دانش‌آموز ثروتمندی در این مدرسه پیدا می‌شد. قضیه از این قرار بود که دانش‌آموزان من هر روز شاکمی بودند یک نفر از دوستان خوراکی‌های آن‌ها را برمی‌دارد. من هم نمی‌توانستم ندیده کسی را متهم کنم. به بچه‌ها می‌گفتم: «بچه‌ها صبور باشید. شاید کسی احتیاج داشته یا گرسنه بوده است. خود دوست شما که خوراکی را برداشته است، الان از کارش پشیمان است.»

این جوری می‌گفتم تا اگر دزد در کلاس بود، خودش متوجه اشتباهش بشود و دست از این کار بردارد. یک روز از بچه‌ها امتحان جغرافی گرفته بودم. زنگ تفریح پایین نرفتم. نشستم داخل کلاس تا برگه‌ها را تصحیح کنم. مشغول کار بودم. دیدم افشین سراسیمه وارد کلاس شد. تا مرا دید، گفت: «آدم لیوانم را بردارم.»

سرم در برگه‌ها بود. یک لحظه سر بلند کردم، متوجه شدم افشین از ردیف آخر آمد پایین، در حالی که جای او ردیف دوم سمت چپ بود. بدو بیرون رفت. من هم به کار ادامه دادم و چندان توجه نکردم. دو روز بعد، در انتهای سالن، با همکارم حرف می‌زدم که دیدم افشین وارد کلاس شد. مرا ندید. آرام رفتم از پنجره کوچک روی در نگاه کردم. دیدم افشین رفت سراغ کیف حسین یعقوبی، پسر تپل چاقی که پدرش فروشگاه داشت و همیشه در کیفش خوراکی پیدا می‌شد. بیسکویت پتی‌بوری از کیفش برداشت و گذاشت داخل کاپشنش. من هم فوری، بدون اینکه افشین ببیند، رفتم به کلاس کناری.

بدو پایین رفت، زنگ خورد. بچه‌ها آمدند سر کلاس. دو سه دقیقه بعد دیدم داد حسین درآمد. خانم بیسکویت من نیست. من هم بدون اینکه مستقیم به افشین نگاه کنم، حرکات او را زیر نظر داشتم. رنگش پریده بود، ولی خودش را با وسایل داخل کیفش مشغول کرده بود. گفتم: «حسین جان، عزیزم، حتما دوست خیلی گرسنه بوده و آن را برداشته است و الان هم از این کارش پشیمان است. شما او را بخشش، او هم اگر در این جمع است، قول می‌دهد دیگر تکرار نکند.»

حسین آرام شد. در فکر این بودم که با افشین چه کار کنم. موضوع را با معاون پرورشی مدرسه، خانم رضایی، در میان گذاشتم. قرار شد افشین را به‌عنوان فروشنده در فروشگاه مدرسه به کار بگیرد و هر روز دو تا کیک به‌عنوان دستمزد به او بدهد.

افشین خیلی زرنگ بود و ریاضی‌اش در میان بچه‌ها بهترین بود. برای اینکه افشین بوبی نبرد، گفتم: افشین جان چون شما پسر خوبی هستی و ریاضیات خوب است، باید کمکمان کنی. او هم از خداخواسته قبول کرد. از آن روز، چون افشین سیر می‌شد، دیگر به سراغ خوراکی کسی نرفت. اما این کار ما مقطعی بود. مدرسه که تعطیل می‌شد، تکلیف چه بود؟

دو جلد دفتر و یک بسته مداد رنگی گرفتم و زنگ زدم مادر افشین تا بیاید مدرسه. آمد. به او گفتم، چون کمک ما کرده است، این جایزه‌اش است. بعد در مورد وضعیت مالی‌شان از مادرش سؤال کردم. گفت که پدر افشین سرطان دارد و چهار بچه قدونیم‌قد دارد که افشین بزرگ آن‌ها بود و اقوام و آشنایان به آن‌ها کمک می‌کنند. بسیار ناراحت شدم. توانستیم از بین همکاران مقداری پول جمع کنیم و به مادر افشین بدهیم، اما این کار دردی را دوا نمی‌کرد. واقعا نیازمند بودند و گرسنگی و فقر باعث به انحراف کشیده‌شدن و زدندی‌اش شده بود.

همیشه ناراحت افشین بودم. از اینکه نمی‌توانستم برایش کاری کنم، خیلی غمگین بودم. یک روز به مناسبت دهه فجر نمایشگاه دست‌سازه از کارهای بچه‌ها برگزار کردیم. دانش‌آموزان چیزهایی درست کرده بودند که همه با کمک والدین و پیش‌پا افتاده بودند. در وسایل چشمم به ماشین آهنی کوچکی افتاد که با لیبی و

آهن قراضه درست شده بود. پایینش باتری گذاشته بودند و راه می‌رفت. پرسیدم این مال کیست؟ افشین گفت: «مال من است.» گفتم، واقعا؟ گفت: «په جان پدرم خودم درست کرده‌ام.» راست می‌گفت. واقعا باهوش و بااستعداد بود. ماشین را گرفتم و بردم دفتر پیش مدیر مدرسه، خانم اکبری. او گفت: «واقعا زیباست. می‌فرستمش گروه‌های آموزشی.»

افشین خیلی خوش حال بود که کار او اول شد. یک روز زنگ آخر، همکارم هر کاری کرد ماشینش روشن نشد. من هم می‌خواستم با او بروم. چند نفر از بچه‌ها و افشین کنار ما بودند. افشین گفت: «خانم یک صندلی زیر پایم بگذارم، نگاهش می‌کنم. من هم فکر کردم ما را دست انداخته است. گفتم، پسر زنگ خورده است. اذیتمان نکن. برو خانه. خیلی اصرار کرد. برایش صندلی آوردیم. گفت، خانم جعفری شما استارت بزن. بعد از چند دقیقه ماشین روشن شد. از خوش حالی سر افشین را بوسیدم که چطور این کار را کرد!

در راه برگشتم، همه‌اش فقط به این کار افشین فکر می‌کردم. آدم منزل. موضوع را به برادرم که دبیر عربی است، گفتم. او هم گفت این پسر بااستعداد هست. چرا به آشنای خودمان که مکانیکی دارد، معرفی‌اش نمی‌کنی تا هم درس بخواند و هم شاگردی کند و پولی گیریش بیاید برای خرج خانواده. قرار شد بعد از مدرسه افشین را ببرم پیش او. صبح آن روز زنگ زدم به مادر افشین که بعد از مدرسه بیاید با هم برویم آنجا.

قرار شد افشین بعدازظهرها، از ساعت چهار تا هفت غروب، برود مکانیکی و قول بدهد درس‌هایش را بخواند که لطمه نبیند.

افشین با روزی ده هزار تومان کارش را شروع کرد. هر روز درسش را به خوبی می‌خواند و بعدازظهر هم می‌رفت کارگاه مکانیکی. کارش روزبه‌روز بهتر می‌شد. حقوقش را هم برایش زیاد کرده بودند. مادر افشین هم همیشه برای من دعا می‌کرد.

آن سال تحصیلی به خیروخوشی گذشت. من هم خیلی خوش حال بودم که یک دانش‌آموز را از اینکه به دام زدندی و خلاف بیفتد نجات داده‌ام. سال ۹۴ از آنجا به مدرسه‌ای دخترانه رفتم و معاون آموزشی شدم.

سال‌ها گذشت تا اینکه در دی‌ماه، زمانی که در ثبت نمرات دانش‌آموزان برادرم به او کمک می‌کردم، متوجه اسم افشین صحرایی شدم. از درس عربی نمره عالی گرفته بود. افشین سال دوم هنرستان بود. برادرم گفت بسیار کوشا و ساعی است. یک روز رفتم و افشین را دیدم. واقعا پسر خوب و دانایی شده بود. هنوز پیش استاد عبدل مشغول کار بود و از کارش خیلی هم راضی بود. برای خودش واقعا استادکار قابلی شده بود. گفت: «خانم معلم، هر زمان ماشینت‌تان خراب شد، برایتان مجانی تعمیرش می‌کنم.»

واقعا خیلی خوش حال شدم. من فقط یک سال در مدرسه ابتدایی تدریس داشتم و این بهترین خاطره در این بیست سال خدمتم بود. امیدوارم تمام همکاران ما نه‌تنها به آموزش بچه‌ها اهمیت بدهند، بلکه در کنارش تربیت اصولی را که در زندگی و در عمل به کار می‌رود هم یادشان بدهند. چون موفقیت هر دانش‌آموز برای ما فرهنگیان ثمره تلاش و همت ماست و ثابت می‌کند واقعا دلسوزانه کار کرده‌ایم.



## از کوره در نرو



خشم و عصبانیت احساسی است که شدتش ممکن است کم یا زیاد باشد. این احساس معمولاً با بروز تغییرات کاراندام‌شناختی (فیزیولوژیک) همراه است؛ تغییراتی که بدن را برای نزاع آماده می‌کنند. این احساس غالباً در واکنش به توهین، طردشدگی، صدمه یا ناامیدی شکل می‌گیرد. جرقه اولیه عصبانیت، فکر یا کلام یا رفتاری است که باعث می‌شود فرد به یکی از احساس‌های ذکرشده دچار شود و از کوره در رود. به‌طور مثال، ممکن است یک نفر به‌دنبال یک آسیب جسمی، احساس درد کند و عصبانی شود. ممکن است یک نفر به دلیل قرار گرفتن در موقعیتی خاص احساس ناامیدی کند یا از طرف هم‌کلاسی‌هایش طرد و عصبانی شود. واکنش کاراندام‌شناسانه بدن به احساس عصبانیت را «واکنش جنگ‌وگریز» می‌نامند؛ چون تغییراتی که متعاقب این واکنش در بدن اتفاق می‌افتد به‌گونه‌ای است که فرد را برای جنگ‌وگریز و مواجهه با شرایط اضطراری آماده می‌کند.

مهم‌ترین این تغییرات عبارت‌اند از:  
- افزایش سرعت و تعداد تنفس؛

**دکتر اعظم گودرزی**  
دکترای تخصصی آموزش  
بهداشت و ارتقای سلامت

در نقطه مقابل، عصبانیت برخی از افراد نه تنها پنهانی و گهگاه نیست، بلکه آشکار و همیشگی است. بنابراین، بدن این افراد تقریباً همیشه در وضعیت جنگ و گریز است. به بیان دیگر، بدن آن‌ها همیشه منتظر وقوع وضعیتی اضطراری است. در چنین شرایطی، بدن فرصت کمی برای استراحت دارد و در نتیجه دستگاه ایمنی که مسئول مبارزه با عوامل بیماری‌زاست، دچار افت عملکرد می‌شود. این افراد در اصطلاح دچار نشانگان (سندروم) خشم هستند. مبتلایان به این نشانگان معمولاً سروتونین کمتری در مغز خود دارند. سروتونین یک میانجی شیمیایی بدن است که می‌تواند به تنظیم احساسات و عواطف کمک کند. افرادی که سطح سروتونین مغزشان پایین‌تر از حد طبیعی است، معمولاً پرخاشگر و تهاجمی هستند. کاهش سطح سروتونین مغز رابطه معناداری با ابتلا به افسردگی و اختلالات اضطرابی دارد.

افرادی که عصبانیت پنهان دارند، گاهی خشم خود را به شیوه‌های زیان‌باری بروز می‌دهند. مثلاً ممکن است در ابراز خشم خود «فرافکنی» کنند. منظور از فرافکنی، نسبت‌دادن احساسات یا مشکلات خود به فرد یا افراد دیگر است. به‌طور مثال، دانش‌آموزی که در یک آزمون نمره پایین می‌گیرد، ممکن است به‌جای ابراز آشکار عصبانیت خود، همه تقصیرها را گردن معلمش بیندازد یا بگوید آزمونی که از او گرفته‌اند، استاندارد نبوده است.

برخی از افرادی که عصبانیت پنهان دارند، عصبانیت خود را با «جایگزینی» ابراز می‌کنند. منظور از جایگزینی، خالی کردن خشم بر سر کسی یا چیزی است که عامل بروز خشم نبوده. به‌طور مثال، دانش‌آموزی که از وضعیت خانوادگی خود عصبانی است، امکان دارد به تخریب اموال عمومی دست بزند. احساس عصبانیت احساس زیان‌باری نیست، بلکه نوعی واکنش طبیعی است که بروز آن در شرایط گوناگون ضرورت می‌یابد. با این حال، فراگیری روش‌های مهار خشم و ابراز آن به شیوه‌ای مناسب، بسیار مهم و لازم است. **چند تمرین می‌تواند در مهار خشم به شما کمک کند:**

**۱. یک دفترچه عصبانیت برای خودتان درست کنید.** در این دفترچه فهرستی از موضوعاتی را که می‌توانند شما را عصبانی کنند یادداشت کنید. این فهرست به شما کمک می‌کند ریشه‌های خشم خود را بشناسید. دفترچه می‌تواند به شما کمک کند نشانه‌های خشم خود را نیز بشناسید. سپس با اطلاع از این موارد، ارزیابی ساده‌ای از خودتان به عمل

- افزایش ضربان قلب و فشار خون؛  
- خشکی دهان.

عصبانیت پنهان حالتی از عصبانیتی است که به‌درستی تشخیص داده نمی‌شود یا به شیوه نامناسب ابراز می‌شود. برخی رفتارها می‌توانند نشانه عصبانیت پنهان باشند. مثلاً اظهار نظر منفی و بی‌رحمانه درباره دیگران، تمسخر دیگران، به تعویق انداختن کارها، بی‌علاقگی به همه‌چیز، افسردگی و خستگی دائمی و خمیازه‌های مکرر. آثار زیان‌بار عصبانیت پنهان برای سلامت، بیشتر از آثار زیان‌بار عصبانیت آشکار است. گاهی عصبانیت پنهان، مدتی پس از پنهان ماندن، ناگهان آشکار می‌شود و طغیان می‌کند. در چنین مواقعی، عصبانیت پنهان به شکل دعوایی شدید و غیرقابل منتظره ظهور و بروز می‌یابد. فردی که عصبانیت پنهانش آشکار می‌شود، معمولاً فشار زیادی به عضلات چهره خود وارد می‌کند، گاهی عضلات گردن و شانه‌اش دچار گرفتگی می‌شوند. هر از گاهی سر درد می‌گیرد و فشار خونسش بالا می‌رود، دچار کاهش یا افزایش وزن می‌شود و احتمال ابتلایش به برخی سرطان‌ها نیز افزایش می‌یابد.



**۵. یک دفترچه ویژه داشته باشید؛** دفترچه‌ای که بتواند در کنترل خشم کمک‌تان کند. چنین دفترچه‌ای می‌تواند صرفاً متشکل از پرسش‌هایی باشد که در بند اول این توصیه‌نامه به آن‌ها اشاره شده است. شما می‌توانید در این دفترچه فقط پاسخ‌های خودتان را به پرسش‌های مطرح‌شده درباره هر موقعیتی که عصبانی‌تان کرده است مکتوب کنید و در فرصتی دیگر مطالب دفترچه را مرور و رفتار خود را ارزیابی کنید.

**۶. آثار منفی عصبانیت را با ورزش و فعالیت جسمانی کاهش دهید.** ورزش و فعالیت جسمانی می‌تواند سطح عصبانیت شما را پایین بیاورد. به‌طور مثال، می‌توانید به ورزش‌های هوازی، شنا، اسکیت کردن یا دوچرخه‌سواری بپردازید.

**۷. از رفتارهای ایمن استفاده کنید.** شما می‌توانید در ابراز عصبانیتان از شیوه‌هایی کمک بگیرید که عواقب زیانباری برای خودتان و دیگران ندارند. مثلاً مهر را محکم در جویز بکوبید، به بالش خودتان مشت بزنید یا یک توپ تنیس را محکم فشار دهید.

**۸. حس شوخ‌طبعی‌تان را از دست ندهید.** گفتن یا شنیدن لطیفه یا پرداختن به یک سرگرمی تفننی و بامزه، البته به شرطی که برای دیگران توهین‌آمیز نباشد، می‌تواند شما را آرام‌تر و شرایط را متعادل‌تر کند. خندیدن می‌تواند به‌وضوح از آثار و تبعات عصبانیت بکاهد.

**۹. مهار خشم را تمرین کنید.** موقعیتی فرضی را که می‌تواند عصبانی‌تان کند تجسم کنید و خوب فکر کنید و ببینید در چنین شرایطی برای کنترل خشم خودتان چه کارهایی می‌توانید انجام دهید و چه حرفی می‌توانید به زبان بیاورید. سپس در مقابل آینه همان رفتارها را انجام دهید و همان حرف‌ها را به زبان بیاورید. این کارها را بهتر است در مقابل دوست خود، والدینتان یا یکی از نزدیکان خود نیز تکرار و ارزیابی کنید.

**۱۰. با والدین، همسر یا همکاران حرف بزنید.** بزرگ‌ترها می‌توانند به شما کمک کنند خشم خودتان را مهار کنید و بهتر آن‌ها را بشناسید و ابراز کنید. آن‌ها می‌توانند اقدامات مفید و کم‌عارضه در چنین شرایط خاصی را به شما پیشنهاد و به‌خوبی از شما حمایت کنند.

آورید و ببینید آیا نسبت به فرد یا موقعیت خاصی واکنش افراطی نشان داده‌اید یا نه؟ آیا در ابراز خشم خود تحت تأثیر محیط قرار گرفته‌اید یا نه؟ اگر درباره دلیل خشم‌تان به اطلاعات کافی دست پیدا کردید، می‌توانید واکنش خود را ارزیابی کنید و پرسش‌هایی از این دست از خودتان بپرسید:

- \* من چه احساسی دارم؟
- \* چه چیزی باعث شده است من این احساس را داشته باشم؟
- \* آیا احساس من قابل توجیه است؟
- \* آیا من همچنان در برابر آن فرد یا آن موضوع همان احساس را دارم؟
- \* نحوه درست ابراز خشم من چگونه می‌توانست باشد؟

**۲. از «خودگویی» استفاده کنید.** منظور از خودگویی، حالتی است که کلماتی خطاب به خودتان می‌گویید؛ کلماتی که می‌توانید هنگام عصبانیت نیز به خودتان بگویید؛ مثلاً:

- \* من می‌توانم این وضع نابسامان را مدیریت کنم.
- \* من می‌توانم قبل از اینکه چیزی بگویم چند نفس عمیق بکشم.
- \* من می‌توانم قبل از هر واکنشی تا ده بشمارم؛ یک ... دو ... سه ...
- \* من می‌توانم خودم را کنترل کنم و از کوره در نروم.

**۳. از «من پیام» استفاده کنید.** «من پیام» پیامی است که می‌تواند خشم شما را از یک فرد یا موقعیت خاص به شیوه مناسب و آشکار بیان کند. چنین پیامی مخاطب شما را به واکنش تدافعی و پرخاشی‌گرانه وادار نمی‌کند؛ دقیقاً برعکس «تو پیام»، که هدفش صرفاً متهم کردن و مقصر نشان دادن طرف مقابل است، با لحن نامناسب و بدون ارائه دلایل کافی.

**۴. نامه بنویسید.** نگارش نامه، شیوه‌ای سالم و ایمن برای ابراز خشم است. شما می‌توانید واکنش‌های عصبی خود را بدون هیچ‌گونه سانسوری مکتوب کنید و سپس در فرصتی دیگر نامه را مطالعه و قبل از فرستادن، اصلاحاتی در آن اعمال کنید. حتی می‌توانید تازمانی که آرام‌تر شوید، صبر کنید و سپس به نامه‌نگاری مشغول شوید. مدتی بعد، ممکن است تصمیم بگیرید نامه را فقط خودتان بخوانید و اصلاً آن را نفرستید.

منابع

1. Vatankhah H, Daryabari D, Ghadami V, KhanjanShoeibi E. Teaching how life skills (anger control) affect the happiness and self-esteem of Tonekabon female students. *Procedia-social and behavioral sciences*. 2014 Feb 21;116:123-6.
2. Rozi F, Tohet M, Aini Q, Imamah NN. Anger Management in Improving Teacher Performance in School. *Al-Tanzim: Jurnal Manajemen Pendidikan Islam*. 2022 Feb 22;6(1):243-53.
3. Faupel A, Herrick E, Sharp PM. Anger management: A practical guide for teachers. Routledge; 2017 Oct 16.

# تلفیق آزمودن

## و تدریس

نوشته هربرت سی رودمن  
ترجمه و تلخیص احمد شریفان  
دانشجوی دکترای سنجش و اندازه‌گیری

آزمون‌ها و اثربخشی آن‌ها می‌تواند دست‌اندرکاران آموزشی مدرسه‌ها را با به‌کارگیری درست و فایده‌های استفاده از آزمون‌ها آشنا کند.

آموزش معلمان درباره نحوه طراحی، اجرا و تفسیر آزمون‌ها می‌تواند آنان را با اهمیت آزمون در فرایند یاددهی-یادگیری آشنا کند. زیرا نگرش معلمان و مدیران تحت تأثیر نتایج مثبت یا منفی آزمون‌ها تغییر می‌کند.

### دانش‌آموزان درباره آزمون‌هایی که در مورد آنان اجرا می‌شود، چه احساسی دارند؟

دانش‌آموزان احساس می‌کنند آزمون باعث می‌شود آموخته‌هایشان را فراموش نکنند، اضطراب امتحانشان کاهش یابد و پیشرفت تحصیلی‌شان را بهتر کنترل کنند.

این مقاله برگرفته از این منبع است:

Rudman, Herbert C. (1989). Integrating Testing with Teaching. Practical Assessment, Research and Evaluation, 1 (6).

### چگونه می‌توان آزمون را با تدریس مرتبط کرد؟

آموزش روشی سودمند برای شروع سال تحصیلی در مدرسه تلقی می‌شود. در مدرسه، می‌توان سال تحصیلی را با آزمون آغاز کرد. به این روش، معلمان می‌توانند آموخته‌ها و یادگیری‌های سال قبل دانش‌آموزان را بررسی و برنامه آموزشی خود را بر پایه اطلاعاتی که از آن‌ها به دست می‌آورند، تنظیم و تدوین کنند. آزمون می‌تواند به تصمیم‌گیری درباره نحوه گروه‌بندی دانش‌آموزان در کلاس درس کمک کند. در واقع، در صورتی که معلمان برنامه‌های آموزشی خاصی را برای کلاس درسشان تدارک دیده باشند، آزمون می‌تواند در گروه‌بندی دانش‌آموزان متناسب با فعالیت‌های آموزشی موردنظر، در فرایند تدریس و یادگیری، به آنان کمک کند.

آموزش می‌تواند برای تشخیص آنچه دانش‌آموزان می‌دانند، به معلمان کمک کند. باید توجه کرد، تنها استفاده از یک منبع یا آزمون نمی‌تواند برای سنجش آنچه دانش‌آموزان آموخته و یاد گرفته‌اند، کافی باشد. از این رو، آزمون (که در آن از آزمون‌های گوناگون مانند عملکردی، پاسخ‌گزین، پاسخ‌نگار و نظایر آن استفاده می‌شود)، می‌تواند اطلاعات گوناگون و متنوعی را درباره دانسته‌های قبلی دانش‌آموزان برای معلمان فراهم کند.

آموزش به معلمان کمک می‌کند نقطه شروع تدریس خود را تعیین کنند. معلمان با طرح پرسش به‌طور شفاهی یا کتبی، می‌توانند آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان درباره موضوع درس جدید را بسنجند و بر اساس آن، از نقطه معینی شروع کنند.

### از طریق آزمون، چگونه و به چه روش‌هایی می‌توان به معلمان و مدیران کمک کرد؟

آموزش می‌تواند برای ارتقای سطح آموخته‌های دانش‌آموزان استفاده کرد. در واقع، اطلاعات به‌دست‌آمده از آزمون می‌تواند در ارائه بازخورد، تشویق و ارتقای دانش‌آموزان، به معلمان و کارکنان آموزشی مدرسه‌ها کمک کند.

از نتایج آزمون می‌توان برای برقراری ارتباط بین مشاوران تحصیلی، والدین و معلمان استفاده کرد. آموزش اثربخش در کلاس درس، به عوامل بسیاری، به‌ویژه ارتباط عنصر انسانی (مشاور تحصیلی، معلم و والدین) وابسته است. برقراری ارتباط بین عوامل انسانی، نیازمند کسب و داشتن اطلاعات لازم درباره دانش‌آموز و عملکرد تحصیلی اوست. به این منظور، نتایج آزمون می‌تواند اطلاعات باارزشی را برای برقراری ارتباط بین عناصر انسانی فراهم کند.

نتایج آزمون می‌تواند برای اندازه‌گیری اثربخشی آموزش و یادگیری سودمند باشد. از انواع گوناگون آزمون می‌توان برای آگاهی از اثربخش بودن فرایند یاددهی-یادگیری، با توجه به سطوح گوناگون آموزش، و اهداف آن استفاده کرد.

### چگونه می‌توان در معلمان و مدیران نسبت به استفاده از آزمون‌ها نگرش مثبت ایجاد کرد؟

برگزاری نشست با حضور معلمان و مدیران درباره نتایج

# کیفیت بخشی

## حرفه‌ای

اعظم مقیسه  
کارشناس ارشد فیزیک



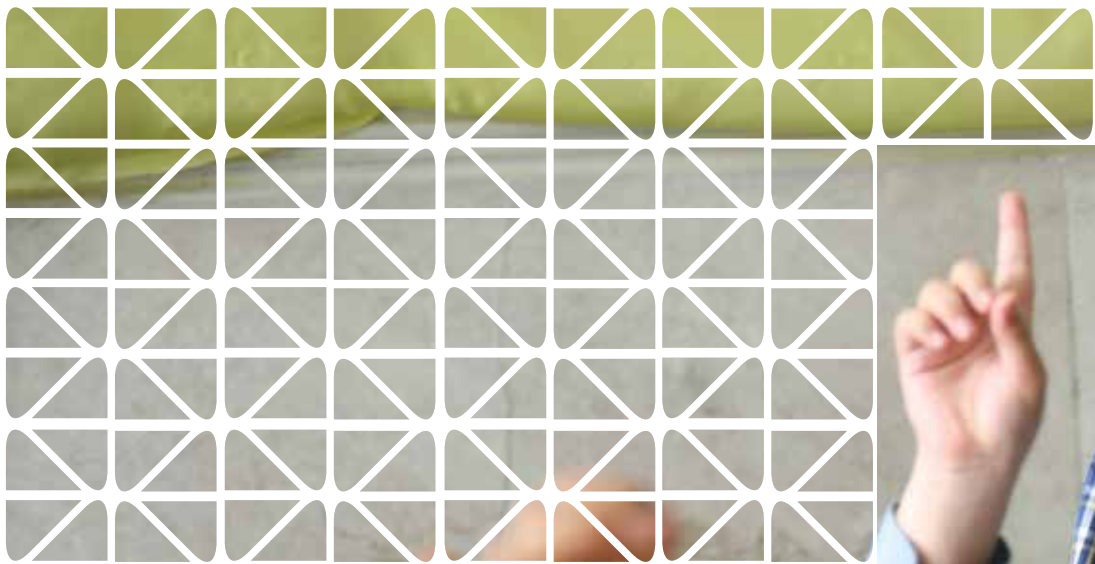
همه‌ساله برنامه‌ریزان آموزشی با هدف اعتلای کیفیت آموزش، متولی اجرای کارگاه‌ها و مجامع آموزشی یا طرح‌هایی مثل درس‌پژوهی، اقدام‌پژوهی یا جشنواره‌ها هستند. این قبیل طرح‌ها، اگر به‌درستی اجرا شوند، می‌توانند به اعتلای حرفه‌ای معلمان کمک کنند. در این مقاله این موضوع را از ابعاد گوناگون بررسی می‌کنیم:

الف) یکی از اصلی‌ترین عوامل ایجاد انگیزه برای معلمان، به‌منظور مشارکت در این طرح‌ها، امتیازهایی است که برای این قبیل اقدامات در ارزشیابی عملکرد آنان لحاظ شده‌اند و به‌طور متقابل، شرکت‌نکردن در آن‌ها باعث از بین رفتن امتیازهایی در ارزشیابی عملکرد معلم می‌شود. در نتیجه، معلمان برای شرکت در برنامه آموزشی، بدون توجه به مفید و کاربردی بودن آن، به‌ناچار باید به دنبال کسب امتیاز باشند. در حالی که اگر فعالیتی علمی، سنجیده و کارآمد و کاربردی طراحی شود، قطعاً معلم با رغبت و علاقه در آن‌ها شرکت می‌کند. این به شأن معلم و علم نزدیک‌تر است.

ب) بعضی از این طرح‌ها مثل الگوی برتر تدریس و اقدام‌پژوهی، با هدف به‌اشتراک گذاشتن تجربه‌های موفق معلمان اجرا می‌شوند که هدفی ارزشمند است، ولی در عمل نمونه‌های تدریس و مقالات برتر در اختیار معلمان قرار نمی‌گیرند. با توجه به قدمت بعضی از آن‌ها، قطعاً باید مجموعه‌ای غنی از تجربه‌های حرفه‌ای معلمان گردآوری شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد؛ هدفی که اساساً طرح به خاطر آن اجرا می‌شود. ولی در عمل این اتفاق نیفتاده و هنوز هم یکی از اصلی‌ترین ابزارهای انگیزشی برای افزایش مشارکت معلمان در این قبیل طرح‌های ارزشمند همان امتیاز است.

پ) به تفاوت بین معلم خوب و معلم پرامتیاز بی‌توجهی می‌شود. این بی‌توجهی ممکن است لطمه‌ای جدی به آموزش وارد کند. همان‌طور که می‌دانیم، معلم خوب در تراز حکومت اسلامی به معلمی اطلاق می‌شود که علاوه بر داشتن مهارت‌های علمی و





دارند و بر ظرافت‌های عملی اجرای طرح‌ها واقف‌اند؟! معلمی که با نادیده گرفتن موفقیت‌هایش باید حتماً سر کلاس یک مترجم بنشیند و در قالب الگوگیری از آموزش و پرورش فلان کشور در معرض خودتحقیری‌هایی از این دست باشد، چطور در کلاس درس روحیه خودباوری و عزتمندی را به دانش‌آموزش القا کند؟

### پیشنهادها

۱. بعضی از طرح‌ها مثل الگوی برتر تدریس، تجربه‌های حرفه‌ای و اقدام‌پژوهی، در ارائه نتایج بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. صحیح‌ترین کار برای ایجاد انگیزه مشارکت معلمان در آن‌ها، ارائه قوی تجربه‌های موفق انجام‌شده به سایر معلمان است. تنها در این صورت است که این طرح‌ها در جایگاه اصلی تعریف‌شده‌شان قرار می‌گیرند. مثلاً وبگاهی طراحی و معرفی شود و تدریس‌ها یا مقالات موفق در آنجا در معرض استفاده سایر همکاران قرار بگیرند.

۲. بازنگری در برگه‌های ارزشیابی و ارج‌نهادن به زحمات معلمان به‌واقع موفق‌ی که در کلاس درس، دور از هیاهوی امتیاز جمع کردن‌ها، صادقانه و با تلاش به انجام وظیفه‌شان، یعنی اعتلای فرهنگی و اخلاقی دانش‌آموزشان همت می‌گمارند، تا حق به‌حق‌دار برسد.

۳. در به‌کارگیری استادان دوره‌های آموزشی، به میزان توانمندی عملی آن‌ها و میزان بومی‌سازی مطالب توجه شود. همچنین، برنامه‌ریزان آموزشی، به‌جای ترجمه، کمی هم زحمت تولید علم به خودشان بدهند تا در بحث آموزش و پرورش تا این حد واردکننده بی‌چون و چرا نباشیم و به‌جای نشان دادن معلمان ولو بسیار موفق در جایگاه یادگیرنده و آموزش مجموعه‌ای مطالب ترجمه‌ای، علل موفقیت‌های این معلمان را استخراج و مدون کنیم و در قالبی زیبا به آموزش و پرورش سایر کشورها ارائه دهیم و غرور و عزت معلمان توانمندان را ارج نهمیم.

حرفه‌ای، از شخصیتی والا و مدیر برخوردار باشد؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموز او را به‌عنوان الگوی رفتار بپذیرد. او باید با بهره‌گیری از تربیت‌والای برگرفته از تعالیم ارزشمند دین مبین اسلام، خدامحوری و کرامت در رفتار و گفتار را به دانش‌آموز القا کند. باید بتواند هنرمندانه به بهترین تعامل انسانی با شاگردانش برسد و بداند با مشکلات و ناهنجاری‌های ایجادشده در کلاسش چگونه مواجه شود و آن‌ها را مدیریت کند. چگونه تأثیرگذار باشد و چه تأثیری از خود به‌جا بگذارد. این موارد که بسیار مهم و ارزشمند و کلیدی هستند، در برگه‌های ارزشیابی جایگاه خاص و دقیق و تعریف‌شده‌ای ندارند و تنها در قسمت بدون سنجش صحیح، امتیاز آن‌ها به همه تعلق می‌گیرد.

از آن طرف معلم پرامتیاز معلمی است که علی‌رغم حجم بالای کار و مسئولیت فردی و حرفه‌ای‌اش، در طرح‌ها شرکت می‌کند و با دستیابی به ظرافت‌های ارزیابی، رتبه می‌آورد. حتی اگر در تدریس و ارتباط‌گیری با دانش‌آموزان که محور اصلی کار معلم است مشکل داشته باشد. نهایتاً کار اصلی را عده‌ای و امتیاز را عده‌ای دیگر می‌برند. مدیران و دانش‌آموزان بسیار با این تضاد مواجه شده‌اند که معلمی را سر کلاس می‌فرستند که عناوین زیادی با خود یدک می‌کشد ولی از نگاه مخاطب اصلی یعنی دانش‌آموز، معلم خوب و موفق نیست. این داستان نامبارک به دلسردی معلم پرتلاش و موفق منجر می‌شود.

در یک کارگاه آموزشی بودم. استاد مراحل یکی از روش‌های تدریس را توضیح می‌داد. در پایان یکی از معلمان باسابقه منطقه گفت: «چه جالب! من تمام این مراحل را در کلاس انجام می‌دادم!» با خودم فکر کردم، چرا کسانی که این قبیل تجربه‌ها را ترجمه می‌کنند و بعضی‌شان حتی سابقه تدریس در فضای واقعی مدرسه را هم ندارند، باید در جایگاه استاد قرار بگیرند و بدون توجه به دانش ارزشمند تجربی معلمان موفق منطقه، این بزرگواران را سر کلاس بنشانند و مجموعه‌ای مطالب ترجمه‌شده را به آن‌ها آموزش دهند، درحالی که خود این معلمان تجربه عملی

# مهارت‌های تفکر

یادگیری از طریق آموزش مهارت‌های تفکر بوده است. مؤلفان، کودکان را اندیشمندانی در نظر می‌گیرند که یاد می‌گیرند چگونه یاد بگیرند. کتاب مهارت‌های تفکر به معلمان امکان می‌دهد با استفاده از فعالیت‌ها و ابزارهای طراحی شده به کودکان کمک کنند فرایند یادگیری‌شان را درون برنامه‌های درسی تسهیل کنند. کتاب حاضر در چهار فصل تنظیم شده است: سه فصل اول شامل مفاهیم مقدماتی است که در آن مهارت‌های تفکر در برنامه ملی انگلستان، مدیریت تفکر در کلاس درس و برنامه‌ریزی برای مهارت‌های تفکر مورد بحث قرار می‌گیرند. قسمت دوم شامل طرح‌هایی است که برای آموزش مهارت‌های تفکر در پنج بخش مشتمل بر مهارت پردازش اطلاعات، مهارت استدلال، مهارت پژوهش، مهارت تفکر خلاق و مهارت ارزشیابی تدوین شده است. مؤلفان برای سازمان‌دهی و مدیریت فعالیت‌ها از چارچوبی استفاده می‌کنند که در آن به مهارت‌های کلیدی مانند توانایی برقراری ارتباط و حل مسئله، و ارتباط موضوعی، برای نشان دادن ارتباط فعالیت با موضوعات درسی، اهداف یادگیری، سازمان کلاس درس، مدت‌زمان لازم برای اجرای فعالیت، منابع مورد نیاز، نتایج یادگیری، فعالیت یاددهی یادگیری، سنجش یادگیری، توصیه‌های اجرایی و فعالیت‌های تکمیلی اشاره شده است. این چارچوب راهنمای عملی معلمان برای اجرای فعالیت در کلاس درس است و آنان می‌توانند با استفاده از آن به طراحی و تولید نمونه طرح‌های دیگر مبادرت کنند.

در رویکرد آموزش‌شناختی که کتاب مهارت‌های تفکر بر اساس آن تدوین شده است، بر دو اصل تأکید می‌شود:

– فراهم کردن فرصت‌هایی برای یادگیری و موفقیت تمامی دانش‌آموزان؛

– آماده کردن تمامی دانش‌آموزان برای رشد معنوی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی و پذیرش مسئولیت‌های زندگی (برای تحقق این اصل، برنامه آموزشی مدرسه باید ارزش‌های ماندگار را انتقال و صداقت و استقلال دانش‌آموزان را توسعه دهد. دانش‌آموزان برای انجام قضاوت‌های آگاهانه، اتخاذ تصمیم‌های مستقل و درک مسئولیت‌ها و واکنش مناسب نشان دهند، خطرات را پشت سر بگذارند و از عهده سختی‌ها و تغییرات برآیند و کودکان را برای اجرای انتخاب‌های آگاهانه در مدرسه و زندگی آماده کنند).

از آنجا که رویکرد کتاب مهارت‌های تفکر با رویکرد فلسفه آموزش و پرورش کشورمان هم‌سویی فراوانی دارد، مطالعه آن می‌تواند فعالیت‌های علمی مفیدی را برای توسعه مهارت‌های تفکر در مدرسه‌های ابتدایی کشور در اختیار مربیان و معلمان قرار دهد.



نویسندگان: مایک جفریز و ترور هانکوک  
مترجمان: محمود تلخابی، یلدا دلگشایی  
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷  
ناشر: مؤسسه فرهنگی و هنری شناخت و تربیت انگاره، تهران.  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۶۱۲۰۶

## مقدمه مترجمان

انقلاب شناختی تحولات فزاینده‌ای را در آموزش و یادگیری به وجود آورده است. تحت تأثیر این تحولات، جوامع در گذار از پذیرش دانش به سمت خلق دانش، از کسب دانش به سمت مدیریت دانش و از نظام‌های فکری به سمت استفاده از ابزارهای فکری قرار گرفته‌اند.

شواهد بسیاری حاکی از آن‌اند که انقلابی در یادگیری در شرف وقوع است و مرکز آن، فرایند تفکر است. بنابراین ما به جای مدرسه‌های دانش‌محور به مدرسه‌های تفکر نیاز خواهیم داشت. بر این اساس، توسعه مهارت‌های تفکر در کلاس ضرورت پیدا می‌کند. کتاب مهارت‌های تفکر یکی از کنش‌ها برای پاسخ‌گویی به این ضرورت است. این کتاب حاصل پروژه‌های کلاس‌شناختی است که از سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ به اجرا درآمده است؛ پروژه‌ای که واکنشی عملی برای پاسخ‌گویی به نیاز مدرسه‌ها برای تقویت



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش‌های آموزشی  
مقر نشرات و فناوری آموزشی



از کلیه معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان، شرکت‌های دانش‌بنیان، مؤسسات علمی و آموزشی و مجموعه‌های دولتی و غیردولتی فعال در تولید محتوای الکترونیکی، انجمن‌های مردم‌نهاد، تشکل‌های مردمی و فعالان عرصه تعلیم و تربیت دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام به پایگاه اینترنتی [www.ecf.roshd.ir](http://www.ecf.roshd.ir) مراجعه نمایند.

# کتابخانه الکترونیک محتوای الکترونیک تولید شده توسط شماره ۱۵ جشنواره یا زهمین دوره

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های محیط‌های مجازی و رسانه، در نظر دارد «یازدهمین دوره جشنواره ملی تولید محتوای الکترونیکی رشد» را در راستای شناسایی تولیدکنندگان محتوای الکترونیکی و تامین محتوای الکترونیک مورد نیاز بسته‌های تربیت و یادگیری و غنی‌سازی کتاب‌های درسی تمامی دوره‌های تحصیلی برگزار نماید.

آثار برگزیده علاوه بر دریافت جوایز نقدی در شبکه ملی مدارس (رشد) منتشر خواهد شد. همچنین آثار منتخب در صورت تایید گروه‌های برنامه‌ریزی درسی به عنوان رمزینه پاسخ سریع کتاب‌های درسی در دسترس قرار خواهد گرفت.



**قالب‌های محتوایی:**  
ویدئو آموزشی  
گرافیک متحرک (موشن‌گرافی)  
پویانمایی (انیمیشن)  
محتوای صوتی و پادکست  
برنامه کاربردی (اپلیکیشن) اندرویدی  
بازی‌های تعاملی  
تصویرهای سه‌بعدی  
واقعیت افزوده  
واقعیت مجازی

مهلت ارسال آثار: ۲۳ مهرماه لغایت ۱۵ آذر ۱۴۰۱

تا ۱۵ دی تمدید شد



جهت دریافت دستورالعمل و ورود به پایگاه اینترنتی جشنواره از طریق رمزینه پاسخ سریع، اقدام نمایید.

@roshtecf

مروری بر عناصر قدرت ملی

# برای داشتن «ایران قوی»

حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۴۰۰/۱۱/۱۹) قدرت ملی را یک امر حیاتی دانستند و برخی از ارکان آن را چنین برشمردند:

KHAMENEI.IR



منطق جذاب  
برای ملت ها



امنیت و قدرت  
دفاعی



اندیشه ورزی و  
پیشرفت فکری



علم و  
فناوری



حضور در  
مسائل منطقه ای



فرهنگ و  
سبک زندگی



روان بودن  
مسائل اجتماعی



سیاست و قدرت  
دیپلماسی



ایمان، اتحاد  
اعتماد به نفس  
و امید ملی



اقتصاد،  
معیشت مردم  
ورفاه عمومی

لازمه

صرف نظر نکردن از هیچ کدام  
از بازوهای قدرت



پیش رفتن همه عناصر  
قدرت ملی با هم

